

فرد اقتصاد

واکاوی هدفگیری‌های دشمن در تحریم‌های اقتصادی
جبهه اقتصاد مقاومتی در ایران معاصر
پدافند مردمی در اقتصاد مقاومتی
اقتصاد مقاومتی جانشینی برای اقتصاد آزاد
نقش نیروهای مسلح در تقویت توان پدافندی اقتصاد

ماه‌نامه تحلیلی، ترویجی و گفتمانی قرارگاه پدافند اقتصادی
شماره چهارم ■ اسفند ۱۳۹۳



اقتصاد مقاومتی،
تنها راه حل



تقویت تولید داخلی،
تنها راه مقاوم‌سازی اقتصاد



پدافند اقتصادی:
تهدیدهای خارجی
و فرصت‌های داخلی



باید جنگ اقتصادی را
باور کنیم



پرونده ماه:

تجربه اقتصاد مقاومتی در دیگر کشورها

۵ نقش پدافند اقتصادی در اقتصاد مقاومتی
۷ تقویت تولید داخلی، تنها راه مقاوم سازی اقتصاد



۹ اقتصاد مقاومتی، تنها راه حل



{گفت‌وگو}

۱۲ پدافند اقتصادی: تهدیدهای خارجی و فرصت‌های داخلی



۱۷ باید جنگ اقتصادی را باور کنیم



{اندیشه}

۲۰ واکاوی هدف‌گیری‌های دشمن در تحریم‌های اقتصادی



۲۲ جبهه اقتصاد مقاومتی در ایران معاصر

۲۷ پدافند مردمی در اقتصاد مقاومتی

۳۰ اقتصاد مقاومتی جانشینی برای اقتصاد آزاد



۳۱ الگوی کسب‌وکار تولیدمحور

۳۳ نقش نیروهای مسلح در تقویت توان پدافندی اقتصاد



{پرونده ماه}

۳۶ مقاوم سازی اقتصاد در برزیل

۳۹ تجربه پدافند اقتصادی در ونزوئلا

۴۱ بررسی اقتصاد کوبا از منظر اقتصاد مقاومتی

{دشمن شناسی}

بررسی فعالیت‌های «مرکز سیاست دوحزبی»



۴۳ در جنگ اقتصادی علیه ایران

پدافند اقتصادی

ماه‌نامه تحلیلی، ترویجی و گفتمانی قرارگاه پدافند اقتصادی
شماره چهارم = اسفند ۱۳۹۳

صاحب امتیاز:

سازمان پدافند غیرعامل کشور
پدافند اقتصادی

مدیر مسئول:

دکتر غلامرضا جلالی

سر دبیر:

علیرضا مقصودی

دبیر تحریریه:

علی سعیدی

هیئت تحریریه:

دکتر مهدی صادقی شاهدانی، دکتر سیدمهدی زریباف، دکتر حجت‌الله عبدالملکی، دکتر مهدی طغیانی، دکتر توحیدی نیا، احسان ولدان، محمد عندلیب، امید قنبرنسب، حسن صادقی، پوریا پرتو، سعیده ابویسانی

نشانی:

خیابان استادحسن بنا شمالی، روبه‌روی بوستان امید، نیش کوچه شهید علی بخشی، موقعیت سلمان فارسی، سازمان پدافند غیرعامل کشور

تلفن:

۰۲۱-۲۲۵۱۷۰۱۲-۱۵

تارنما:

www.paydarymelli.ir

با تشکر از:

سردار محمدیوسف شاکری، محمدرضا کائینی، محمدحسین محمدی، محمدعلی کریمی، مصطفی طزری و مجید جهرمی

با همکاری:

مؤسسه پژوهشی مبانی و مدل‌های اقتصادی بومی



سازمان پدافند غیرعامل کشور

استفاده از مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.
مطالب نشریه لزوماً انعکاس دهنده مواضع سازمان پدافند غیرعامل کشور نیست.



ترسیم ابعاد جبهه پدافند بین‌المللی اقتصادی

همانگی دارند، در حیثیت‌های متعددی نیز منفک از این نظام هستند. با استخراج این افتراقات و مدیریت آن‌ها در سطح بین‌الملل می‌توان جبهه‌آلوسی را تنظیم کرد؛ جبهه‌ای که در یک سوی آن نظام سلطه متشکل از چند کشور غربی با سابقه چندسده‌ای استعماری و چپاول ملت‌ها و کشورها و البته پیروان آن‌ها در برخی دیگر گرفته‌اند که در بعدی از ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در تعارض با این جبهه قرار گرفته‌اند. با ترسیم این جبهه، ایران از جنبه‌های مختلف هرگز تنها نخواهد بود و کشورهای متعددی در کنار ایران قرار خواهند گرفت. این نگاه به صف‌بندی‌های جهانی، مرزهای جبهه را تغییر می‌دهد و با تعریف جبهه بین‌المللی مقابله با نظام سلطه، این تصور را ابطال می‌کند که «دنیا در یک سو قرار دارد و ایران به‌تنهایی در سوی دیگر». در چنین رویکردی می‌توان جبهه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را البته با اعضای متفاوت تشکیل داد و از جنبه‌های مختلف با نظام سلطه مقابله کرد. جبهه مقاومت در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند اعضای متفاوتی داشته باشد. اگرچه می‌توان اعضای مشترک بسیاری را نیز در میان آن‌ها مشاهده کرد.

با توجه به توضیحات فوق، جبهه پدافند بین‌المللی اقتصادی از جمله ارکان اصلی جبهه اقتصادی تعریف می‌شود. وظیفه این جبهه، مقابله با فشارها، تهدیدها و تحریم‌های مختلف نظام سلطه علیه کشورهای جبهه مقاومت و تلاش برای مقاوم‌سازی و مصون‌سازی کشورهای این جبهه در برابر نظام سلطه بین‌المللی است. جبهه‌ای که در آن کشورهای قرار می‌گیرند که از نظر مبانی مکتبی اقتصادی، شیوه‌های اجرای احکام اقتصادی یا حتی سلیقه اقتصادی نسبت به چندکشور مدعی غربی در وضعیت تنافر و تعارض قرار دارند. این تقسیم‌بندی به تنافر و تعارض محدود نمی‌شود و در نگاه گسترده حتی تباین در گرایش‌های اقتصادی را نیز مبنای پیوستن کشورها به جبهه می‌داند. در این تقسیم‌بندی، مبنای قرارگیری یک کشور در جبهه اقتصادی،

مواردی مسیر تحقق آرمان‌ها را مختل می‌کند. این‌منظر، ایران را تنها کشوری می‌داند که به دنبال اقتصاد، سیاست و فرهنگی دیگر و مستقل از دنیا است. در این منظر ایران کشوری تنها و منزویست. این تنهایی، ایرانی را که هنوز به یک ابرقدرت بدل نشده است در مقابل تمام «دنیا» قرار می‌دهد؛ و تمام دنیا را در چند قدرت اروپایی و آمریکایی خلاصه می‌کند. یافشاری بر علل این انزوا نیز بیچارگی مردم و اضمحلال نظام جمهوری اسلامی را به دنبال خواهد داشت. براساس این تلقی، جمهوری اسلامی ایران در مقام بالفعل (یعنی جمهوری اسلامی در حال حاضر) تنها است و از آن جایی که این‌تنهایی مترادف با ضعف این نظام است، تداوم یافشاری بر علل این تنهایی را عامل نابودی نظام معرفی می‌کند. در این منظر، از «ایستادگی» به «بنیادگرایی افراطی» و از «تلاش علمی در مسیر آرمان‌ها و در مسیری متفاوت از جریان رایج در تمدن غرب» به «سیاسی‌کاری» و «انحراف از مسیر علمی» تعبیر می‌شود. جبهه‌ای که در این نگاه ترسیم می‌شود جبهه‌ای است که در یک طرف آن ایران کنونی و در طرف دیگر آن تمام کشورهای دنیا قرار دارند.

البته این تلقی با واقعیت‌های منطقه‌ای و جهانی سازگاری چندانی ندارد؛ چرا که در وضعیت کنونی دنیا، کشورهای مختلفی وجود دارند که به دنبال اقتصاد، فرهنگ و سیاستی مستقل از نظام سلطه هستند یا حداقل در برخی از این ابعاد پیروی از نظام سلطه را نمی‌پذیرند. کشورهای وجود دارند که اقتصاد سرمایه‌داری را با مبانی ارزشی یا حتی منافع مادی خود در تضاد می‌دانند؛ کشورهایی وجود دارند که فرهنگ سرمایه‌داری را معارض با اعتقادات سنتی خود می‌دانند و فرهنگ سرمایه‌داری را فرهنگی مهاجم معرفی می‌کنند. کشورهایی نیز وجود دارند که در بعد سیاسی نمی‌توانند سلطه غرب را بپذیرند و خود را فراتر از آن می‌دانند که تحت سیطره کشورهای غربی قرار بگیرند؛ هرچند ممکن است در فضای سیاسی و روابط بین‌الملل، این تعارض‌ها و تمایزها چندان مجال بروز و ظهور علنی پیدا نکنند. این کشورها اگرچه در مواردی با نظام سلطه

این‌انگاره که «جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که در مقابل نظام سلطه قرار گرفته است» را می‌توان از منظرهای متفاوتی بررسی کرد. منظری که عموماً از آن استفاده می‌شود و در فضای رسانه‌ای ایران هم پردازش‌های مکرری بر آن انجام شده است، مهمترین عنصر در تعریف نظام جمهوری اسلامی را مبانی ارزشی و مکتبی می‌داند. البته جمهوری اسلامی را می‌توان از این منظر که در ماده و جهت یعنی با تمام وجود در مقابل جهان سلطه قرار گرفته است، کشوری واحد و بی‌همتا تلقی کرد. جمهوری اسلامی از مبانی فلسفی و ارزشی گرفته تا شیوه اداره، به دنبال معرفی شیوه دیگری از حکومت‌داری است که قوت‌گرفتن این شیوه حکومت‌داری با قوت‌گرفتن نظام سلطه قابل جمع نیست. در این منظر، اقتصاد، سیاست و فرهنگ جمهوری اسلامی منحصر به‌فرد خواهد بود. این تعریف، جبهه‌ای را در سطح مبانی فکری و اندیشه‌ای تعریف می‌کند و اصطلاحاً وجود ذهنی نظام جمهوری اسلامی را در حالتی متکامل تبیین می‌کند. ایده انقلاب اسلامی که توسط حضرت امام معرفی شده است چنین خصوصیتی دارد و از صدر تا ذیل در مقابل نظام سلطه قرار می‌گیرد. نگرش فوق، صورت اول جبهه مقاومت برای جمهوری اسلامی را ترسیم می‌کند.

در این نگرش، جبهه انقلاب اسلامی در سطح اندیشه و تفکر ارزشی (وجود ذهنی متکامل) در یک سوی میدان و جبهه کفر و نظام سلطه در سوی دیگر قرار دارد. در این نگاه، جمهوری اسلامی محدود به ایران نیست؛ البته همه ایران را هم نمی‌توان جزئی از این جبهه قلمداد کرد. پیداست که این‌انگاره یعنی «جمهوری اسلامی آرمانی» به صورت بالفعل محقق نیست؛ اگرچه آن را آرمانی دست‌نیافتنی هم نمی‌دانیم و تلاش در تحقق آن به همواره صورت می‌گیرد. جمهوری اسلامی از آغاز شکل‌گیری، البته با فراز و نشیب‌هایی و البته در مسیری صعودی به سوی این وجود ذهنی در حال حرکت است.

البته یگانه انگاشتن جمهوری اسلامی، در منظری دیگر نیز تبیین می‌شود. این منظر آفت‌های بزرگی را به دنبال دارد؛ تا جایی که این آفت‌ها در

فاصله گرفتن از نظام سلطه است. قلب جبهه را کشورهای تشکیلی می دهند که از بعد اقتصادی در جنگ با نظام سلطه قرار دارند. به بیان دیگر همین که کشوری در ابعاد اقتصادی عملکردی

البته تشکیل سازمانی مستقل با عنوان «مقاومت بین المللی اقتصادی» می تواند در انسجام بخشی به این حرکت ها مؤثرتر باشد. این جبهه در حرکتی نرم نیز می تواند اهداف



با استخراج این افتراقات [از نظام سلطه] و مدیریت آن ها در سطح بین الملل می توان جبهه ثلثی را تنظیم کرد؛ جبهه ای که در یک سوی آن نظام سلطه ... و البته پیروان آن ها در برخی دیگر از کشورها قرار دارند و در مقابل آن ها کشورهایی قرار گرفته اند که در بعدی از ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در تعارض با این جبهه قرار گرفته اند.

متفاوت از چند کشور مدعی داشته باشد، کفایت می کند برای این که در جبهه پدافند اقتصادی بین المللی نقشی داشته باشد و هر چه این تفاوت به سوی تعارض پیش برود این کشور را به محور جبهه نزدیک تر می کند.

پدافند اقتصادی که از تجمیع قدرت در این جبهه بین المللی حاصل می شود، قدرتی به مراتب بیشتر در مقابله با نظام سلطه جهانی دارد. در حالی که گسترده تر، دامنه این پدافند را می توان تا درون مرزهای کشورهای نظام سلطه نیز گسترش داد. جنبش های مردمی اقتصادی مخالف دولت ها، دگراندیشان غربی و مستضعفین درون دنیای سلطه را نیز می توان از اعضای این جبهه قلمداد کرد. در این صورت اگر مدیریت بین المللی صحیحی در این عرصه پدافندی صورت بگیرد، کفه قدرت به سوی اعضای این جبهه سنگین می شود و توانی چندبرابر را برای مقابله ایجاد می کند. این ترسیم از جبهه ریشه در مبانی شرع نیز دارد؛ در جایی که دوستان انسان در سه دسته معرفی می شوند: اول، دوست انسان؛ دوم، دوست دوست انسان و سوم دشمن دشمن انسان. استفاده توأمان از هر سه قالب دوستی، جبهه پدافند اقتصادی را در عرصه بین المللی همواره قدرتمندتر می سازد و ابعاد آن را گسترده تر می کند.

این جبهه به صورت بالفعل البته به شکلی نامنظم و غیرمنسجم تشکیل شده است و هرکدام از اعضای این جبهه تلاش می کند با نظام اقتصادی مسلط مقابله کند؛ اما از آن جایی که حرکت های اعضای این جبهه انفرادی است قدرت چندانی را در مقابله ایجاد نمی کند. اقتداربخشی به این جبهه در صورتی تعیین پیدا می کند که اعضای آن در تقسیم کاری بین المللی جایگاه خود را ادراک کرده و با تمرکز بر نقش اساسی خود در مسیر خنثی سازی و مقابله با استعمارگران حرکت کنند. در تشکیل این جبهه می توان از ظرفیت برخی از مجامع بین المللی که مدیریت آن از دست سلطه گران خارج است همچون جنبش غیرمتعهدها، سازمان کنفرانس اسلامی، اجلاس شانگهای، سازمان کشورهای عضو اتحادیه بریکس نیز استفاده کرد.

خود را دنبال کند. به این ترتیب که ورای تقسیم بندی های ملی و بین المللی، با فعال سازی ظرفیت ها در میان مردم کشورهای مختلف شیوه های جدیدی را در مقابله اقتصادی آغاز کند. تداوم این شیوه ها با تزریق مکرر تفکر انقلابی می تواند به اضمحلال درونی جبهه کفر منجر شود. به عبارت دیگر در این نگاه، پدافند آفندی اقتصادی انجام می شود. در این حالت پدافند در عین این که پاسخی به آینده های اقتصادی دشمنان است، از حالت تدافعی به حالت تهاجمی بدل می شود، چرا که موضع دفاع از موضع حمله متفاوت است. توضیح بیشتر این مسئله به این شرح است که در بعد نرم اقتصادی، دشمنان با هدف قراردادن سبک زندگی مردم کشور، حرکتی آفندی را انجام داده اند که در صورت موفقیت، نظام را با مشکلات عدیده ای مواجه می سازد. در مقابله با این آفند دشمن می توان دو گونه

و فشارهای اقتصادی مختلف تحمیل شده بر کشورهای ایران چون مؤثر باشد و اثرات آن ها را با تنوع بخشی به سبد تحرک این کشورها در حوزه واردات و صادرات کاهش دهد. اما در عین حال گسترش این جبهه تا آمریکای لاتین می تواند تهدیدات گسترده ای را در مرزهای آمریکا در بعد اقتصادی ایجاد کند و از این جهت حرکتی تهاجمی را نتیجه دهد. گسترش این جبهه تا لبنان و سوریه و نفی سلطه استعماری بر کشورهای آفریقایی نیز اقتصاد سارق اروپا را از لحاظ منابع مالی با خطرات عمده ای مواجه می سازد. گسترش این جبهه تا بدنه کشورهای اسلامی و اقتدار بخشی و ایجاد استقلال اقتصادی در این کشورها، بخش عمده ای از بازار مصرف کالاهای اروپایی را، از شمال آفریقا تا جنوب شرق آسیا، از بین می برد و موجب رکود در این اقتصادها می شود.

اکنون که رگه های این حرکت در کشورهای اروپایی چون یونان و اسپانیا مشاهده می شود، زمان بسیار مناسبی برای تشکیل این جبهه بین المللی است. کشورهای آمریکای لاتین نیز در سال های اخیر در حرکتی هماهنگ آمادگی خود را برای پیوستن به این جبهه نشان داده اند. حتی کشوری چون آرژانتین که تا چندی پیش از متحدین آمریکا و رژیم صهیونیستی به شمار می رفت امروزه وضعیت دیگری به خود گرفته و شدیدترین انتقادات را بر آمریکا و رژیم صهیونیستی وارد می کند. کشورهایی چون بولیوی، ونزوئلا و کوبا نیز به طور عملی تعارض خود با سیاست های دنیای غرب را نشان داده اند و تعاملات گسترده اقتصادی آن ها با ایران در عین فشارهای بین المللی شاهدهی بر این مدعاست. ایجاد بیداری اسلامی در میان مردم کشورهای اسلامی نیز زمینه را برای گسترش خردمندان جبهه مقاومت اقتصادی در میان ملت های مسلمان فراهم کرده است. ظهور قدرت های جدید اقتصادی مانند چین و هند و

پدافندی که از تجمیع قدرت در این جبهه بین المللی حاصل می شود، قدرتی به مراتب بیش از پدافند اقتصادی ایران به عنوان کشوری تنها دارد.

روسیه و برزیل در مقابل اقتصادهای غربی نیز تا حد زیادی اقتدار اقتصادی کشورهای غربی را متزلزل کرده است. لذا فرصت کنونی در تشکیل این جبهه را می توان به لحاظ تاریخی منحصر به فرد دانست. بنابراین چنانچه از ظرفیت های گسترده دیپلماسی کشور به جای استفاده در جهت مذاکره و چانه زنی با سردمداران نظام سلطه، در جهت شکل دهی و استفاده از ظرفیت های جبهه مقاومت اقتصادی و پدافند بین المللی اقتصادی استفاده کنیم نه تنها مشکلات اقتصادی و تجارت خارجی کشور به صورتی ریشه ای حل می شود بلکه با حفظ عزت و استقلال اقتصادی، نظام سلطه را به تسلیم در برابر حقوق ملت ها وادار می کند.

مدیر مسئول ■

عکس العمل نشان داد. اول این که تلاش کنیم سبک زندگی مردم را اصلاح کنیم که این خود حرکتی تدافعی و البته لازم است؛ اما در حالی دیگر می توان به ترویج گفتمان انقلاب در دل نظام سلطه پرداخت و سبک زندگی مردم را در آن نظام تحت الشعاع قرار داد. این حرکت در عین پدافند بودن، گونه ای از تهاجم است. جبهه پدافند بین المللی اقتصادی نیز می تواند هر دو رویکرد را مورد استفاده قرار دهد. از یک سو به خنثی سازی آینده های اقتصادی جهان سلطه بپردازد و از سوی دیگر با حرکت هایی تهاجمی، بنیادهای اقتصادی سلطه گران را هدف قرار دهد.

به عنوان مثال تشکیل جبهه مقاومت بین المللی اقتصادی می تواند در مقابله با تحریم ها



نقش پدافند اقتصادی در اقتصاد مقاومتی

گزارشی از همایش تخصصی «نقش پدافند اقتصادی در اقتصاد مقاومتی»

افزود: علیرغم اعمال تحریم‌های ویران‌کننده از طرف نظام سلطه، اقتصاد ایران دارای بخش‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی بالقوه‌ای است که نیازمند برنامه‌ای بلندمدت و همه‌جانبه در بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها، موهبت‌های الهی و منابع انسانی کارآمد است تا با تخصیص بهینه این منابع، آینده اقتصادی این‌تر و پر رونق‌تری را برای نسل‌های بعدی رقم بزند. ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌تواند ابعاد دفاع اقتصادی را مشخص نماید. تبیین و تشریح و چگونگی عملیاتی کردن دفاع اقتصادی با تأکید بر کالاهای اساسی و استراتژیک، از اهداف اصلی این پژوهش است. یوسفی نژاد گفت: این مقاله با محوریت بررسی سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب در خصوص اقتصاد مقاومتی و به‌عنوان سند راهبردی حرکت کشور و با استفاده از روش تحلیل محتوا به تشریح سیاست‌های کلی ابلاغی در خصوص چگونگی تأمین و ذخیره‌سازی نیازهای اساسی از جمله غذا و دارو و درمان به‌هنگام مواجهه با شرایط مخاطره‌آمیز، تدوین شده است.

مبانی و سیاست‌های دفاع اقتصادی در سیره پیامبر و علما

در ادامه محمد حسین رجبی دوانی استادیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) در خصوص مقاله‌ای با عنوان «مبانی و سیاست‌های دفاع اقتصادی در سیره تاریخی پیامبر اعظم (ص)، علمای عصر صفوی و درگفتمان دفاعی-اقتصادی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)» توضیح داد و گفت: دفاع از مبانی اساسی و از واجبات شرع مبین اسلام است و ابعاد و گستره وسیعی را شامل می‌شود. وی با بیان اینکه یکی از ابعاد مهم دفاع، دفاع اقتصادی است گفت: ما در این مقاله که به روش توصیفی صورت گرفته است، مؤلفه دفاع اقتصادی را در سه دوره یعنی دوران پیامبر ﷺ، دوران صفویه، و دوران حاضر به ترتیب تاریخی بررسی می‌کنیم. با بررسی سیر تاریخی از زمان پیامبر گرامی اسلام (ص) تا عصر حاضر،

۴. نقش دفاع اقتصادی در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی؛

۵. فرهنگ سازی در حوزه دفاع اقتصادی

دفاع اقتصادی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

در ابتدای جلسه دکتر علی یوسفی نژاد، استادیار دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) با اشاره به مقاله «نقش دفاع اقتصادی در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی» گفت: اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که بتواند ضمن قوامیت برای جامعه، هرگونه فشار و بحران‌های داخلی و بیرونی را به‌سادگی پشت سر بگذارد و با قدرت، اقتصاد پویا و شکوفایی را به نمایش بگذارد و با مقابله با هر بحرانی اجازه ندهد استقلال جامعه با خطر مواجه شود. وی

همایش تخصصی «نقش پدافند اقتصادی در اقتصاد مقاومتی» با حضور رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور، صبح سه‌شنبه در دانشگاه جامع امام حسین (ع) برگزار شد. این همایش با توجه به ضرورت تولید محتوا، تبیین و ترویج مفاهیم پدافند اقتصادی، توسط قرارگاه پدافند اقتصادی سازمان پدافند غیرعامل کشور با همکاری دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، با حضور صاحب نظران، پژوهشگران، استادان و مسئولان عرصه اقتصادی کشور در قالب پنج محور زیر برگزار شد:

۱. دفاع اقتصادی در اندیشه علمای اسلامی، رهبران و منابع دینی؛
۲. ادبیات علمی دفاع اقتصادی و تجارب جهانی؛
۳. تولید و استخراج اصول و مبانی و مفاهیم پدافند غیرعامل در حوزه اقتصادی؛

این همایش با توجه به ضرورت تولید محتوا، تبیین و ترویج مفاهیم پدافند اقتصادی، توسط قرارگاه پدافند اقتصادی سازمان پدافند غیرعامل کشور با همکاری دانشگاه امام حسین (علیه السلام) برگزار شد.



دریافتیم که مؤلفه دفاع از بعد اقتصادی در دیدگاه ایشان از اهمیت و جایگاه بسیار بالایی برخوردار بوده است. لذا هرکدام از ایشان بنا به شرایط زمانی راهکارها و سیاست‌های مشخصی برای تحقق دفاع اقتصادی به کار می‌گرفته‌اند.



نظریه دفاع اقتصادی

سومین سخنران جلسه حسین دری نو گورانی استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) بود که «نظریه دفاع اقتصادی و کاربرد آن؛ راهکارهای مبنایی برای دفاع اقتصادی از جمهوری اسلامی ایران» را مطرح کرد. وی افزود: بنا بر رویکرد متعارف، گرایش و اقدام به سلب امنیت یک کشور، دفاع را برای آن کشور ضروری می‌کند. برای دفاع، باید امنیت که تأمین آن، موضوع دفاع قرار می‌گیرد، به خوبی شناخته شود. در رویکرد عمیق علمی، امنیت صورت‌بندی شده، تابعی دارد که در آن، امنیت به‌عنوان متغیر تابع و برخی عناصر به‌عنوان متغیر مستقل (دخیل و تعیین‌کننده) قرار می‌گیرد. براساس ادبیات علمی موجود و با ساده‌سازی متناسب برای صورت‌بندی متغیرهای اصلی این تابع عبارتند از: «قدرت»، «مخاطره»، «محیط استقرار و تعامل». قدرت ناشی از دو جزء اصلی «توان» و «خواست» (عزم) است. مخاطره به دو صورت تهدید و تعرض بروز ظاهری می‌یابد که در اوج خود به جنگ می‌انجامد. تهدید نیز حاصل ضرب توان در قصد است. وی ادامه داد: وقتی امنیت به صورت جامع در نظر گرفته شده و سلب آن با ابزار اقتصادی پیگیری شود، دفاع اقتصادی موضوعیت می‌یابد. دفاع اقتصادی

گفت: جنگ تمام‌عیار اقتصادی آمریکا و متحدانش علیه جمهوری اسلامی ایران، دفاع کارآمد و اثربخش اقتصادی را ضروری‌تر از گذشته در دستور کار قرار داده است. این دفاع باید با توجه به همه ملاحظات مبنایی و علمی و تجربه بومی شده سایر کشورها سامان یابد. در میان راهکارهای مبنایی دفاع اقتصادی از جمهوری اسلامی ایران، اموری از قبیل ضابطه‌مداری مبنای اسلامی به‌ویژه در باب دفاع، ملاحظه تفصیلی تابع امنیت ملی و عناصر اصلی آن، حرکت به سوی تحقق اقتصاد مقاومتی که جلوه عملیاتی همان مبنای اسلامی است، استفاده از تجربه تاریخی و ویژگی‌های موفقیت یا عدم توفیق تحریم‌های اقتصادی، ملاحظه و کاربرد اصول بومی جنگ و بهره‌گیری مؤثر از اصول دفاع غیرعامل می‌توانند کارگشا و جهت‌دهنده مناسبی برای طراحی راهکارهای اجرایی و عملیاتی باشند.



فرهنگ سازی در اقتصاد مقاومتی

سپس دکتر حجت الله عبدالملکی استادیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) به «تبیین جایگاه عنصر فرهنگی در عملیات دفاع اقتصادی و مروری بر مؤلفه‌های اساسی فرهنگ‌سازی در اقتصاد مقاومتی» پرداخت و گفت: در چارچوب اقتصاد مقاومتی به‌عنوان رهیافت اقتصادی جدید، حوزه‌های سخت و نرم اقتصاد کشور متأثر می‌شود. این تغییرات (و گاهی

عوامل اصلی تفاوت آن با سایر الگوهای مدیریت اقتصادی نیز هست، توجه جدی آن به ابعاد فرهنگی در هدایت‌گری اقتصادی است. بر همین اساس پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش انجام شد که جایگاه عنصر فرهنگی در دفاع اقتصادی چیست و مؤلفه‌های اساسی الگوی فرهنگ‌سازی در حوزه دفاع اقتصادی (اقتصاد مقاومتی) کدامند. وی ادامه داد: یافته‌های تحقیق علاوه بر تأکید بر جایگاه مهم عنصر فرهنگ در روش‌شناسی طراحی و اجرای نظام اقتصاد مقاومتی (که جدای از مبنای فلسفی آن در مقدمه و بندهای سیاست‌های کلی نیز متجلی شده است)، مؤلفه‌های اساسی الگوی فرهنگ‌سازی در این حوزه را در دو موضوع کلی بدین شرح تبیین می‌نماید: موضوع اول، تولید محتوای فرهنگ مناسب است که در آن لازم است به نقش‌های عملگرها توجه شود و موضوع دوم، نحوه توزیع محتوای فرهنگی تولید شده است که در آن دو مبحث کلی گستره رسانه‌ها شامل رسانه‌های متعارف از جمله صداوسیما، مطبوعات و... و سایر رسانه‌ها از جمله مسجد، روحانیت، دانشگاه، نخبگان و... و نیز شیوه‌های توزیع شامل آموزش و ابزار هنر بحث می‌شود.

جنگ اقتصادی: تهدید یا فرصت

آخرین سخنران دکتر غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور و فرمانده قرارگاه پدافند اقتصادی کشور در همایش «نقش پدافند غیرعامل در اقتصاد مقاومتی» با بیان اینکه مبنای پدافند غیرعامل این است که دفاع در برابر تهدیدها شکل بگیرد گفت: با توجه به اینکه این تهدید در چارچوب‌های علمی و فناورانه است، کار را پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌کند.

وی ادامه داد: نوع سوم جنگ‌ها که از طریق حمله با ابزارهای اقتصادی به مؤلفه‌های اقتصادی کشور طرف مقابل به وجود می‌آید در واقع جنگ اقتصادی با ابزار و اهداف اقتصادی است. فرمانده قرارگاه پدافند اقتصادی کشور با بیان اینکه دانش، فناوری و اقتصاد از مؤلفه‌های اصلی این جنگ است گفت: از اثرات این تحریم‌ها می‌توان به تضعیف پول ملی و تحریم سیستم بانکی اشاره کرد؛ بُعد دیگر آن اثر روانی است که از طریق رسانه‌ها الگوی مصرف کالای وارداتی شکل می‌گیرد و سطح رضایتمندی و توقع در بین افراد مختلف جامعه بر اثر این تبلیغات رشد می‌کند.

وی افزود: اگر اقدام‌های مناسبی در جهت مقابله با جنگ اقتصادی طراحی نشود فرصت از بین رفته و به تهدید تبدیل خواهد شد. کشور دارای نیروی انسانی، مجرب و تحصیل‌کرده‌ای است و منابع طبیعی فراوانی هم وجود دارد بنابراین امکان عبور از این مرحله وجود دارد.

سردار جلالی تصریح کرد: الگو و فرهنگ مصرف در اقتصاد مقاومتی برای مردم باید تعریف شود و همچنین ذخایر اطمینان بخش تا حدود یک سال برای کالاهای مورد نیاز و استراتژیک داشته باشیم تا اگر بازاری دچار اختلال شود به سرعت مورد کنترل قرار گیرد. ■

مقوم نظریه اقتصادی، که یکی از عوامل اصلی تفاوت آن با سایر الگوهای مدیریت اقتصادی نیز هست، توجه جدی آن به ابعاد فرهنگی در هدایت‌گری اقتصادی است.

تحولات) با عنوان نظام‌سازی بررسی می‌شود. اما در این جریان دو شکل از برنامه‌ریزی ضرورت می‌یابد: الف. برنامه‌ریزی اقتصادی (در معنای متعارف)؛ ب. برنامه‌ریزی فرهنگی. در واقع وجه مقوم نظریه اقتصادی، که یکی از

با ملاحظه ویژگی‌ها و سطوح و مراحل دفاع، اعم از عامل و غیرعامل، و با توجه به ابزارهای سخت و نرم اقتصادی، موضوعی پیچیده است که باید به این پیچیدگی توجه خاص شود. استاد یار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

تقویت تولید داخلی، تنه‌اراه مقاوم‌سازی اقتصاد

متن حاضر، بخش اول از سخنرانی سردار دکتر غلامرضا جلالی، رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور، در همایش «نقش پدافند اقتصادی در اقتصاد مقاومتی» است که در تاریخ ۳۰ دی ۱۳۹۳ برگزار شده است. بخش‌های بعدی این سخنرانی در شماره‌های بعدی نشریه منتشر خواهد شد.



مقدمه

موضوع پدافند غیرعامل از یک طرف سهل است چون دفاع است. دفاع مفهومی فطری، دینی و انسانی است که طبیعتاً همه کشورهای دولت‌ها و انسان‌ها براساس هر نوع تفکر، دفاع دارند و از آن استفاده می‌کنند. حضرت آقا فرمودند کشوری که دفاع نکند و قدرت دفاعی نداشته باشد محکوم به شکست است. طرف دوم ممتنع و سخت آن بحث تهدیدات است که در واقع آن دفاع در برابر تهدیدی شکل می‌گیرد. این تهدید به دلیل اینکه ماهیتاً فناورانه، پویا و متحرک است شناخت و مقابله با آن دارای پیچیدگی و سختی است.

در حال حاضر شاهد یک تحول اساسی در مفهوم، ماهیت و کیفیت تهدیدات هستیم. به طور کلی تهدیدات یک میل کلی از حوزه بکارگیری سرف

ایجاد می‌کنند. کشورهای دارای این فناوری، طبیعتاً فرصت محور هستند و قابلیت‌های فناوری عموماً به آنها منتقل می‌شود، کشورهای فاقد این فناوری‌ها یا تحت کنترل این فناوری‌ها، به نوعی نسبت به این فناوری‌ها احساس تهدید می‌کنند. مثلاً وقتی سازمان سنجش از راه دور در دنیا راه بیفتد کشورهایی که می‌توانند بقیه کشورهای را تحت کنترل بگیرند طبیعتاً این برایشان فرصت خواهد بود و قدرت و ثروت تولید می‌کنند و کشورهایی که تحت پوشش این سامانه قرار می‌گیرند طبیعتاً این فناوری برایشان می‌تواند تهدیدزا باشد. لذا در نگاهی هوشمندانه به این تهدیدات، باید به دنبال بهره‌مندی از فرصت‌ها باشیم. این فضا طیف جدید و گسترده‌ای از تهدید و قابلیت و ظرفیت و امکان را تولید کرده است که این قابلیت در اختیار هر کس باشد برایش قدرت تولید می‌کند و هر کس تحت

نشان می‌دهد.

انتظاری که حضرت آقا از پدافند غیرعامل دارند این است که می‌گویند پدافند یعنی مصونیت‌سازی کشور، یعنی کشور را در برابر تهدیدات مصون کنید. به تعبیری می‌گویند کاری کنید که اگر دشمن تهدیدش را محقق کرد اثری از اقدامش نماند. یعنی بی‌اثر کردن تهدید بر کشور. در جایی دیگر می‌گویند این کار یعنی مصونیت پدافند باید در کل پیکره جامعه و دستگاه اجرایی اتفاق بیفتد و عملی شود. آقا کشور را کل پیکره می‌گویند که حالا پیکره را یک نوع زیرساخت تعریف می‌کنند. جامعه کلاً مردم تلقی می‌شود که سرمایه‌های انسانی جمعیت و مردم می‌شود. دستگاه‌ها و نظام اجرایی کشور هستند که جامعه و زیرساخت را اداره می‌کنند. این تعریف از پدافند غیرعامل است. پس باید کاری کنیم که اثر تهدید بر کشور را صفر کنیم یا به تعبیر ریاضی، به صفر میل کند.

تعریف و ابعاد جنگ اقتصادی

ما سه تعریف از جنگ اقتصادی از گذشته تا حال داشته‌ایم:

- تعریف اول: در گذشته حمله نظامی به زیرساخت‌های اقتصادی به مفهوم کاهش قدرت ملی و تأثیرگذاری بر کاهش قدرت دفاعی شکل می‌گرفته است تا این آسیب‌ها، مؤلفه قدرت ملی را کاهش بدهد و بر قدرت نظامی تأثیر بگذارد.
- تعریف دوم: جنگ برای منافع اقتصادی. بعضی‌ها حضور امریکایی‌ها را در جنگ خلیج فارس جنگ نفت می‌نامند؛ جنگی که صرفاً حوزه‌اش حوزه اقتصاد است برای اقتصاد است و نه چیز دیگر. بعضی‌ها می‌گویند که امریکایی‌ها حضورشان در خلیج فارس حمله به آینده اقتصاد دنیاست. می‌گویند چون در اقتصاد، امریکایی‌ها در رقابت‌ها و فرصت‌های برتر اقتصاد، امریکایی‌ها اقتصادی نسبت به چین کم آورده‌اند به این منطقه آمده‌اند. اساسی‌ترین مؤلفه‌ای که می‌شود به آن تسلط داشت و آینده را تحت کنترل گرفت انرژی است و لذا ذخایر انرژی منطقه

هدف اساسی که دنبال می‌شود تولید نارضایتی در مردم با ایجاد چالش اقتصادی است. هدف‌های بعدی القای ناکارآمدی و ناتوانی به کشور و به ملت و بعد تضعیف قدرت ملی است.

تسلط او قرار بگیرد برایش تهدید تولید می‌کند. پدافند غیرعامل در تعریفی که از آن بیان کردم و در آن تعریف رسمی که در بند یکم سیاست‌های کلی نظام و ابلاغیه معظم‌له جمع‌بندی شده است و مصوب مجمع هست عبارت است از مجموعه‌ای از اقدامات غیرمسلحانه که به‌کارگیری آنها باعث کاهش آسیب‌پذیری و افزایش بازدارندگی ارتقای پایداری ملی و تداوم کارکردهای ضروری و تسهیل مدیریت بحران در برابر تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌شود را شامل می‌شود. این تعریف رسمی جمهوری اسلامی از پدافند غیرعامل استو نسبت به سایر تعاریفات دنیا از یک نوع پیشرفت نیز برخوردار است چون کارکردها و مؤلفه‌های جدی این حوزه را

تهدید سخت بر علیه کشورها به سمت تأکیدی از تهدیدات و مؤلفات یا تهدیدات سیستمی و نگاه کردن به یک کشور که بکارگیری همه مؤلفه‌های ملی کشور یا به دشمن با یک سیستم مرکب و پیچیده نگاه شود و ابزار دانش و فناوریها حوزه‌هایی را توسعه دهند که این توسعه هم می‌تواند فرصت تولید کند و هم تهدید. در واقع وقتی فناوری مثل رسانه می‌آید هم فرصت تولید می‌کند هم تهدید و رسانه امروز به یک عنصر تهاجمی و به یک عنصر دفاعی تبدیل می‌شود. در واقع تحول در فناوری‌ها و تحول در تکنولوژی‌ها و دانش، امروز به نوعی حوزه‌های جدیدی از فرصت و تهدید برای کشورها

شمال خلیج فارس بیش از ۳۰ سال عمر بقا دارد. حضور در اینجا و کنترل اینجا و در اختیار داشتن اینجا و کنترل جایی مثل تنگه هرمز در واقع کنترل اقتصاد آینده است. این اقدام به نوعی استفاده از ابزار نظامی برای منفعت اقتصادی است.

■ تعریف سوم: حمله با ابزار اقتصادی به مؤلفه‌های قدرت اقتصادی کشور مقابل است. در اینجا دو مؤلفه گذشته هم می‌تواند مجدداً تکرار شود. آن چیزی که اروپایی‌ها به آن جنگ متجددانه می‌گویند که در آن جنگ و خونریزی ندارد بلکه جنگی است که از دانش و تکنولوژی و... استفاده

برای برخورد با حکومت است برای اینکه سطح رضایمندی مردم را کاملاً مدیریت و کنترل کند. در یک بعد هم که می‌گویند شما نمی‌توانید (یعنی شما نمی‌توانید در ابعاد دیگر کار کنید) ... که فضا را کاملاً تیره و نابود کننده نشان دهد که این هم یک بعد روانی است.

بُعد امنیتی

چالش اقتصادی به چالش فرهنگی تبدیل می‌شود و سپس به چالش امنیتی منتهی می‌گردد. این مسیری است که کاملاً طراحی شده است و در سناریو بیشتر توضیح داده می‌شود

بدهید. بنابراین، در بُعد زیستی هم باید لایه‌های دفاعی داشته باشیم که اگر به محصولات کشاورزی، گوشت، دام، میوه و غلات حملات زیستی شود با هدف از بین بردن منابع اقتصادی، بتوانیم مقابله کنیم. مثلاً ببینید به زیتون در رودبار دو سال پیش حمله شده و همه‌اش از بین رفته است؛ به بلوط ما در زاگرس حمله شده است و حدود ۱۴۰۰۰۰۰ هکتار بلوط از بین رفته است؛ به ماهی‌های سردآبی ما حمله شده و به گوشت سفید آسیب زده است. این‌ها حملات بیولوژیک است. می‌شود به اینها از بُعد طبیعی نگاه کرد و گفت طبیعی بوده است اما اگر خوب دقت کنید می‌بینید که اینها امنیتی بوده و از آن طرف مرزها هدایت می‌شود و شاخه‌ای از همان جنگ است که باید به آن توجه کرد.

دانش و فناوری

در بُعد دانش اگر مقالات علمی درجه یک مورد نیاز اصلی کشور را برای مجلات آی‌اس‌آی بفرستید پذیرفته نمی‌شود، اما مقالات کم‌ارزش در حوزه‌های متفرقه که درست یا غلط بودن آن به ما برتری نمی‌دهد، به راحتی پذیرفته می‌شود. این نوعی هدایت تولید علم ماست که چه تولید کنیم، چه چیزی تولید نکنیم. مثلاً مقالات در حوزه‌های دفاع سایبری و امنیت سایبری را به سختی پذیرش می‌کنند. دانش و تکنولوژی در حوزه اقتصاد ثروت تولید می‌کند و باید این ریشه را خودمان کنترل کنیم. آنجایی که آقا می‌فرمایند اقتصاد دانش بنیان، یعنی باید از دانش ثروت تولید کنیم نه از گدایی و التماس.

کارشنکی در مسیر تولید

در واقع اقدام امنیتی در حوزه‌هایی که هر حرکت تولید ملی داخل کشور را با ابزار امنیتی کنترل ورود و خروج اقلام اضافه به داخل کور یا با کج سلیقتی داخلی و امثالهم تبدیل به شکست می‌کند. چرا؟ چون نباید در برابر تحریم، تولید در داخل کشور باشد. پاک کردن صورت مسئله در تحریم جز با تولید راه حلی ندارد. یا التماس یا تولید داخلی؟ انتخاب به‌عهده شماست. اینها بخشی از ابعاد جنگ اقتصادی هستند.

اهداف جنگ اقتصادی

هدف اصلی در جنگ اقتصادی مردم هستند. دشمن در حوزه جنگ اقتصادی سناریویی طراحی کرده است که اگر همه را گام‌به‌گام کنار هم بگذارید، می‌بینید چرخه‌ای است که هدف آن مردم هستند. در واقع هدف اساسی که دنبال می‌شود تولید نارضایتی در مردم با ایجاد چالش اقتصادی است. هدف‌های بعدی الفای ناکارآمدی و ناتوانی به کشور و به ملت و بعد تضعیف قدرت ملی است. هر کشوری که قدرت اقتصادی‌اش پایین بیاید، تمام قوای ملی‌اش کاهش می‌یابد و به نوعی قدرت اقتصادی، قدرت تولید ثروت ملی و توان ملی را کاهش می‌دهد. حتماً اگر کسی بخواهد در جنگ بچنگد، باید قدرت اقتصادی‌اش بالا باشد. قدرت اقتصادی است که قدرت نظامی تربیت می‌کند. ■

در حوزه اقتصاد مقاومتی باید از مزیت نسبی عبور کنیم زیرا در شرایط تحریم و جنگ اقتصادی باید نیازهای اساسی با هر هزینه‌ای در داخل تأمین شود.

سایبری

حمله سایبری به تمام ابعاد اقتصادی یا بخش زیادی از آن در فضای سایبر صورت گرفته است. این نوع حملات بسیار مؤثر است چون فضای سایبر به شدت آسیب‌پذیر است. مثلاً حمله به نظام پولی ما در فضای سایبر، می‌تواند نظام پولی را قفل کند و از حرکت بیندازد تا امنیت اقتصادی به هم بخورد و به دنبال آن امنیت ملی مختل شود. با توجه به اینکه امروزه ماهیت پول تغییر کرده است و سرمایه فیزیکی تبدیل به سرمایه سایبری شده و دیگر نمی‌توان با روش‌های فیزیکی مانند نگهبانی و... از پول محافظت کرد، توقف چرخش مالی لطامت زیادی را به اقتصاد وارد می‌کند. امروز باید با استفاده از فایروال‌ها و سامانه‌های امنیتی سایبری و دیتاستنتر از پول محافظت کرد. لذا پول ماهیتش تغییر کرده و تحت مخاطره شدید قرار گرفته است.

بیولوژیک

دومین وزارتخانه اقتصادی وزارت کشاورزی است ولی به این بُعد جنگ اقتصادی کم توجه می‌شود. مثلاً اگر در برنج محدودیت داشته باشیم چنانچه برنج آلوده یا مشکوک به آلودگی باشد بازار به سمت کاهش و به سمت عدم تعادل هدایت می‌شود. در اینجا، حملات زیستی و بیولوژیک هدفش اقتصادی است. مثلاً غیراقتصادی کردن کاشت برنج در شمال (با گفتن این حرف که در شمال هر کیلو برنج ۴۰۰ لیتر آب مصرف می‌کند اما در هند ۱۰۰ لیتر مصرف آب می‌شود پس این اقتصادی نیست). این یعنی اصل مزیت اقتصادی، یعنی تولید باید درجایی شکل بگیرد که مزیت اقتصادی وجود دارد در صورتی که ما در جنگ اقتصادی از مزیت اقتصادی عبور کرده‌ایم. در الگوی ما، مزیت اقتصادی اصل دوم است. اصل اول این است که شما بتوانید نیازهای واجب خودتان را تولید کنید. اشکال دیگر مزیت نسبی، بیم استیلای دشمنان است و ما استیلا را کاملاً حس کرده‌ایم. امام (ره) می‌فرمودند شما اگر بیم داشته باشید باید بروید این کار را انجام

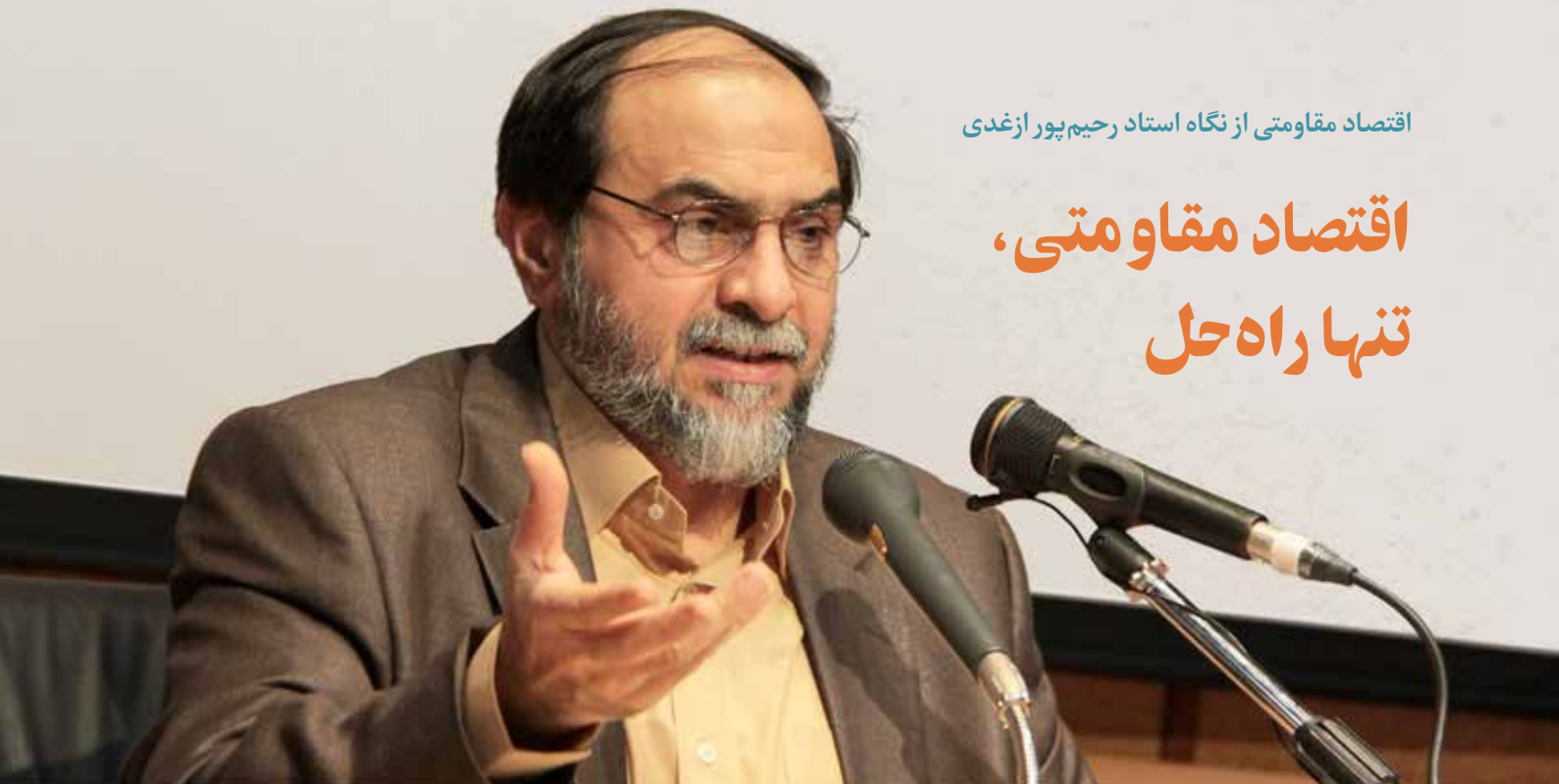
می‌کند. حمله اقتصادی و جنگ اقتصادی ابزارش اقتصادی است، تیر و تفنگش، ابزارهای اقتصادی است. یکی از آن‌ها تحریم است و سایر ابزار و سلاح هم دارد. حالا به چه حمله می‌کنند؟ به مؤلفه‌های قدرت اقتصادی کشور حریف حمله می‌کند که این مؤلفه‌ها را باید تک به تک باز کرد. مثلاً ببینید دانش و فناوری موتور اصلی مؤلفه اقتصادی یک کشور است. دوم، نظام پولی که در حکم دستگاه انتقال خون اقتصاد است. اگر بخواهیم این جنگ را بشناسیم باید ابعاد سناریو و اهداف را شناخت. آن‌ها هوشمندانه ارز و تعاملات و نظام بانکداری را مدیریت می‌کنند. ارزش یک نقش کاملاً محوری در اقتصاد دارد که در خیلی جاها تبدیل به کالا شده و خرید و فروش دلار و... اتفاق افتاده است.

ابعاد حمله اقتصادی در تعریف سوم

روانی

یک بُعد روانی استفاده از ابزار رسانه و ابزار فرهنگی در جهت اهداف جنگ اقتصادی است که در واقع یک بخش آن توسعه الگوی وارداتی برای مردم است. من در اینجا الگوی مصرف را یک سلاح در اختیار دشمن می‌بینم. مثلاً در برخورد آمریکایی‌ها با چینی‌ها، آمریکایی‌ها وقتی می‌خواهند تولید را در کشور چین غیراقتصادی کنند سطح رضایت ملی مردم نسبت به درآمد را بالا می‌برند که دستمزد قبلی دیگر برای آنها قانع کننده نیست. سطح توقع کاملاً بالا رفته است و غیرمتعارف شده است. چرا اروپایی‌ها که هزینه‌های تولیدشان بالاست تولید انبوه‌شان را در کشور چین انجام می‌دهند؟ چون سطح رضایمندی کارگر و سطح تمام شده قیمت در این کشورها بالا رفته و غیرمتعارف شده است و این تولید را غیراقتصادی می‌کند. هر چه تولید غیراقتصادی شود واردات به سمت آنجا می‌رود. لذا تعریف فرهنگی الگوی مصرف از طریق ابزار رسانه و بالابردن سطح زندگی مردم و بالابردن توقع مردم در شرایط جنگ اقتصادی یک تاکتیک و استراتژی

اقتصاد مقاومتی، تنها راه حل



ک لزوم نظریه پردازی در حوزه اقتصاد

در بازار و اقتصاد دولتی و خصوصی ما برخی قوانین و روال‌های غیرمشروع وجود دارد که برخی می‌گویند که این روال‌ها از سر اضطرار است در حالی که بسیاری از آنها از سر تنبلی است. باید مسئولان را درباره این مسائل استیضاح علمی کرد که آیا این اقدامات از سر اضطرار است یا تنبلی؟ مقام معظم رهبری بارها بر برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی تأکید کرده‌اند، چرا

وجود دارد. برخی گمان می‌کنند وقتی صحبت از اقتصاد اسلامی می‌شود، قرار است اخلاق جای عقلانیت را بگیرد و بسیاری اقتصاد بازار را که از عقلانیت اقتصادی حرف می‌زند بر اساس سود بیشتر و زحمت کمتر می‌دانند. در اقتصاد اسلامی قرار نیست اخلاق جای عقلانیت را بگیرد. در اقتصاد اسلامی مینا بر ضرر نیست، اما تعریف از سود و رقابت در آن با تعاریف مکاتب دیگر اقتصادی تفاوت‌هایی

دهد که با عقل اسلامی و نقل قطعی و وحی سازگار باشد آن نظریه و گزاره اسلامی است ولو اینکه یک غیرمسلمان آن را گفته باشد.

ک تقابل بازار اسلامی با بازار مادی شیطانی

نظام توزیع باید از دست دلال بازی، رباخواری و رانت نجات پیدا کند و فضای رقابت سالم عادلانه پیش پای تولیدکنندگان ایجاد شود و نباید از دلال بازی یعنی از روش بازار شیطانی استفاده شود. آن بازاری که با سود عادلانه ریسک می‌پذیرد و تولید خود را به مصرف‌کننده می‌رساند، در حال عبادت و جهاد است و طبق روایات هرچه این نوع تجارت رواج پیدا کند، هم به عقلانیت جامعه اضافه می‌شود و هم به لحاظ معنوی رشد می‌کند.

از سویی دیگر در روایات آمده است بازار معبد شیطان است، چون در آنجاست که با خیانت و ربا حقوق شرعی ملت و فقرا و محرومان از آنها گرفته می‌شود.

تا آنجایی که محاسبات ریاضی مطرح است، اختلاف نیست، بلکه اختلاف از آنجایی آغاز می‌شود که هدف مادی تعریف شود یا الهی؛ روش و پیش فرض‌ها مادی باشند یا الهی. در خود غرب نیز مکتب‌های متعارضی وجود دارد که اختلافات شدیدی با یکدیگر دارند و حتی یکدیگر را به غیرعلمی بودن متهم می‌کنند. این اختلافات گاه بر سر محاسبات عقلی و ریاضی و گاه بر سر اخلاق، حقوق و تعریف انسان اقتصادی است. ما می‌گوییم در تعریف انسان اقتصادی انسان می‌تواند اسلامی و الهی تعریف شود یا غیراسلامی.

در اقتصاد اسلامی دعوت به زندگی، تجارت و بازرگانی وجود دارد، اما در تفکر اسلامی تجارت غیراسلامی جای ندارد. این که یک نفر با یک تلفن چند میلیارد سود می‌کند و از طریق ارتباطات و

دارد. کسی نگفته است که در اقتصاد اسلامی سود، رقابت و عقلانیت باید کنار گذاشته شود.

عقلانی و تجربی بودن از ویژگی‌های مکاتب اقتصادی از جمله اقتصاد اسلامی است. در اقتصاد اسلامی به عقلانی و تجربی بودن اکتفا نمی‌شود، بلکه اینها به علاوه خداآوری، اخلاق و عدل محوری است. بازار اسلامی بازاری عقلانی و تجربی است به اضافه اخلاق، عدل و انسان‌شناسی توحیدی و نه مادی. در اقتصاد اسلامی رقابت نیز وجود دارد، اما بر اساس اخلاق و برادری است و نه یک رقابت سگی. در بازار اسلامی خریدار و فروشنده با یکدیگر تکالیف (زندگی سگی) ندارند. در بازار اسلامی نیز تبلیغات و رقابت وجود دارد.

تا آنجا که اقتصاد علمی است اسلامی نیز هست و هر کس در شرق و غرب نظریه‌ای در اقتصاد داده است، می‌تواند مشروع باشد ولو اقتصاددان غیرمسلمان و مارکسیسم نظریه داده باشد. چنان که اگر یک غیرمسلمان بگوید دو تا چهار می‌شود چون غیرمسلمان است ما نمی‌گوییم که دو دو تا چهار تا نیست، بنابراین هر کس نظریه‌ای در اقتصاد

ما در دهه چهارم انقلاب قرار داریم، اما به گونه‌ای در این زمینه عمل می‌کنیم که انگار در دهه پیش از انقلابیم.

درباره همین مسائل این کرسی‌ها برگزار نمی‌شود؟ در هر نماز جمعه‌ای یک کرسی بگذارند که مسئولان به انتقادات و پرسش‌ها پاسخگو باشند، نه این که تنها به گزارش دادن اکتفا کنند. گزارش‌هایشان محترم اما باید پاسخگو باشند و به اشکالات پاسخ دهند.

ما در دهه چهارم انقلاب قرار داریم، اما به گونه‌ای در این زمینه عمل می‌کنیم که انگار در دهه پیش از انقلابیم. آن دوره کسانی چون مطهری و بهشتی مسائل این چنینی را مطرح کردند و بهتر از ما نیز مطرح کردند، اکنون ما نباید همان‌ها را تکرار کنیم. بیست سال پیش رهبری بحث وجدان کاری را مطرح کردند، اما چه اقدامی در این زمینه انجام شده است؟ ادارات ما و مسئولان ما چه اقدامی انجام داده‌اند، در مورد قوانین چه اتفاقی افتاده است. مسئولان، حوزه و دانشگاه ما باید در این زمینه تقسیم کار کنند.

ک بازار اسلامی: عقلانیت همراه با اخلاق و عدالت

بازار و اقتصاد اسلامی عقلانی و تجربی است و حتی عناصر رقابت و سود البته توأم با اخلاق نیز در آن

رانت‌ها ثروت به دست می‌آورد، اسلامی نیست و متأسفانه این نمونه‌ها در جامعه ما وجود دارد. این‌که به کسی پیغام بدهند که یا باید در باند ما باشی یا کمرت را می‌شکنیم و بعد تهدیدش کنند که در ادارات آدم داریم و حسابت را می‌رسیم اسلامی نیست.

در اقتصاد اسلامی به عقلانی و تجربی بودن اکتفا نمی‌شود، بلکه اینها به علاوه خداباوری، اخلاق و عدل محوری است.

بانک‌ها می‌گویند آنچه روی کاغذ است اسلامی است، اما باید تضمین کنند که آنچه عمل می‌شود نیز اسلامی است. مدیران و مسئولان باید در این زمینه پاسخگو باشند.

تجارتی اسلامی است که تولیدکننده را رشد دهد و به مصرف‌کننده خدمت برساند.

فقه برای حل مشکلات عملی است و در واقع دستور زندگی است. حوزه و دانشگاه ما باید در این زمینه فعالیت کنند. ما باید کرسی فقه مالیات، کرسی فقه واردات و صادرات و... داشته باشیم. ما نباید از مسائل روز عقب بمانیم.

مسئولین موظفند به‌گونه‌ای برنامه اقتصادی کشور را تنظیم کنند که شکل و محتوای کار اسلامی طور شود که هر کسی تلاش شغلی می‌کند فرصت و انگیزه برای انجام فعالیت‌های سیاسی و عبادی خود هم داشته باشد.

اقتصاد مقاومتی، تنها راه

این حرف‌ها ایدئولوژیک و غیر عقلانی نیست و کاملاً منطقی با تجربه و عینی است. هیلاری کلینتون کتاب خاطرات خود با عنوان انتخاب‌های سخت را منتشر کرده است. خواندن این کتاب به شکل واضح نشان می‌دهد که حتی برای بهتر شدن دنیای ما هم راهی جز اقتصاد مقاومتی وجود ندارد.

این تخیل و توهم محض است که اگر ضعف نشان دهید به شما رحم می‌کنند یا حتی برای پیشرفت به شما کمک می‌کنند. کلینتون در کتاب خود نوشته در ابتدای بهار عربی به همه کشورهای عربی سفر کردم و گفتم اگر اصلاحات نکنید رژیم‌های شما یکی یکی در شن فرو می‌روند، ترس از ایران را منتقل کردم و گفتم ایدئولوژی ایران همه جا را می‌گیرد. کلینتون در کتاب خود گفته استراتژی ما در مقابل ایران هویج است و فقط با زبان قلدردی و تهدید نمی‌شود با ایران مواجه شد و تأکید کرده است اگر دیپلماسی را شروع نمی‌کردیم نمی‌توانستیم تحریم‌ها را تشدید کنیم. وی اعتراف می‌کند مذاکره با ایران و نوشتن نامه‌ها تاکتیک بود چون نمی‌توانستیم بدون آن برای تحریم‌ها اجماع ایجاد کنیم.

کلینتون می‌گوید ایرانی‌ها هنوز هم درباره کودتای ۲۸ مرداد ناراحت هستند و نمی‌توانند درک کنند چرا ما این کار را کردیم؛ متأسفانه رژیم شاه که متحد ما بود در یک انقلاب فروپاشید و ما برنامه داشتیم به جای آن کسان دیگری سرکار بیایند که ایران همچنان در قالب اقتصاد سرمایه‌داری و نفتی باقی بماند.

کلینتون در کتاب خود می‌گوید سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) که رئیس جمهور عوض شد احساس کردیم به ما چراغ سبز نشان می‌دهند اما تندروها و رهبری اجازه ندادند؛ اما دولت ایران در مسئله افغانستان با ما همکاری کرد ولی رئیس جمهور آمریکا با فاصله

کمی لحن خود با ایران را تشدید کرد و ایران را محور شرارت نامید؛ کلینتون می‌گوید اینجا اولین جایی بود که احساس کردیم باید پیچ تحریم را سفت کنیم چون ایران در موضع ضعف قرار گرفته است و می‌شود با فشار از آن امتیاز گرفت.

کلینتون آورده است در سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) رئیس جمهور دیگر آمد که ادبیات تندی داشت و ما مجبور شدیم عقب‌نشینی کنیم اما در عین حال از تهدید نظامی دفاع کردیم و سیاست چماق و هویج را ادامه دادیم تا از ما اطاعت کنند. در سال ۲۰۰۹ ایران پیشرفت فوق‌العاده‌ای در منطقه کرده بود. حزب‌الله و حماس اسرائیل را شکست دادند و به بن‌بست کشاندند و پادشاهان عرب با ترس نظاره‌گر وضعیت منطقه بودند.

کلینتون نوشته است وقتی دیدیم ایران قوی شد او با ما به رهبر ایران نامه نوشت. چرا؟ چون دیدیم موضع ایران در خاورمیانه قوی و موضع ما ضعیف شد و اگر از مذاکره حرف نمی‌زدیم نمی‌توانستیم تحریم‌ها را تشدید کنیم.

آمریکایی‌ها دلشان می‌خواست رهبر ایران به این نامه جواب ندهد یا جواب تند غیر منطقی بدهد اما رهبری جواب این نامه را به صورت منطقی و استدلالی دادند.

کلینتون نوشته است در سال ۲۰۰۹ ما بالاخره چراغ سبز را نشان دادیم اما ناگهان وقایع ۲۰۰۹ [فتنه ۱۳۸۸] رقم خورد و یک مرتبه نامه‌نگاری‌ها قطع شد و احساس کردیم می‌توانیم تحریم‌ها را تشدید کنیم. کلینتون ادامه داده است رابط‌های ما در ایران تماس گرفتند که از ما صریح دفاع نکنید چون کار ما خراب می‌شود اما ما مداخلات اورژانسی انجام دادیم و ابزارهای کلیدی ارتباطی را در اختیار آنها قرار دادیم؛ تماشای شکست ۸۸ برای ما دردناک بود و تندروها دوباره پیروز شدند و من تأسف خوردم چرا اقدامات شدیدتری انجام ندادیم.

کلینتون به صراحت گفته است بعد از سال ۸۸ صادرات نفت ایران را محدود کردیم و تحریم‌ها را افزایش دادیم و نتایج‌ها گفت آنقدر این تحریم را دوست دارم که انگار من آن را وضع کرده‌ام. کلینتون گفته است سیاست ما این بود که بازار ایران در داخل به ما چشم داشته باشد که ما چه می‌کنیم.

کلینتون با اشاره به دو رویکرد متفاوت در زمینه اقتصاد در مذاکرات ریاست جمهوری اخیر گفته است پای منازعات همه شوکه شدند و اولین بار بود که به این صراحت در مقابل سیاست‌های انقلابی صحبت شد؛ وقتی این مذاکرات را دیدیم معلوم شد باید

تحریم‌ها را شدیدتر کنیم چون دارد تاثیر می‌گذارد. به محض این که آمریکایی‌ها در کلام ما ضعیفی را احساس کردند فهمیدند این تحریم‌ها در ذهن بعضی مقامات اثر می‌کند و با شدت دادن به تحریم‌ها می‌توانند امتیاز بگیرند. چنانکه می‌گویند ایرانی‌ها اقتصاد تولیدی داخلی را نتوانستند فعال کنند و وابستگی آن‌ها به نفت حفظ شده است؛ این‌ها می‌گویند دولت‌های ایران عرضه اصلاح تولید و نظام توزیع را نداشتند و به نفت آویزان مانده‌اند و حالا که ضعیف شده‌اند و خودشان می‌گویند دلیل آن تحریم بوده پس تحریم‌ها را تشدید می‌کنیم تا زمین بخورند. کلینتون می‌گوید ما از حرف‌های خود ایرانی‌ها فهمیدیم که باید تحریم‌ها را بیشتر کنیم و این‌ها حال و عرضه فعال کردن اقتصاد داخلی را ندارند و فکر می‌کنند با صحبت کردن می‌توانند چیزی را عوض کنند؛ کلینتون گفته است گزینه‌ها را باید تیزتر کنیم و اکنون که باد در حمایت از ما وزیده ارزش دارد که تحریم‌های شدید و جدید را تصویب کنیم.

خود کلینتون به کشورهای کوچک مانند توکو و امثال آن سفر می‌کرد و رای آن‌ها را در شورای امنیت می‌گرفت چنانکه خودش گفته آنها را صریحاً تهدید کردم که اگر رای ندهند خودشان را تحریم می‌کنیم و مسئولین آنها را از سر کار برمی‌داریم.

کلینتون می‌گوید تنها چیزی که می‌تواند ایران را از فشارها کند فعال کردن اقتصاد داخلی است اما اینها عرضه این کار را ندارند. عین عبارت کلینتون این است که «آنها را به گزینه نظامی هشدار دادیم و شروع به تشدید لحن تحریم کردیم و گفتیم قطعنامه بی‌دندان نمی‌خواهیم. اما ایران در رقص استادانه ماهر بود.» کلینتون می‌گوید بعد از اینکه خود آنها به مؤثر بودن تحریم‌ها اعتراف کردند دیپلماسی هم مؤثر و هم لذت بخش خواهد بود.

درونگرایی

یکی از محورهای اقتصاد مقاومتی اتکا به استعدادهای درون ملت و مایوس نشدن از توان داخلی است. قطعاً رابطه ما با دنیا باید رابطه فعال باشد نه رابطه منفعل و با ذلت اما اگر امید ما به بیرون باشد قطعاً ضربه خواهیم خورد.

قوانین و نظام اداری باید اصلاح و تولیدکننده تقویت و حمایت شود.

اینکه توجه به داخل باشد نه بیرون مورد تأکید امام خمینی (ره) بود و ایشان می‌فرمودند بالاتر از ضربه علمی و سیاسی، ضربه روحی و روانی بود که به این ملت وارد شد و آنها کاری کردند که صنعتگر و تولیدکننده ما اعتماد به نفس نداشته باشد. امام (ره) می‌فرمودند: با این نوع تفکر اگر نوکر غرب هم بشوید، مشکلات حل نمی‌شود و یک راه وجود دارد و آن این است که در دنیا جزء کشورهای درجه اول قرار بگیریم و این با راحت‌طلبی و سودمحوری نمی‌شود.

تنبلی در اقتصاد داخلی و التماس در اقتصاد خارجی همواره وجود داشته است چرا که این کار راحت‌تر و با مذاق تنبلی سازگارتر است. این توهم وجود دارد که داخل کشور امکانات اقتصادی اندک است و به صفر رسیده است و از خارج باید به این اقتصاد کمک شود. آقایان توجه نکردند که به حدی سرمایه‌های سرگردان، دانشجویان متخصص،

کار را انجام دهید.

📌 موانع تحقق اقتصاد مقاومتی

اولین مانع تحقق اقتصاد مقاومتی از نگاه مقام معظم رهبری، گرایش برخی مسئولان و مردم به دنیاطلبی است و طبق گفته ایشان بعضی از ما مسئولان دچار دنیاطلبی و مادی‌گرایی شده و وقتی ما این جور شدیم، این میل از مسئولان به مردم سرریز می‌شود. خطر دوم، اسراف‌زدگی و مصرف‌زدگی است و خطر سوم این است که متأسفانه پیشرفت‌های مادی ما از پیشرفت‌های معنوی ما بیشتر شده است. به تمام روستاها امکانات آمده، تحصیل‌کردگان ما زیاد شده‌اند، کارخانه‌ها و تجهیزات نظامی ساخته‌ایم اما آیا به همین اندازه که در حوزه اقتصاد و علم پیشرفت مادی داشته‌ایم، توانسته‌ایم فرهنگ دینی را جلو ببریم؟

رهبری می‌فرمایند فرهنگ اسلامی کمتر رشد کرد و در تزکیه نفس و اخلاق پیشرفت کافی نداشتیم و عقب ماندیم.

مانع دیگر در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی، نبود عدالت اقتصادی و اجتماعی است؛ ما به بعضی از شاخص‌های مهم عدالت نرسیدیم و با خط ایده‌آل آن فاصله داریم.

در روایات داریم که فرهنگ غلط اقتصادی در آخرالزمان بین مسلمانان رایج می‌شود. امام زمان برای مسلمان کردن مسلمانان می‌آیند. رسول خدا (ص) در روایتی ضمن پیش‌بینی آخرالزمان فرمودند: زمانی برامت من خواهد آمد که ظاهرشان را مذهبی می‌کنند اما باطن‌هایشان فاسد و در بازار طمع دنیا حاکم است. بی‌اعتمادی به وعده‌های خدا هست، راحت ریا می‌کنند، دروغ گفتن بین مردم عادی و ریا در بازار مسلمین رایج می‌شود، ساختمان‌های مذهبی محکم اما نظام حقوقی و فرهنگ قرآنی در جامعه تعطیل می‌شود و زمانی که قائم ما می‌آید دوباره مردم را از اول به اسلام حقیقی دعوت می‌کند چون مردم در سبک زندگی کافرند و بازارشان مثل کفار است.

روایات زیادی داریم که بازار تولید و توزیع باید آموزش دینی ببیند چون امروز مصادیق جدیدی از مکاسب محرمه در بازارهای ما رایج است. رسول خدا (ص) در روایتی فرمودند: ابتدا آگاهی و آموزش دینی سپس شروع کسب و کار چون اگر بازاریان آموزش نبینند وارد تجارت می‌شوند، در حالی که در ریا فرو می‌روند بدون آنکه احساس گناه کنند و این یعنی همه بازاریان و تولیدکنندگان باید آموزش ببینند.

امیرالمومنین (ع) می‌فرماید: ای همه کسانی که کار اقتصادی می‌کنید «الفقه ثم المتجر» اگر فقه و احکام تجارت را درست آموزش نبینید و رعایت نکنید گرفتار ریا خواهید شد.

📌 منابع

سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۶ خرداد ۱۳۹۳

سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۶ دی ۱۳۹۳

سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۰ بهمن ۱۳۹۳

برس. از معصومی پرسیدند عزت کجاست گفت صبح قبل از طلوع آفتاب به سمت بازار و تولید حرکت کن و کرامتت را حفظ کن.

در این کشور باندهایی وجود دارند که به صورت پروژه‌ای کار برمی‌دارند که چطور تولیدکننده‌های داخلی را ورشکست و راه را برای واردات هموار کنند. اینها در ادارات دولتی نفوذ دارند و سرمایه‌دارهای خارجی هم به آن‌ها وصل هستند تا هر کس در کشاورزی و صنعت و تولید علم فعال شد مسخره کنند و فشار بیاورند و پرونده‌سازی کنند تا کار پیش نرود. کسی از معصوم پرسید که می‌خواهم کار کنم ولی شغل‌ها در شأن من نیست. ایشان فرمودند اگر شده حمالی کنی کار کن و از مردم بی‌نیاز شو.

هر کسی فکر می‌کند می‌شود اقتصاد داخلی را رها کرد و با حل کردن مشکلات با خارجی‌ها می‌تواند کشور را جلو برد بر اساس همه آنچه به آن اشاره کردم اشتباه می‌کند.

📌 مدیریت جهادی

امام خمینی دربارهٔ به‌حکومت‌رسیدن اشراف و متمکنان هشدار می‌دادند و برای آنها دو خصوصیت قائل می‌شدند: یکی این که این افراد مردم را به حساب نمی‌آورند و از آنها مایوسند و دوم اینکه در برابر قدرتمندان و دشمنان خارجی خاضع‌اند در حالی که باید به مردم ایمان و اعتقاد داشته باشند

” امروز هم کسانی می‌گویند اقتصاد کشور درست نمی‌شود، مگر اینکه تسلیم سرمایه‌داری غرب شویم اما امام می‌فرمود ضرورتی نیست به دنبال رابطه گسترده با آمریکا و غرب باشیم چون آنها فکر می‌کنند برای ما مهم نیست که آنها به ما اهانت کنند.

و در برابر دشمنان اقتدار. اگر حاکمان اعتقاد به خدا نداشته باشند اعتماد به مردم هم نخواهند داشت. لذا مسئولان دوران طاغوت با دستور مستشار بیگانه عمل می‌کردند و طوری با متخصصان و تولیدکنندگان داخلی برخورد می‌کردند که اینها مایوس و افسرده می‌شدند. امام (ره) در منشور روحانیت فرمودند من خطاب به طلاب هشدار می‌دهم که مراقب متحجرین و انقلابی‌نماها باشید و نگذارید خیانت آنها فراموش شود و با ساده‌اندیشی به پست‌های کلیدی کشور برگردند. بعضی تصمیمات اول انقلاب و سپردن کارها به گروهی که عقیده خالص نداشتند اشتباه بود اما آثار تلخ آن به آسانی از بین نمی‌رود چون آنها به چیزی کمتر از عقب‌نشینی و رفتن به سمت آمریکا قانع نیستند.

امروز هم کسانی می‌گویند اقتصاد کشور درست نمی‌شود، مگر اینکه تسلیم سرمایه‌داری غرب شویم اما امام می‌فرمود ضرورتی نیست به دنبال رابطه گسترده با آمریکا و غرب باشیم چون آنها فکر می‌کنند برای ما مهم نیست که آنها به ما اهانت کنند.

امام می‌فرمودند اگر دنبال اقتصاد و توسعه هستید زیر سایه دشمن نخواهید توانست و باید با عزت این

نیروهای کار و امکان سرمایه‌گذاری و پول در این کشور وجود دارد که حتی یک سوم آنها اگر فعال شود می‌تواند همه مشکلات اقتصادی کشور را حل کرده و ما در بعضی محصولات تبدیل به بزرگترین صادر کنندگان شویم.

اگر سیاست‌های تجارت و گمرک قوانین مجلس و بازوی اجرایی دولت به نفع تولیدکننده اصلاح شود و اجازه ندهیم هر کس وارد تولید می‌شود ناامید و ورشکست شده و به زندان یا به ورطه سوداگری و رباخواری بیفتد بدون هیچ وام بیگانه و در سخت‌ترین تحریم و حتی اگر پول بلوکه شده ما را ندهند خواهید دید که این اقتصاد چقدر قوی است و ما به دست خودمان با مدیریت غلط آن را زمین‌گیر کرده‌ایم.

روایات اسلامی بر این نکته تأکید دارند که به جای التماس به دیگران به قدرت خودتان ایمان بیاورید و اجازه بدهید بازار در جهت تولید سالم و به صورت اخلاقی و عدالت‌محور فعال شود.

امام وقتی حکم سلمان رشدی را صادر کردند فرمودند عده‌ای به من می‌گویند واکنش شما تند بود و بهتر است توهین به رسول الله را نادیده بگیریم تا اقتصاد ما بهتر شود و امام اینگونه پاسخ داده بودند که اقتصاد شما هم بهتر نخواهد شد چرا که اگر الان کوتاه می‌آیند به دلیل این است که از شما می‌ترسند. اما اگر کوتاه بیایید از شما نخواهند ترسید و بر شما

ترحم نخواهند کرد و جوری شما را زمین می‌زنند که عبرت دیگران شود.

اگر با عقل چرتکه انگیز مادی هم نگاه کنید در تاریخ هر زمان در ما ضعف دیدند بیشتر به ما فشار آوردند.

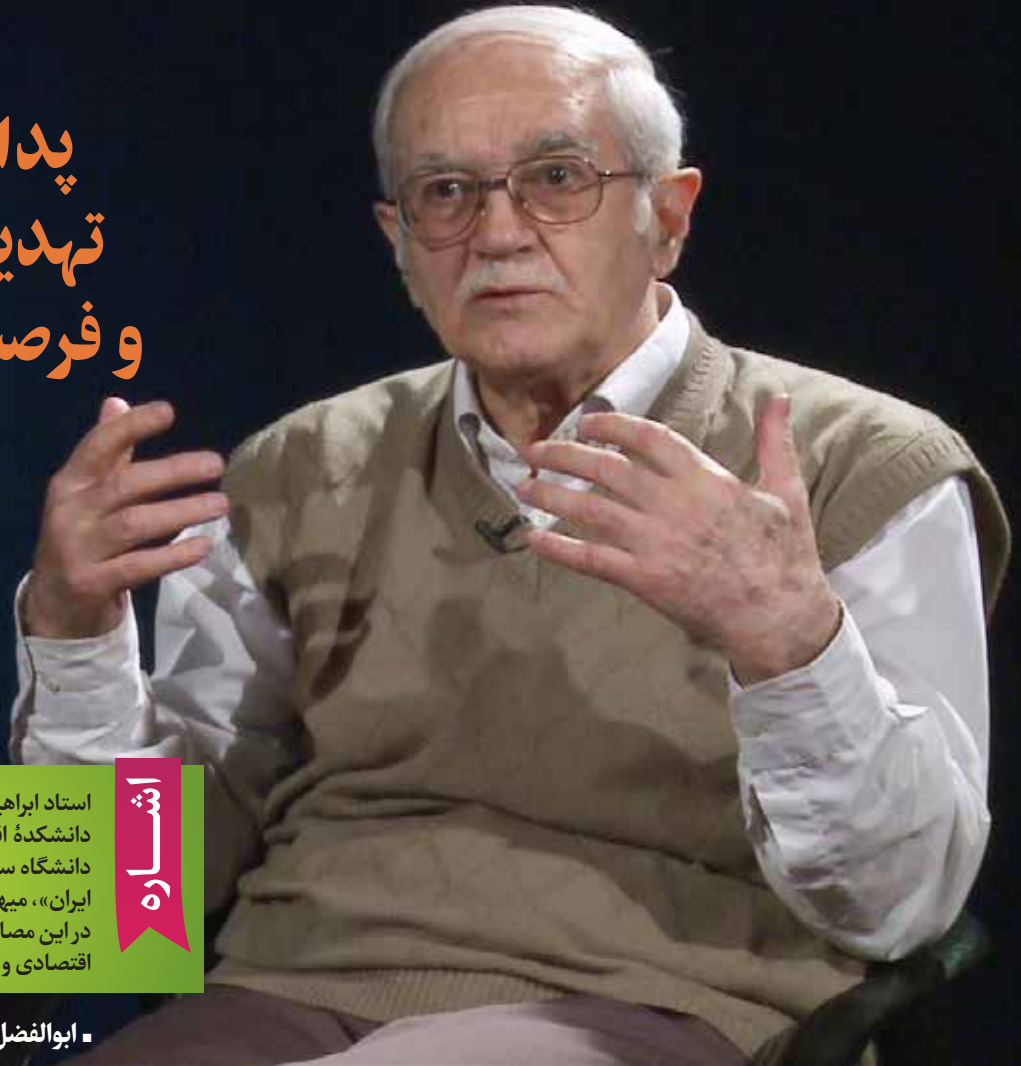
در تاریخ نداشتیم که کسانی در ایران در برابر دشمنان کوتاه آمده باشند و حریف به ما باج یا امتیاز داده باشد چه رسد به اینکه به ما در روند توسعه کمک کنند. چنانکه مجله شارلی که بارها به پیامبر اکرم توهین کرده بود دوباره پس از وقایع اخیر با تیراژ میلیونی و قیمت پایین کاریکاتورهای موهن را منتشر کردند.

📌 کار و تولید برای حفظ عزت

[یکی دیگر از محورهای اقتصاد مقاومتی، کار و تولید است.] اقتصاد مقاومتی یعنی تولید کن تا عزتت محفوظ بماند. جامعه‌ای که جوانانش از عرق ریختن می‌ترسند دلیل می‌شود. حضرت رسول فرمودند اگر جامعه‌ای و مردمی آب و خاک داشته باشند و گرسنه بمانند این جامعه ملعون است.

اقتصاد مقاومتی یعنی کار و تولید کن و به عزتت

پدافند اقتصادی: تهدیدهای خارجی و فرصت‌های داخلی



اشاره

استاد ابراهیم رزاقی، اقتصاددان و استاد بازنشسته دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و فارغ‌التحصیل دانشگاه سوربن فرانسه و نویسنده کتاب «اقتصاد ایران»، میهمان این شماره پدافند اقتصادی بودند. در این مصاحبه نظرات ایشان را درباره ادبیات جنگ اقتصادی و مقاومت اقتصادی منعکس می‌کنیم.

■ ابوالفضل محمدی ■ کارشناسی ارشد اقتصاد ■

کا به نظر شما آیا کشور ما در یک جنگ اقتصادی است یا خیر؟ اگر آری، دلایل و شواهد شما چیست؟ چه عواملی در داخل به این تهاجم دامن می‌زنند و یا به نوعی نقش عوامل خارجی را بازی می‌کنند؟

بهتر است همان اصطلاحی را استفاده کنیم که در مورد هجوم صدام به ایران بکار می‌بریم، یعنی جنگ تحمیلی؛ یعنی این جنگ را ما نخواستیم و نمی‌خواهیم. باید به‌گونه‌ای مشخص شود ما جنگ نمی‌خواهیم و در حال دفاع کردن هستیم. اگر از مقاومت صحبت می‌کنیم، برای این است که تهاجم اقتصادی را نشان دهیم و بگوییم که می‌خواهیم در برابرش مقاومت کنیم. آیا فقط در هنگام تهاجم باید به مقاومت بپردازیم؟ خیر! باید کاری کنیم که از تهاجم به خودمان پیشگیری هم بکنیم. صنایع دفاعی ما را ببینید؛ نتیجه‌اش این شده که غرب از هجوم به ما بترسد چون ابزارهایی داریم که می‌توانیم مقاومت کنیم و هزینه تهاجم را بالا ببریم. از چه طریق؟ از طریق مقاومت کردن. چطور مقاومت کنیم؟ با استقلال. اگر تهاجم هم نباشد که الآن قطعاً هست، باز هم ما باید استقلال اقتصادی داشته باشیم. شواهد داخلی اینکه به ما تهاجم اقتصادی شده این است که اولاً ما در

شرایطی هستیم که در سال ۹۰، ۱۲۰ میلیارد دلار واردات کالا و خدمات داشتیم که ۸۰ درصد آن کالاهای مصرفی است. اگر با سال ۶۸ که واردات ما حدود ۱۲ میلیارد بود مقایسه کنیم، این مقدار ده برابر شده است. بیکاری ما به چه صورت است؟ می‌گویند آمار بیکاری ۲ یا ۳ میلیون است اما درست نیست. اگر بیکاری در کشور را با بیکاری سال‌های قبل حدود سال ۳۵- ایران مقایسه کنید، در خود ایران ۵۲ درصد کار می‌کردند. الآن در ایران چند درصد کار می‌کنند؟ ۳۰ یا ۳۵ درصد. بقیه چکار می‌کنند؟ بقیه در واقع بیکارند اما ما اسم دیگری روی آن‌ها می‌گذاریم؛ مثل خانه‌دار، دانشجو یا غیرفعال؛ یعنی کسانی که هنوز به دفتر کار نیامده‌اند تا اسم

قرار ندارند.

اگر از این ۱۲۰۰ میلیارد دلار واردات ارزی درست استفاده می‌شد، باید ۱۲۰ میلیون شغل ایجاد می‌کردیم. در آن صورت هیچ فقیری باقی نمی‌ماند. اصل ۴۳ قانون اساسی هم می‌گوید این وظیفه دولت است که خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش (تا سطح دبیرستان کاملاً رایگان و به نسبت امکانات تا تسهیلات عالی هم رایگان باشد) را فراهم کند؛ اما الآن ببینید چه اتفاقی افتاده است؛ فقر، بیکاری، پرهزینه بودن درمان؛ حتی درمان را خصوصی کرده‌اند.

از سال ۹۰ هم که کاملاً تحریم اقتصادی شدیم. به این صورت که قیمت و میزان نفت کم شد، پولش را

اگر از مقاومت صحبت می‌کنیم، برای این است که تهاجم اقتصادی را نشان دهیم و بگوییم که می‌خواهیم در برابرش مقاومت کنیم.

نمی‌توانیم به کشور برگردانیم. الآن هم قیمت نفت پایین می‌آید که کاملاً سیاسی و روی برنامه است و می‌بینید دولت‌ها هم هیچ کاری نکرده‌اند. نکته مهم دیگر این است که واژه جنگ اقتصادی یا تهاجم اقتصادی یا جنگ تحمیلی اقتصادی، این موضوع را روشن نمی‌کند که آیا عیناً تهاجم

بنویسند و تقاضای کار کنند و لاید درجایی مشغول شده‌اند. اگر این‌طور حساب کنید، ما چیزی حدود ۱۵ میلیون بیکار داریم. آمار نهادهایی مثل کمیته امداد و بهزیستی در مورد فقر، حدود ۱۵ میلیون نفر است و اعلام کرده‌اند که ۷ میلیون نفر را زیر پوشش دارند و بقیه به دلیل کمبود بودجه تحت پوشش

اقتصادی یک نیروی خارجی است که بر ما اثر می‌گذارد یا یک نیروی داخلی (که اسمش را هر چه می‌خواهیم بگذاریم: ستون پنجم یا...)؟ این نیروی داخلی شرایط مساعدی را برای موفقیت این تهاجم‌ها فراهم کرده است. کسی به ایران نگفته شما سیاست‌های تعدیل را پیاده کنید و مسئولین ما نیز فکر و عمل دفاع در برابر این سیاست‌ها و نتایج آن را ندارند که این خیلی مهم‌تر از تهاجم نظامی به

زیادی را وارد می‌کنیم. جلوگیری از صادرات علوفه به ایران یا مواد اولیه دارو و مواد اولیه و یا قطعات و ماشین‌آلات صنایع ما از دیگر موارد تحریم است. در مراحل بعدی احتمالاً با توجه به کاهش درآمد نفت ایران و به فروش نفتن نفت و قیمت پایینی که دارد، ما قدرت خرید از خارج را نخواهیم داشت. این‌ها نکاتی است که در کنار تحریم بانکی شرایطی به وجود آورده است که این تهاجم‌ها با توجه به

در جنگ و هجوم اقتصادی، عوامل داخلی بسیار تأثیرگذارند. این ما بودیم که سیاست‌های تعدیل را پیاده کردیم تا جایی که توانستیم حجم درآمد نفت را زیاد کنیم.

شرایط اقتصادی ایران - گام‌به‌گام مؤثرتر می‌شود. اگر شرایط اقتصادی کشور چنین نبود تحریم‌ها اصلاً تأثیری بر ما نداشت. الان ۶۰ سال است که کشور کوبا تحریم است. این نشان می‌دهد شرایط داخلی در این تهاجم‌ها دارای اهمیت است. اگر تدابیری اندیشه می‌شد که خوداتکا شویم و اگر نقاط ضعف را برطرف می‌کردیم دیگر مشکلی وجود نداشت. می‌خواهم ارتباط بین عوامل داخلی و خارجی را مدنظر قرار دهم که فکر نکنیم که صرفاً یک نیروی مهاجم خارجی وجود دارد که علت تامه و تأثیرگذار قطعی هست. فکر نکنیم که اگر دل عوامل خارجی را به دست آوریم و با آمریکایی‌ها رابطه برقرار کنیم و نظریات آنان را اجرا کنیم، وضع بهتری پیدا خواهیم کرد و تحریم‌ها را خنثی کرده‌ایم. نکته‌ای که خیلی مهم است این است که در صورت ادامه این روند، ضربه‌پذیری اقتصاد ایران نیز ادامه پیدا می‌کند. به نظر من، عامل داخلی تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد؛ یعنی اگر عامل داخلی نبود، امکان ندارد تهاجم

ما است. در جنگ و هجوم اقتصادی، عوامل داخلی بسیار تأثیرگذارند. این ما بودیم که سیاست‌های تعدیل را پیاده کردیم تا جایی که توانستیم حجم درآمد نفت را زیاد کنیم، مواد پتروشیمی و مواد شیمیایی را خام را با ارزان‌ترین قیمتی که دست خودمان نیست بلکه دست آمریکایی‌ها و غربی‌هاست -بازار را این‌ها می‌گردانند- صادر کردیم. از ما خام می‌خرند و ما نیازهای خودمان را وارد می‌کنیم. سالی واردات در اوج بود، حدود ۶۰ تا ۷۰ میلیارد دلار کالا وارد کردیم. ۱۵ یا ۱۶ میلیارد دلار از طریق سفر کردن افراد به خارج از کشور، سرمایه از کشور خارج شد. سؤال این است که چه کسی این کارها را کرده است؟ آمریکا که انجام نداده است بلکه این واردکنندگان بودند که چه بخواهند و چه نخواهند این اقدام‌ها را انجام داده‌اند. نمی‌توانیم بگوییم همه این افراد دارند آگاهانه خیانت می‌کنند. بلکه عملاً کسی که در هنگام تولید صرفاً سودش را در نظر می‌گیرد و کارگش را اخراج می‌کند، دارد خیانت می‌کند. وقتی نرخ دلار را ارزان تعیین می‌کردیم، عملاً به واردکنندگان کمک کرده‌ایم. کشوری مثل چین، همین الان هم نرخ دلار را خیلی بالا تعیین می‌کند. زمان شاه نرخ دلار بسیار پایین تعیین می‌شد. همین الان برای واردات دلار صد درصد یارانه می‌دهیم. طبیعی است که در این شرایط هر کالایی از خارج وارد شود، ارزان‌تر از تولید داخلی خواهد بود. چه کسی این کار را انجام می‌دهد؟ این ما هستیم که در داخل این کار را انجام می‌دهیم.

در مراحل بعدی احتمالاً با توجه به کاهش درآمد نفت ایران و به فروش نفتن نفت و قیمت پایینی که دارد، ما قدرت خرید از خارج را نخواهیم داشت.

چگونه؟ به مردم می‌گوییم اگر کار می‌خواهید، تولید داخلی را مصرف کنید حتی اگر کیفیتش پایین‌تر و قیمتش بالاتر است. این رویکرد اشتغال ایجاد می‌کند و به تولید کمک می‌کند. کشورهای دیگری نظیر آمریکا و ژاپن نیز این سیاست‌ها را اتخاذ کردند. خود آمریکا می‌گفتند که کالاهای انگلیسی را که ارزان‌تر و با کیفیت‌ترند، در دریا غرق می‌کنیم و نمی‌گذاریم وارد بازار شوند تا از تولید داخلی دفاع کنند. الان همه این کشورها گذشته خود را فراموش کرده‌اند و به همه می‌گویند: آزادی، آزادی مبادله. این یک دروغ محض است. این کشورها با دنبال کردن سود و با توجه به منافع ملی صنعتی شدند.

۲۵ یا ۳۰ سال است که بعضی از نویسندگان درون‌زایی را مطرح کرده‌اند. درون‌زایی یعنی استقلال. ادبیاتی مثل خودکفایی، خوداتکایی،

خارجی اثر کند.

همان‌طور که مستحضرید، درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصادی از شاخص‌هایی است که مقام معظم رهبری برای مقابله با جنگ تحمیلی اقتصادی معرفی فرموده‌اند؛ آیا این شاخص‌ها در دانش اقتصاد دارای معادل‌هایی هستند؟ به بیان دیگر آیا شاخص‌هایی در اقتصاد وجود دارند که مبتنی بر آن‌ها بتوان میزان درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصاد را تعیین کرد؟

قبل از پاسخ به سؤال، مقدمه‌ای عرض می‌کنم.

استقلال و درون‌زایی در قانون اساسی هم آمده و حضرت امام (ره) هم گفته‌اند و رهبری هم میگویند. مثلاً صنایع دفاعی و صنایع هسته‌ای ما درون‌زا هستند. شاخص هم این است که در کارکرد این صنعت چقدر امکانات خارجی دخالت دارد و چقدر

افزایش وابستگی به صادرات مواد خام است که مورد خواست کشورهای غربی صنعتی است تا نیازهای خودشان را از بیرون تأمین کنند و از طرف دیگر کشورهای درحال توسعه از دو سو به آن‌ها وابسته شوند. برخی از کشورهای برون‌گرا خام فروشی

چین مثل کشور ما به واردات و به خودرویی که همه قطعاًش وارداتی است یارانه نمی‌دهد. چین نرخ دلار و ارز را خیلی بالا تعیین کرده و به دلار و واردات خود یارانه‌ای اختصاص نمی‌دهد. نکته مهم درباره چین این است که چین خوداتکا است و گرچه جمعیت یک‌هزار و سیصد میلیون نفری‌اش را از دست می‌دهد. این است که می‌بینیم چینی‌ها سه هزار میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد.

در برابر حداکثر سود، آلمانی‌ها مفهومی تحت عنوان منافع ملی را مطرح کردند و گفتند ما آن چیزی که آدام اسمیت می‌گوید (حداکثر کردن سود) از دید منافع ملی نگاه می‌کنیم.

وضعیت امروز اقتصاد کشور را در جنگ اقتصادی تحمیلی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا ساختار اقتصاد فعلی کشور توان مقاومت در برابر جنگ تحمیلی اقتصادی را دارد؟

اولین نکته این است که ما بخش مهمی از نیازهای مصرفی‌مان را از خارج وارد می‌کنیم. البته در دوره تحریم اقتصادی این مسئله کاهش پیدا کرده اما کماکان وجود دارد؛ یعنی مواد اولیه دارویی، مواد اولیه روغن‌ها (روغن نباتی) از خارج کشور وارد می‌شود. تمام قطعات ماشین‌آلات و مواد اولیه تقریباً تمام صنایع ما از خارج می‌آید. تمام وسایل حمل‌ونقل ما با عیناً از خارج می‌آید یا قطعات و ماشین‌آلات مونتاژ آن وارد می‌شوند. علاوه بر این، اکثر قریب به اتفاق وسایل پزشکی و ارتباطی ما (اینترنت و کامپیوتر و...) که نیاز داریم و تقاضای آن زیاد هم شده است از خارج می‌آید که همه این‌ها زیر نظر غربی‌هاست. همه این‌ها به وسیله آن‌ها کنترل می‌شود. از طرف دیگر با توجه به برنامه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای سعی می‌کنند بر فرهنگ مصرفی ما تأثیر بگذارند و افراد را به انسان‌هایی خودخواه تبدیل کنند. درآمد نفتی ما نزدیک به ۹۰،۸۰ میلیارد

نمی‌کنند و کالاهایی تولید می‌کنند که مورد نیاز کشورهای دیگر هم هست. در نتیجه مواد اولیه وارداتی را به کالا تبدیل می‌کنند و سپس کالاهای تولیدشده را صادر می‌کنند. این کار بسیار مشکلی است اما در شرایط کنونی غیرممکن نیست. سؤال این است که آیا کشورهای توسعه‌یافته اجازه چین کاری را می‌دهند؟ ما باید ببینیم نیازها در منطقه ما چیست تا نیاز متقابل کشورهای همسایه را برطرف کنیم. این کار نیاز به همگرایی اقتصادی و همگرایی سیاسی دارد. برای نمونه الان یک سری مؤسسات بین‌المللی وجود دارند که آمریکا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن‌ها دخالت می‌کند و از نظر سیاسی تابع آمریکا هستند. وضعیت کره جنوبی این چنین است. در واقع کره جنوبی یکی از ایالت‌های آمریکا است که به ما کالا صادر می‌کند. کره برون‌گرایی می‌کند و مواد اولیه را وارد ولی کالای صنعتی صادر می‌کند. فناوری تولید کره را هم آمریکایی‌ها می‌دهند. کشور ما هم اکنون درون‌زا نیست ولی برون‌گرا

مستقل است و آثار این حرکت چقدر در داخل انتشار پیدا می‌کند. هر چه به بازارهای بیرونی بیشتر متکی باشیم، بیشتر برون‌زا خواهیم بود. مثلاً ۸۰ درصد بودجه ایران به نفت متکی است. نفت خام را می‌فروشیم و از پول دلارهایش واردات می‌کنیم و از آن واردات، عوارض می‌گیریم و مواد اولیه و ماشین‌آلاتی را که با این دلارهای نفتی وارد کرده‌ایم، به کارخانه‌ها می‌بریم و ارزش افزوده ایجاد می‌کنیم و دولت مالیات می‌گیرد. اگر این‌ها را حساب کنیم، ۸۰ تا ۹۰ درصد بودجه ایران به نفت متکی است. برای رتبه‌بندی درون‌زایی اقتصادی شاخص وجود دارد اما معمولاً به دلایلی - از این شاخص‌ها استفاده نمی‌شود؛ اما شاخص جهانی برای رتبه‌بندی در دنیا نداریم.

در مورد برون‌گرایی چه؟

اگر اشتباه نکنم آمریکا بیش از ۵۰ درصد مصرف خودش را از خارج وارد می‌کند و رقم‌های کسری خارجی‌اش هم زیاد است. ۵۰ درصد از نفت مصرفی‌اش را از خارج می‌آورد، ۱۶ میلیون بشکه نفت در روز مصرف می‌کند که ۸ میلیون بشکه را از خارج وارد می‌کند. آمریکا مواد اولیه، قطعات و... را وارد می‌کند اما بخشی از این واردات مربوط به صنایعی است که بیرون از کشور آمریکا سرمایه‌گذاری کرده‌اند و حالا تولیداتشان را به آمریکا می‌فروشند. این تفاوت آمریکا با ما و دیگر کشورهای درحال توسعه است. کشورهای صنعتی هم به میزان زیادی واردات دارند اما آن‌ها در موضع غالب هستند و قیمت واردات و صادرات را خودشان تعیین می‌کنند. بازار جهانی دست آن‌هاست؛ بنابراین ما دو نوع وابستگی داریم؛ ممکن است کشوری وابسته به نفت باشد ولی بر بازار مسلط است و با نفت خودش، بازار را می‌چرخاند همچنین ممکن است کشوری مانند کشور ما وابسته به نفت باشد اما نتواند قیمت نفت را خودش تعیین کند.

برون‌گرایی یعنی ما به بیرون گرایش داشته باشیم. مفهوم برون‌گرایی در متون اقتصادی جدید آمده است. برون‌گرایی یعنی به بازار اقتصاد جهانی توجه کنیم و مزیت‌هایی را در مورد یک سری کالاها به وجود آوریم و صادر کنیم؛ اما چه نوع کالایی را صادر کنیم؟ کشورهای درحال توسعه که صادرات مواد خام جزء شاخص‌های آن‌هاست خودبه‌خود برون‌گرا هستند. برون‌گرایی با این مفهوم، در واقع

اقتصاد کشور ما هم اکنون درون‌زا نیست ولی برون‌گرا هست. نکته‌ای که در عصر ما خیلی مهم است این است که صادرات چیزی که آن‌ها از ما می‌خواهند مهم نیست بلکه صدور چیزی که برای ما خوداتکایی ایجاد کند دارای اهمیت است تا مازاد آن را صادر کنیم.

دلار بوده است و حالا احتمالاً ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار است. با این تفاوت که قبلاً با آن پول می‌توانستیم هرچه بخواهیم بخریم، اما حالا نمی‌توانیم. درآمدهای نفتی ما زیر نظر آمریکایی‌هاست چون ما را تحریم بانکی هم کرده‌اند. در این اواخر علاوه بر نفت، مواد اولیه پتروشیمی و مواد معدنی نیز می‌فروشیم. اگر غربی‌ها مانع فروش این مواد نیز بشوند چه اتفاقی می‌افتد؟ درآمد ما به چقدر می‌رسد؟ حداکثر شاید ۸ میلیارد یا ۱۰ میلیارد دلار بیشتر نشود. اگر تحریم‌ها را شدیدتر کنند، ما چگونه می‌توانیم کشورمان را از لحاظ اقتصادی اداره کنیم؟ اگر در این روش تغییری ندهیم انواع بیماری‌ها به وجود می‌آید؛ حتی مواد اولیه شیری که می‌خوریم از خارج می‌آید. علوفه حیوانات، دانه‌های خوراک

هست. نکته‌ای که در عصر ما خیلی مهم است این است که صادرات چیزی که آن‌ها از ما می‌خواهند مهم نیست بلکه صدور چیزی که برای ما خوداتکایی ایجاد کند دارای اهمیت است تا مازاد آن را ما صادر کنیم. این کار نیز احتیاج به تدارکات و درونی‌سازی فناوری تولید دارد. در زمان حاضر ما خودرو صادر می‌کنیم اما همه قطعاًش را وارد می‌کنیم و مونتاژ می‌کنیم. دلار نفتی هم صرفش می‌کنیم و صد درصد هم به دلار یارانه می‌دهیم؛ اما چین همین کار را می‌کند و کالایی را که مثلاً ۱۰۵ دلار قیمت دارد را صادر می‌کند و ۵ دلار نیز کسب می‌کند و مابقی قیمت را شرکت‌هایی که پشت‌صحنه هستند می‌برند که عمدتاً آمریکایی و غربی هستند. کشور

مادی محور نیستیم. اگر مادی‌گرا شویم، مانند شوروی که امکاناتش حداقلی بود، تحت تأثیر سرمایه‌داری لیبرال قرار می‌گیریم. ولی اگر مادی‌گرا نباشیم به امکانات و کالاهای لوکس توجه نکنیم، آن جذابیتی که روابط انسانی دارد، نیازهای معنوی ما را برطرف می‌کند. این مقاومت به معنای واقعی کلمه است. ضمن اینکه چنین اقتصاد مستقلی، هر مهاجمی را به این وادار می‌کند که کارش بی‌تأثیر است؛ مانند کوبا که پای اندیشه‌هایش مانده و موفق شده حتی با اندیشه سوسیالیستی و غیردینی، شرایطی را به وجود بیاورد که تحریم بی‌تأثیر باشد و ۵۵ سال باقی بماند و یا مانند ایرلند قبل از تسلیم شدن در برابر انگلیس و یا کره شمالی. قبلاً گفتم که قرار بود از لحاظ اندیشه‌های آدام اسمیت، فقط یک کشور در دنیا صنعتی شود. ولی چرا آلمان، فرانسه و ژاپن و نیز آمریکا صنعتی شدند؟ این کشورها از طریق حفظ منافع ملی به این سطح از توسعه رسیدند. همه همیاری کردند تا رشد کنند و در برابر انگلیس بایستند و نیازی به واردات از انگلیس نداشته باشند چرا که خودشان تولید می‌کردند. مثلاً آمریکا کالاهای وارداتی انگلیس در دریا ریخت تا خودش به تولید بپردازد. سرمایه‌دارها نیز صرفاً خودپرست لیبرال نیستند بلکه سرمایه‌داری‌شان

تصور کنید که نیروی عظیم حتی یک فرد - چه برسد به یک میلیون و ده میلیون و بیست میلیون - و به این نوع از فداکاری و شهادت و با این نوع فرهنگ عادت کند. در این صورت اگر به ایران حمله شود معلوم است که مردم از لحاظ نظامی چطور دفاع می‌کنند و اگر از لحاظ اقتصادی حمله

مرغ که در مرغداری‌ها و صنایع وابسته آن استفاده می‌شود از خارج می‌آید. ۴۰ درصد مواد غذایی که ایرانی‌ها مصرف می‌کنند از خارج می‌آید. شما ببینید تمام کارهایی که ما در ارتباط با خارج انجام می‌دهیم، مثلاً آموزش، درمان و ... همه از خارج می‌آید و باید دلارهایی به آن‌ها داده شود. اگر اجازه

امروز هم کسانی می‌گویند اقتصاد کشور درست نمی‌شود، مگر اینکه تسلیم سرمایه‌داری غرب شویم اما امام می‌فرمود ضرورتی نیست به دنبال رابطه گسترده با آمریکا و غرب باشیم چون آنها فکر می‌کنند برای ما مهم نیست که آنها به ما اهانت کنند.

شود چنین جامعه‌ای به سرعت مقاومت می‌کنند. چنین جامعه‌ای اصلاً به خارج نیازی ندارند و اصلاً لازم نیست نفت خام و مواد معدنی خام و یا مواد پتروشیمی خام را بفروشند، تازه در صورتی که از ما بخرند. در حد مورد نیاز از این مواد بهره‌برداری می‌کند و اسراف هم نمی‌کند. در تولیدش هم اسراف

دهیم این وضعیت ادامه پیدا کند، به نقطه‌ای می‌رسیم که فرصت نداریم و عناصری که وارد صحنه می‌شوند قربانیان این سیستم خواهند بود. در این شرایط هم‌وطنان ما زیر فشار تورم هستند. از سال ۸۵ تاکنون کارمندان و کارگران ۷۰ درصد قدرت خریدشان را از دست داده‌اند. کشاورزان را ببینید در چه شرایطی هستند و چگونه زندگی می‌کنند. این است که من فکر می‌کنم که اگر این جریان ادامه پیدا کند از لحاظ نفوذ فرهنگی نیز مصرف‌گرایی شدیدی پیش می‌آید. این اقتصاد کنونی با این سیاستی که برایتان گفتم، ما را به جایی می‌رساند که دیگر نمی‌توانیم پیش برویم.

من فکر می‌کنم با اندیشه انقلاب اسلامی و با امکاناتی که در داخل ایران است ما هیچ نیازی به خارج نداریم. خارجی‌ها از لحاظ تهاجم اقتصادی علیه ما چه کاری می‌توانند کنند؟ وقتی که نیازی به صادرات وسیع انواع مواد خام و واردات نیازهای خودمان نداشته باشیم چه تهاجمی می‌توانند علیه ایران انجام دهند؟

در چارچوب منافع ملی و با اندیشه حفظ منابع ملی عمل می‌کند. فلذا ما قطعاً می‌توانیم مستقل باشیم و پیشرفت کنیم چرا که ما اندیشه‌های دینی و اندیشه‌های متعالی انسانی داریم و پرواضح است که ما بیشتر غم‌خوار ملت خود هستیم. نکته مهم این است که مسیری که تا به حال آمده‌ایم مسیر لیبرال اقتصادی بوده که نه تنها از منافع ملی مان دفاع نکرده‌ایم بلکه به خارجی‌ها اجازه دادیم تا با دلار ارزان منافع ملی ما را زیر پا بگذارند و تولیدکنندگان ما را بیکار کنند و وابستگی‌ها را به خارج بیشتر کنند. مقصر اصلی عوامل داخلی هستند و عوامل خارجی بدون همراهی عوامل داخلی نمی‌توانند کاری را پیش ببرند.

اما سؤال آخر که به پیشنهادها و راهکارهای شما اختصاص دارد. به نظر شما و با توجه به شرایط اقتصادی موجود، چه راهکارها و پیشنهادهایی

نیست. این‌ها جزء نص صریح قانون اساسی است. به اندازه‌ای که می‌خواهیم بهره‌برداری می‌کنیم و همه نیازهای خودمان را در داخل تولید می‌کنیم و به همین دلیل بیکاری وجود نخواهد داشت و ما خواهیم توانست شأن انسان را حفظ کنیم و بعد از تولیدات خودمان به کشورهای دیگر هم صادر می‌کنیم و اجازه می‌دهیم که دیگران هم تولید کنند و آن‌ها هم اشتغال پیدا کنند. همین الان صنایع موشک‌سازی ایران، فناوری‌های خود را به حماس و سوریه و حزب‌الله داده است. وقتی فضا این‌گونه باشد کسی از فقر و بیکاری رنج نمی‌برد و در این صورت است که انسان متعالی می‌شود. من فکر می‌کنم با اندیشه انقلاب اسلامی و با امکاناتی که در داخل ایران است ما هیچ نیازی به خارج نداریم. خارجی‌ها از لحاظ تهاجم اقتصادی علیه ما چه کاری می‌توانند کنند؟ وقتی که نیازی به صادرات وسیع انواع مواد خام و واردات نیازهای خودمان نداشته باشیم چه تهاجمی می‌توانند علیه ایران انجام دهند؟ شما خوداتکا و خودکفا هستی و به آنچه تولید می‌کنی هم قانع هستی. چرا؟ زیرا اندیشه‌های اسلامی به ما کمک کرده است تا قانع باشیم چرا که

با به نظر شما اقتصاد اسلامی چگونه مقاوم بودن نظام اقتصادی کشور ما را تضمین می‌کند؟ اگر ممکن است اشاراتی هم به دیگر نظام‌های اقتصادی داشته باشید.

از آنجاکه در اقتصاد اسلامی افراد یکدیگر را برادرانه می‌بینند و رفتارشان برادرانه است دشمن داخلی بسیار کم خواهد بود و می‌شود گفت که دشمن داخلی ناچیز است. خوشبختانه و خدا را شکر الان در کشور ما این اتفاق افتاده است که می‌تواند مثلاً به سوریه کمک کند تا مقاومت کند. این بسیار مهم است و من فکر می‌کنم اگر این‌گونه نبود تا به حال آمریکایی‌ها به ایران حمله کرده بودند. در مرحله بعد شرایطی را به وجود می‌آورد که همه خرسند و راضی هستند. نکته بعد اینکه محیط کار بسیار دل‌نشین خواهد بود، چون کار فقط برای خود نیست بلکه برای خود و دیگران است. در این اقتصاد خودپرستی وجود ندارد و ثروت در دست عده اندکی متراکم نمی‌شود تا موجب برانگیختگی و چشم و هم‌چشمی شود. آن رفتار توأم با مهربانی، شرایطی را به وجود می‌آورد که همبستگی داخلی بسیار بالا خواهد رفت. در این هنگام این انسان‌ها چون خودشان را محور نمی‌دانند برای فداکاری و دفاع از نظام و کشور و فرهنگ و دین و آیینشان حالتی دارند که بسیار بسیار ارزشمند است و تا حد جان سپاری و شهادت آن‌ها را به جلو می‌رانند.

برای افزایش مقاومت نظام اقتصادی کشور در برابر تهاجم‌ها ارائه می‌دهید؟

اولین نکته این است که اندیشه‌های لیبرالی را باید کنار بگذاریم و مدیریت کشور را به مدیریت جهادی

همان صد میلیارد را برگرداند. این فرد در این فاصله زمانی که طول کشیده تا محاکمه‌اش انجام شود، با آن صد میلیارد شاید سی میلیارد به دست آورده باشد. خوب. اگر این‌گونه باشد همه برنده هستند پس مجازات چه می‌شود؟

و دام پزشکی یاری‌رسانی شوند تا بتوانند روی پای خود بایستند و درآمدزایی کنند. همچنین از طریق همین سیستم و همین نهادها و سازمان‌ها به مصرف‌کنندگان کم‌درآمد شهری این امکان داده شود که با درآمد کم هم بتوانند زندگی کنند.

باید خانه‌های سازمانی به وجود بیاید مثل آنچه برای نیروهای مسلح هست تا هر کارخانه‌ای بتواند برای کارگران خود، خانه‌سازی کند یا حداقل اجازه دهد تا زمانی که آن‌ها کار می‌کنند کرایه‌خانه کمتری بپردازند.

باید خریدوفروش مسکن به منظور سوددهی را ممنوع کنند و مالیات‌های سنگین بگیرند. غربی‌ها این کار را می‌کنند ولی ما این کار را نمی‌کنیم. باید تورم به‌گونه‌ای کنترل شود که فرسایش قدرت خرید کارمند و کارگر به وجود نیاید که این‌ها را فقیرتر کند. باید شرایطی به وجود آید که کارمندان و کارگران بتوانند زندگی کنند و مهم‌ترین شرط نیز عدم تورم است. اداره اقتصاد کشور توسط دولت با مالیات‌ها صورت گیرد نه از طریق درآمدهای نفتی و مواد معدنی. در این صورت ما به مرحله‌ای می‌رسیم که دیگر نیازی به خارج نداشته باشیم. دولت باید صنایعی را به وجود بیاورد تا صنایع سنگین و مواد اولیه را تأمین کند. مثلاً صنایع ذوب فلزات را داریم ولی صنایع ماشین‌سازی را نداریم. این صنایع ماشین‌سازی باید با سرعت هرچه بیشتر در داخل به وجود آید تا نیازهای ما به ماشین‌آلات و قطعات را برطرف کند. در مورد صنایعی که مواد اولیه‌شان از خارج می‌آید مثل مواد دارویی یا دانه‌های روغنی باید به تولیدکنندگان داخلی یارانه داده شود تا این محصولات در داخل تولید شود.

باید از روابط غیرتولیدی و فعالیت‌های غیرتولیدی مالیات بگیریم و نیز از طریق مالیات‌ها سودآوری فعالیت‌های غیرتولیدی را آن قدر پایین بیاوریم که سودآوری فعالیت‌های تولیدی بالاتر باشد و نقدینگی بخش خصوصی به سمت فعالیت‌های تولیدی برود. در همه‌جا نظارت داشته باشیم تا کسی از یارانه‌های دولتی سوءاستفاده نکند و این یارانه‌ها در بخش تولیدی توسط تولیدکنندگان به سمت دلالی نرود. در مجموع باید تفکر ایرانی سم‌زدایی شود. به جای برخی افراد مشهور باید افرادی را به‌عنوان

اندیشه‌های لیبرالی را باید کنار بگذاریم و مدیریت کشور را به مدیریت جهادی تبدیل کنیم؛ به این معنا که اگر کسی تخصص هم ندارد به دنبال تخصص برود و از متخصصان استفاده کند. باید متخصص‌ها را دعوت کنند و اتاق فکر تشکیل دهند. مدیران باید ساده‌زیست و خوش بین باشد و مردم را دوست داشته باشند.

بنابراین مبارزه با فساد به معنای واقعی باید جدی گرفته شود. عنصر اصلی در مبارزه با فساد اطلاعات است باید در مورد فاسدان اطلاعات جمع‌آوری بشود که چقدر، کجا و با چه امکانی تخلفات اقتصادی انجام داده‌اند. مجموعاً اینکه این بحث تخصصی دستگاه قضایی و دستگاه اطلاعات مالیاتی است.

مسئله دیگری که مطرح است دستگاه آموزشی کشور است که باید به سمت آموزه‌های ارزشی و ملی حرکت کند؛ یعنی علوم انسانی باید با مبانی ارزش اسلامی-ایرانی قانون اساسی و آنچه در اندیشه‌های امام خمینی (ره) تطبیق داده شود و آنچه با این مبانی مغایر است حذف شود یا اگر هم حذف نمی‌شود موردانتقاد قرار گیرد؛ یعنی اگر مثلاً جامعه‌شناسی یا روانشناسی یا اقتصاد موردنظر است، با این مبانی به انتقاد آن‌ها پرداخت که معمولاً این کار را اصلاً انجام نمی‌دهند. دانشجو و دانش‌آموز ما اول باید بداند که سرمایه‌داری چیست و سپس مطالب سرمایه‌داری را بخواند، سوسیالیسم را از طریق مبانی قانون اساسی و مبانی اسلامی بشناسد و سپس مطالب آن را بخواند. اگر این کار صورت گیرد فکر می‌کنم ما به سرعت، علوم انسانی را اسلامی خواهیم کرد.

پیشنهاد دیگر اینکه بسیج و سازمان‌های تعاونی

تبدیل کنیم؛ به این معنا که اگر کسی تخصص هم ندارد به دنبال تخصص برود و از متخصصان استفاده کند. باید متخصص‌ها را دعوت کنند و اتاق فکر تشکیل دهند. مدیران باید ساده‌زیست و خوش بین باشد و مردم را دوست داشته باشند. مسئولین صنایع دفاعی برای کل کشور از نظر کار جهادی الگو باشند. البته شروع این کار سخت است اما به تدریج می‌شود به افراد آموزش داد و تربیت کرد. چگونه می‌توان مدیران جهادی سرکار بیابند؟ به نظر من احتیاج به یک حرکت سیاسی در انتخابات آینده دارد. چه انتخابات نمایندگان مجلس و چه انتخابات ریاست جمهوری. باید کسانی سرکار بیابند که به کار و مدیریت جهادی اعتقاد دارند و جهادی عمل می‌کنند و ساده‌زیست هستند. باید همه افراد تحت نظارت قرار بگیرند و با فساد مبارزه شود. اگر وزیر و وکیل و نماینده مجلس و رئیس جمهوری را که برخلاف قانون اساسی عمل کنند، مجازات کنند و معیار را قانون اساسی، اندیشه‌های امام و اندیشه‌های رهبری قرار دهند؛ البته نه فقط در زبان بلکه در عمل.

باید تشکلی وجود داشته باشد که از قبل آماده باشد تا در انتخابات شرکت کند و نیروهای جهادی را انتخاب کند. دائم در صحنه باشد و سؤال و جواب کند. نماینده فقرا باشد و به آن‌ها امکان بدهد که نظر خودشان را بدهند. خوب این یک بخش است که به نظر من صدواوسیمما حتماً باید یک بخش سیاسی و فرهنگی در جهت دفاع از اقتصاد مقاومتی باشد تا اقتصاد، رشد پیدا کند. صدواوسیمما باید در برابر بمب باران رسانه‌های بیگانه یا رسانه‌های داخلی ایستادگی کند. چون بیگانگان و سوسه‌ها را افزایش می‌دهند؛ چه در فضای اینترنتی مجازی و چه در ماهواره‌ها. نباید اجازه داده شود هر چیزی را که آن‌ها خواستند الفاء کنند.

نکته بعد اینکه همه عناصری که در سال ۱۳۸۸ آن فتنه و آشوب را به وجود آوردند، به‌طور عمیق شناسایی شده و کنار گذاشته شوند. تمام کسانی که از لحاظ مالی فساد کرده‌اند، در هر رأس و در هر رده‌ای که هستند، به مردم شناسانده شوند و مجازاتی بشوند که به حالت قبل از فسادشان برگردند. برای نمونه کسی که مثلاً ده میلیارد یا صد میلیارد تخلف داشته، حداکثر مجبور می‌شود فقط

باید از روابط غیرتولیدی و فعالیت‌های غیرتولیدی مالیات بگیریم و نیز از طریق مالیات‌ها سودآوری فعالیت‌های غیرتولیدی را آن قدر پایین بیاوریم که سودآوری فعالیت‌های تولیدی بالاتر باشد و نقدینگی بخش خصوصی به سمت فعالیت‌های تولیدی برود.

الگو معرفی کنیم که الگوهای واقعی هستند، ساده زندگی می‌کنند و فداکار هستند و به الگوی جهادی معتقدند؛ مانند حضرت امیر (علیه‌السلام) زندگی را در مهربانی و گذشت و کار برای دیگران می‌دانند. فکر کنم به موارد اصلی و عمده اشاره کرده‌ام. ■

بیابند و به افرادی که درآمد کمی دارند یاری برسانند. مثلاً صنایع کوچکی که نمی‌توانند برای صنایع دستی خودشان بازاریابی کنند یا کشاورزانی که محصولاتشان اندک است و خودشان نمی‌توانند بازاریابی کنند، در تعاونی‌های تولید و مصرف و اعتبار یا تعاونی‌های توزیعی یا تعاونی‌های خدمات پزشکی

باید جنگ اقتصادی را باور کنیم



فرج‌الله عارفی (زاده ۱۳۲۹ در جیرفت) نماینده دوره نهم مجلس شورای اسلامی و نایب رئیس اول کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه جیرفت در استان کرمان است. در این شماره درباره اقتصاد مقاومتی با ایشان مصاحبه‌ای انجام دادیم که از نظر می‌گذرانیم.

- حسن صادقی ■ کارشناسی اقتصاد
- امید قنبرنسب ■ کارشناسی اقتصاد

را ارائه نکرد. بعد از تقدیم لایحه به مجلس، نظر نمایندگان این بود که آن طور که می‌گفتند، بحث اقتصاد مقاومتی در آن پیش‌بینی نشده است. لذا همان طرحی که خودش تهیه کرده بود، تلفیقی از آن، الان در دستور کار مجلس است.

برخی معتقدند که علی‌رغم تأکید چندباره رهبری به اقتصاد مقاومتی، هنوز این باور در بعضی مسئولین وجود ندارد. آیا این درست است؟

بله. من هم موافقم. یک زمانی مقام معظم رهبری در مورد فساد اقتصادی هشدار دادند. اما مسئولین توجهی نکردند. این یک واقعیت است که وقتی اطراف مسئولین را آدم‌های فاسد بگیرند، نمی‌گذارند مسئولین حقیقت را بفهمند. هیچ‌کس توجه نکرد و امروز ما دیدیم که چه فضایی در کشور به وجود آمد. دشمن امروز همه اهرم‌هایش را به کار برده است که بگوید این نظام، نظام صادقی نیست. همه عواملش را هم بسیج کرده است. بحث تهاجم فرهنگی که مقام معظم رهبری تذکر دادند ولی هیچ‌کس توجه نکرد. الان می‌بینید که یکی می‌آید برای یک لحظه هم که شده روسری‌اش را در می‌آورد و عکس خود را در شبکه‌های اجتماعی و یا تلویزیون‌های فارسی زبان دشمن منتشر می‌کند، که به اصطلاح خودش آن عقده‌های درونی خودش را به نوعی علیه نظام نشان دهد. الان هم که حضرت آقا فرمودند جنگ اقتصادی، باز خیلی‌ها باورش نمی‌شود. این باور خیلی ضعیف است. اگر باور بیشتری بود، بیشتر تلاش می‌شد. ظرفیت‌اش را هم داریم. نیروی انسانی‌اش را هم داریم. مثلاً در حوزه دفاع ما پیشرفت چشمگیری داشتیم. من یک روز جوان پارک بانسی را دیدم که گفت می‌خواهم بروم سربازی. گفتم سربازی می‌روی چه کار کنی؟ می‌گفت می‌روم از کشورم دفاع کنم. می‌گفت ما قدرت داریم. همین که دشمن جرأت

من چهره مردمان دروغگو و کذاب و به قول ما ضد مردمی را نشانت بدهم و بعد بیان می‌کند کسانی که به مال بیتیم توجه نمی‌کنند، اهمیتی برای طعام مسکین نمی‌کنند، نمازشان را سبک می‌شمارند، و نیازهای مردم را منع می‌کنند، این‌ها تکذیب کننده دین هستند. تکذیب کننده دین هم یعنی همین کسانی که الان شروع‌کننده جنگ شدید اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران هستند.

نگاه مجلس به اقتصاد مقاومتی چطور است؟

در مجلس اکثریت نمایندگان محترم معتقدند که ما باید به اقتصاد مقاومتی توجه کنیم و اقتصاد مقاومتی هم یعنی توجه و تأکید بر توانمندی‌های داخلی.

در مجلس اکثریت نمایندگان محترم معتقدند که ما باید به اقتصاد مقاومتی توجه کنیم و اقتصاد مقاومتی هم یعنی توجه و تأکید بر توانمندی‌های داخلی. یعنی تولید داخلی. شما در مصاحبه‌های نمایندگان و در نطق‌هایشان، می‌توانید این را به وضوح ببینید. تقریباً اکثر نمایندگان وقتی صحبت می‌کنند، یکی از تذکراتشان به دولت همین است که به دنبال تولید داخلی باشد و واقعاً هم کشور ما این توان را به معنای واقعی خودش دارد، که می‌تواند با تکیه بر توانمندی‌های داخلی، خودش را در نجات دهد. البته ما یک مقداری این عزم را در بخش اجرایی کشور نمی‌بینیم، اما در بخش تقنینی این کار انجام می‌شود. مجلس طرحی در باب اقتصاد مقاومتی داشت که بعد از اینکه دولت اعلام کرد که خود دولت هم لایحه‌ای در این مورد دارد، به احترام بخش قوه مجریه، مجلس طرح خودش

به‌عنوان اولین سؤال می‌خواستیم ببینیم جنگ اقتصادی چقدر واقعیت دارد؟ اصلاً جنگ اقتصادی وجود دارد یا نه؟

بله واقعیت دارد. ما الان در شرایط جنگ اقتصادی هستیم. یعنی یک طرف نظام جمهوری اسلامی است که به لحاظ ایدئولوژی‌ای که در دفاع از بشریت دارد، وارد مرحله‌ای شده که شکل جدیدی از نظام سیاسی را به دنیا عرضه می‌کند، البته به شکل نرم؛ یعنی به‌صورت آگاهی بخشی. از طرف

دیگر هم نظام سرمایه‌داری است که به دنبال حفظ موقعیت خودش است و تلاشش این است که بتواند برتری اقتصادی خودش و جایگاه خودش را حفظ کند. قاعدتاً زمانیکه این تفکر جدید نظام اسلامی، که تفکر رهایی بخش و تفکر انسانی‌ای نیز هست، بخواید خودش و توانمندی‌هایش را، به‌خصوص توانمندی‌های ایدئولوژیک خودش یا همان تئوری‌هایش، را به جهان اثبات کند و نیز اثبات می‌شود که اگر کشوری تلاش کند که بر توانمندی‌های خودش تکیه کند و جوانان خودش را حمایت کند، خواهد توانست روی پای خودش بایستد. آن‌ها اجازه نخواهند داد. آن‌ها نمی‌خواهند این اتفاق در این مظهر نورافشانی به جهان، بیفتد. خوب طبیعتاً اقدامات زیادی انجام می‌دهند که مهمترینش معیشت مردم است، عون مردم است، نیازهای مردم است. در قرآن کریم آنجایی که خداوند می‌فرماید پیامبر می‌خواهی

ندارد به ما نگاه چپ کند. به خاطر همین من دوست دارم ارتشی شوم. این فضا را ببینید. حالا همین فضا را بیاورید در بحث اقتصاد. یعنی کشوری که این طور در حوزه دفاعی قدرتمند می شود، نمی تواند این توانایی را مثلاً در تولید داشته باشد؟ قطعاً می تواند. بهتر هم می تواند. چون بحث دفاعی پیچیدگی هایی دارد که در اقتصاد نیست. آن تکنولوژی اش سری و محرمانه است ولی این

شدیم. هم از طرف بانک ها و هم از طرف بخش های خصوصی، هم تجارشان، هم پارلمان هم شرکت های داخل آن کشور. جالب اینجا است که چند روز بعد از ما چینی ها هم به آن کشور رفتند. یک هفته بعد از ما چینی ها ده عدد پایانه صادراتی راه انداختند، ما هنوز یک عدد راه نینداختیم. ببینید ما چقدر شل هستیم. این گونه نمی توان سرباز خوبی برای دفاع از اقتصاد و معیشت مردم

این ها وام ها را می گذاشتند در بنگاه های خودشان، آنجا مصرف می کردند. خوب این اصلاح ها یکی از کارهای قاطع مجلس در راستای اقتصاد مقاومتی است که انجام می شود. اینکه این بنگاه ها سه ساله باید به فروش برسند، و اگر این نشود، حتی برخورد های قانونی پیش بینی شده است که بعداً نگویند نشد و نتوانستیم. کسی نخرید. حتی برای خریداری نشدن این بنگاه ها هم، مجلس پیش بینی هایی کرده است. من اعتقادم این است که اگر همه این بنگاه ها به فروش برسند، نفعش به همه مردم می رسد.

نقش مردم در تأمین کالاهای اساسی مردم مثل غذا و دارو چیست؟

ببینید مجلس که کار اجرایی نمی کند. این کار دولت است. دولت باید پیش بینی های لازم را انجام بدهد، آنجایی که نیاز به قانون دارد، نیاز به حمایت دارد، مجلس باید وارد شود. شما می بینید، یکی از چند قدم خوبی که مجلس برداشت، در حوزه سلامت است. این کار مجلس بود و دولت مجری آن است. نه اینکه پیشنهاد دولت باشد. این را بعضی ها اشتباه گرفتند. من این را خدمت وزیر محترم بهداشت هم گفتم و ایشان هم در جایی این را مطرح کردند. البته ما خوشحالیم. به هر حال، هر قانون خوب، یک مجری خوب هم می خواهد، که خوشبختانه این قانون خوب، یک مجری خوب داشت. آقای دکتر هاشمی انصافاً خوب پیش رفتند. البته موارد دیگری هم هست که باید برایشان پیش بینی هایی بشود که بازار آن طرف ماجرا نیفتیم. اگر ما به همین منوال پیش برویم و در حوزه پیشگیری کاری نکنیم، علی رغم ارزشمندی زیاد این کار، هر روز بر تعداد مراجعین به مراکز بهداشتی اضافه می شود. یک روزی کل بودجه را هم بگذاریم باز هم جوابگو نخواهد بود. این دقت نظر باید وجود داشته باشد که ما باید ضمن اینکه میزان کیفیت خدمات درمانی را افزایش می دهیم، میزان بارمراجعه به مراکز درمانی را کاهش دهیم. لذا این کار دولت است نه مجلس. البته مجلس مسئولیت نظارت خود را انجام خواهد داد.

آقای دکتر، سبک زندگی مردم ما چقدر ما فضای اقتصاد مقاومتی و دفاع سازگار است؟

خوب جواب این سؤال را نمی توان در یک جمله گفت. باید در این زمینه کار فرهنگی جدی ای بشود. مردم ایران مردم سخاوتمندی هستند. مردمی نیستند که مشت هایشان را محکم بسته نگاه دارند. بذل و بخشش دارند. اما این واقعیت هم وجود دارد که اگر در کنار این نگاه صریح مردم، بتوانیم بریز و بپاش ها را کم کنیم، واقعاً می توانیم کشور را نجات دهیم. من معتقدم در این شرایط ما باید یک مقدار هزینه هایمان را کاهش دهیم.

الآن بحثی که در جریان است، بحث جنگ نفتی است که آمریکا و عربستان

حضرت آقا فرمودند جنگ اقتصادی، باز خیلی ها باورشان نمی شود. این باور خیلی ضعیف است. اگر باور بیشتری بود، بیشتر تلاش می شد. ظرفیت اش را هم داریم. نیروی انسانی اش را هم داریم.

بود. من به این اعتقاد دارم. اعتقادم این است که دولت، وزرا، رؤسای سازمان ها، همه سفرا، همه باید مثل سربازهای خط مقدم بایستیم و دفاع کنیم.

بحث اقتصاد مقاومتی چقدر در بودجه دیده شده است؟

ببینید ما زمانی می توانیم بگوییم اقتصاد مقاومتی، که از هزینه های دولت بکاهیم. نگاه مجلس هم همین است که از هزینه های جاری دولت کم کنیم. چون این هزینه ها الان در دولت خیلی زیاد است. مربوط به این دولت هم نیست. نظام دولت در کشور ما چالاک نیست، چابک نیست و لذا هزینه بر است. بخش دیگر کار، جدا کردن بودجه های عمومی و جاری کشور از نفت است که این بهترین کار است. از قبل انقلاب این وابستگی نزدیک به نود درصد بوده است، تا حالا که به سی و هشت درصد رساندیم. بحث دیگر که در بودجه امسال به آن توجه شده است، این است که مقررات مالی دولت اصلاح و پایدار شده است، که این قدم مثبتی است. مبحث دیگر بانک ها هستند که مجلس مصمم است بانک ها از بنگاه داری فاصله بگیرند. کار مالی خودشان را انجام بدهند و بنگاه داری را حذف کنند. یعنی یک واسطه مالی باشند. پول را از مردم بگیرند و هدایت کنند به سمت تولید. الان بانک ها، خودشان هم کارخانه دارند، هم زمین دارند، هم برج سازند، هم عمل صرافی انجام می دهند، هم سکه می خردند و می فروشند. یعنی عملاً بانک ها به جای اینکه مأموریت حمایت و پشتیبانی مالی از تولید را انجام بدهند، در واقع بازدارنده تولید هستند. ما زمانی در یک کارخانه سیمان بحث کردیم، گفتیم هم به دلیل تقاضای مردم منطقه که دارند سیمان را از مناطق دور وارد می کنند هم به خاطر نزدیکی محل کارخانه به دریا، این سیمان ها را صادر کنیم. گفتند نه؛ این اقتصادی نیست. گفتیم چطور؟ چندین شرکت آمادگی صادرات این سیمان ها را دارند. گفتند نه. به مدیر عامل آنجا گفتم نکند شما خودتان سیمان دارید؟ گفت بله. من هفت کارخانه سیمان دارم! خوب این پول ها را می گرفتند، انقدر فشار به تولیدکننده می آوردند که خسته می شد، بنگاه هایشان تعطیل می شد، بعد

یکی عام است و همه می توانند استفاده کنند. لذا آنچه وجود دارد تقریباً می توانم بگویم کم رغبتی بعضی از مسئولین است. من نمونه ای را بگویم که در نطقم در مجلس هم به آن اشاره کردم. تذکر ما به آقای رئیس جمهور این بود که ما بحث هسته ای و مذاکره را قبول داریم، باید هم انجام شود، چرا که ما می خواهیم به دشمن و بعضی از واداده های داخلی و بعضی از بی اطلاع های خارجی، بگوییم اهل گفت و گو هستیم، اگر هم کسی اهل شارلاتان بازی است، آمریکا و غربی ها هستند و خوشبختانه این بهترین دستاورد ماست. اما آقای رئیس جمهور، ما را سرگرم نکنند. به چی؟ به مسأله ای که ما را از حقیقت کار، از کار اصلی مان، که معیشت مردم است، غافل کند. آن ها دنبال این هستند. من پیشنهاد کردم شما پنجاه درصد ظرفیتتان در دیپلماسی هسته ای را در دیپلماسی اقتصادی بگذارید. یعنی بروید در کشورهای دیگر کار کنید. نمی توانید بیابید از ما کمک بگیرید. کما اینکه ما داریم این کارها را می کنیم. من به عنوان نماینده مجلس کارم قانون گذاری است. نظارت بر اجرای قانون است. کار من این نیست که بروم در کشورها بازاریابی کنم. کار من این نیست که بروم در کشورهای مختلف صحبت کنم که ما این توانایی ها را داریم، بیابید از آن ها استفاده کنید. این ها کار دولت است. ولی ما داریم این کار را می کنیم. چون می بینیم که دولت خیلی سنگین راه می رود. این سنگینی با این شرایط جنگ نمی سازد. یعنی الان باید یک هم افزایی بین مجلس، دولت و همه وجود داشته باشد. ولی خوب الان ما می گوییم دولت درگیر کارهای خودش است، ما این کارها را انجام می دهیم که کمک کنیم به دولت. ممکن است دولت اعتقادی به کار ما نداشته باشد، اما این وظیفه ماست. برای اینکه ما در مقابل مردم تعهد داریم. لذا این یک جنگ واقعی است که اگر فرماندهان این جنگ که دولت و مجلس است، مجلس هدایت کننده است دولت عملیات کننده است، تلاش جدی نکنند، به خصوص دولت، ما عقب خواهیم افتاد. ما وقتی در سفر چند ماه پیش خود به یک کشور، ظرفیت ها و توانمندی هایمان را مطرح کردیم، با استقبال بسیار خوبی مواجه

علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند. حالا یک عده‌ای منکر این جنگ هستند. نظر شما چیست؟

ببینید سال ۱۳۷۶، رئیس‌جمهور وقت، جناب آقای خاتمی، مصاحبه‌ای با خانم کریستین امانپور داشت. فردای آن روز من در سخنرانی‌ای نکاتی را عرض کردم. گفتم آقای خاتمی، یا شما جامعه‌شناسی سیاسی حاکم بر آمریکا را نمی‌شناسید، یا اینکه مشاورین شما اطلاعات غلطی در اختیار شما می‌گذارند. جامعه‌شناسی سیاسی حاکم بر آمریکا، جامعه‌شناسی سیاسی

جامعه‌شناسی سیاسی آمریکا جواب نمی‌دهد. من این را بدون رودربایستی عرض کنم. لذا الان می‌بینید که برای فشار بر ما قیمت نفت را پایین آوردند. شما ببینید ما از اول انقلاب اسلامی تحریم بودیم. الان روسیه ۷ یا ۸ ماه هست که تحریم است. کشورش با مشکل جدی روبه‌رو شده است. الگوهای ما را دارند به کار می‌برند. الان برای این ما را تحت فشار قرار می‌دهند که در مذاکرات امتیاز بگیرند، که البته بدون رودربایستی خیلی هم امتیاز گرفتند، هر چه می‌خواستند گرفتند. البته ما هنوز اجازه نمی‌دهیم که اجرایی بشود، اجازه نمی‌دهیم آمریکا هر غلطی دلش خواست بکند. کشوری که خودش

پیشنهاد کردم شما پنجاه درصد ظرفیتتان در دیپلماسی هسته‌ای را در دیپلماسی اقتصادی بگذارید. یعنی بروید در کشورهای دیگر کار کنید.

بدهکارترین کشور دنیا است، چه طور می‌تواند به ما کمک کند؟ اشتباه ما این است که داریم دلارهای بی پشتوانه آمریکا را در حوزه اقتصادی می‌چرخانیم. پیشنهادی که من داشتم این بود که ما اصلاً دلار را از مبادلات اقتصادی حذف کنیم. که چین و روسیه این کار را کردند. اخیراً ایران و ترکیه هم می‌خواهند این کار را بکنند.

این قضیه کاهش قیمت نفت تأثیری زیادی هم بر روی بودجه دارد. درست است؟

بله. طبیعی است. ۵۰ درصد قیمت نفت کم شده است. البته شما هم این را بدانید، ضرری که آن‌ها می‌بینند بیشتر از ماست. چون آن‌ها بر خلاف ما، هر چه قیمت نفت بالاتر باشد، مالیاتشان هم گران‌تر می‌شود. درآمد آن کشورها افزایش پیدا می‌کند. اما اشتباه بزرگ استراتژیکی را خاندان ضد بشرال سعود کرد. آقایانی که می‌فرمایید مگر با این خاندان رفیق نیستند؟ چرا کاری نمی‌کنند. دیروز آقا زاده‌هایشان می‌رفتند انگلیس طرح تشدید تحریم ایران را می‌دادند. حالا چه؟ بدانیم که این دشمنان ممکن است از ما یک استفاده ابزاری بکنند، اما هیچ وقت به ما کمک نمی‌کنند.

آقای دکتر، مجلس تا چه حد می‌تواند بر مذاکرات هسته‌ای نظارت داشته باشد. چقدر می‌تواند آن را کنترل کند؟

این کار در مرجع بسیار قابل اعتمادی مثل شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود. خوب همه قوای کشور در آنجا حضور دارند و قطعاً هم نظر مبارک حضرت آقا هم هست. ما اطمینان داریم که مذاکرات، در مسیرش درست پیش خواهد رفت. هر جا هم بخواهد خدایی نکرده انحرافی ایجاد شود، نخواهیم گذاشت. اما طبق قانون، هر توافقنامه بین‌المللی باید به تأیید مجلس شورای

اسلامی برسد. اگرچه من خبری شنیدم مبنی بر اینکه کشورهای ۵+۱ گفتند ما منتظر مجلس دهم هستیم. کور خوانده‌اند. ملت ما مجلس دهم‌اش قوی‌تر از مجلس نهم خواهد بود. ملت ما دیگر اجازه نخواهند داد که اتفاقی مانند مجلس ششم بیفتند. چون آن‌ها منتظر یک مجلس ششم دیگر هستند که آن همه بلا سر ملت ما آورد و همه بدبختی‌های ما از آنجا شروع شد.

تقریباً همه نمایندگان تا جایی که من خبر دارم، از مذاکرات حمایت می‌کنند. چون در دنیا منطقی بودن ایران را نشان می‌دهد. این را هم بگویم این‌ها تا جنازه همه ایرانی‌ها را جلوی‌شان نیندازیم راضی نمی‌شوند. کشورهای ۵+۱ فقط می‌خواهند ما طوق بندگی و بردگی، بر گردن خود بیندازیم، زبان‌هایمان را هم ببریم و چشمانمان هم دریاوریم بیندازیم به پایشان، تا بگویند ملت خوبی هستید. ولا غیر. اما ما در مذاکرات هدفمان چیز دیگری است. اینکه کشورهایی که تحت تأثیر فضا‌های روانی این کشورها قرار می‌گیرند، متوجه حقیقت موضوع بشوند که الان هم خدا را شکر روزه‌روز بیشتر این آگاهی در مردم دنیا ایجاد می‌شود.

آقای دکتر، مجلس جهت مقابله با مفاسد اقتصادی، چه تلاش‌هایی کرده است؟

بخشی از مفاسد اقتصادی متأسفانه به راه‌های فساد در جامعه برمی‌گردد. در مجلس این موضوع مطرح است که یکی از معضلات و مشکلات ما، فقدان نظارت است. فقدان نظارت حوزه‌های نظارتی بر دستگاه‌ها و وزارت‌خانه‌ها و بانک‌ها و نظارت مجلس بر دستگاه‌ها. ما ابزارهایی برای نظارت داریم. یکی سؤال از وزرا است. یکی تحقیق و تفحص است. یکی هم استیضاح. من اعتقاد دارم ما در حوزه نظارتی بسیار ضعیف هستیم. هم دولت هم سازمان بازرسی قوه قضائیه. ما در حوزه مالیات‌ها، نظارت نداریم. در حوزه بانک‌ها چرا کار نظارتی نمی‌شود؟ من خودم مدیر بودم. هر ماه یکبار به حوزه‌های اداری سرکشی می‌کردم. از هر شش روز کاری، دو روز کار نظارتی می‌کردم. پرونده‌ها را بررسی می‌کردم. از مراجعین پرس و جو می‌کردم و این‌گونه جلوی خیلی از تخلفات را گرفتیم. ما باید بعد نظارتی مجلس را قوی کنیم. باید فضایی را ایجاد کنیم که انسان خادم و صادق احساس شعف کند و آدم خائن دائم بترسد. از مجلس، از بازرسی‌ها، از حراست‌ها که در راستای دفاع از حقوق مردم کار می‌کنند.

نقش اقتصاد دانش بنیان در اقتصاد مقاومتی چیست؟

قطعی است. اقتصاد دانش بنیان میزان نیازهای ما را به کالاهای خارجی کم می‌کند، و ضمن پوشش نیازهای خودمان، زمینه درآمد‌های ارزی را برای کشورمان فراهم می‌کند. به شرط اینکه دولتی‌ها و دستگاه‌های مربوطه توجه کنند و کاری نکنند که جوانان ما سرخورده شوند. ■



واکاوی هدف‌گیری‌های دشمن در تحریم‌های اقتصادی

■ سعیده ابویسانی ■ کارشناس ارشد روابط بین‌الملل ■

مقدمه

در مواجهه با تهدیدها و مخاطرات در جنگ نرم همچون تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی، آنچه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است مصون‌سازی کشور در مقابله با تهدیدهای بالقوه و بالفعل است. مصون‌سازی ناظر به مجموعه تدابیر و پیش‌بینی‌ها و راهکارهایی است که احتمال آسیب‌پذیری را به حداقل کاهش می‌دهد و حتی به دشمن اجازه فکرکردن و طراحی‌کردن برای آسیب‌رسانی به حوزه‌های تحت پوشش را نمی‌دهد. تهدید فعلی دشمنان جمهوری اسلامی ناظر به مسائل اقتصادی

را به‌عنوان تهدیدی نظامی علیه امنیت منطقه تقلیل دهند و به بهانه‌ی جلوگیری از پیشرفت‌های نظامی ایران، تحریم‌ها و کارشکنی‌های متعددی را بر ایران تحمیل می‌کنند. البته این ظاهر ماجراست چرا که تصمیم‌گیران و اتاق‌های فکر آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی‌اش به‌وضوح می‌دانند که مسئله ایران، مسئله‌ای صرفاً نظامی و امنیتی برای منطقه نیست بلکه در صورت بازشدن فضای جهانی و مطرح شدن واقعی اندیشه‌ها و آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران طلایه‌دار تمدنی نوین در جهان خواهد شد که تمدن غرب را با تمامی

حزب الله لبنان و حماس است که هر فکر آزاد و منصفی تصدیق می‌کند که فعالیت این دو گروه نه تنها تروریستی نیست بلکه مبارزه با تروریسم ساختاریافته و بی‌شرمانه رژیم وحشی و خونخوار صهیونیستی است. تلاش برای مجبورکردن جمهوری اسلامی به دست‌کشیدن از حمایت این گروه‌ها در واقع به‌منظور فشار بر رکن دیگر تمدن اسلامی یعنی سیاست بین‌المللی استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان است.

دلیل دیگر تحریم ایران، جلوگیری از دست‌یابی و توسعه تسلیحات نظامی و سامانه‌های موشکی است و این امر به‌وضوح پایه نظامی و اقتدار تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران را که برای حفظ امنیت و بازآرندگی دشمنان حیاتی و خدشه‌ناپذیر است، نشانه رفته است.

بی‌شرمانه‌ترین و وقیحانه‌ترین توجیه برای تحریم ایران، نقش‌داشتن در بی‌ثباتی منطقه است حال آنکه بی‌ثباتی منطقه مولود دخالت‌های بی‌جای آمریکا در امور داخلی کشورهای منطقه و فشار بر دولت‌ها برای ترویج ایران‌هراسی و ممانعت از نزدیک‌شدن ملت‌های مسلمان به ایران است. هدف از این تهمت، منزوی‌کردن ایران و کاهش نفوذ و تأثیرگذاری آن در میان کشورهای مسلمان منطقه برای ایجاد اتحاد جهانی اسلام علیه جبهه کفر و استکبار است. انفعال ایران در حوادث منطقه، رکن دیگری از تمدن اسلامی ایرانی را تضعیف می‌کند.

اتهام «تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای» پوششی است برای نشان‌گرفتن پیشرفت‌های درون‌زا و پرشتاب علمی و فناوری که رکن مهمی در هراقتصادی تلقی می‌شود. در مسئله هسته‌ای اساساً بحث بر سر این نیست که ایران می‌خواهد به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند بلکه هدف اصلی، فشار بر ایران برای توقف تحقیقات و پیشرفت‌های علمی و فنی در عرصه هسته‌ای است که سرآمد دیگر عرصه‌های علم و فناوری در کشور است. توقف پروژه هسته‌ای ایران ضربه سنگینی بر سیر رشد شتابان عمومی علمی و فنی در ایران می‌شود و علاوه بر سرخوردگی دانشمندان و متفکران عرصه علم و فناوری، عرصه را برای فشار بر حوزه‌های دیگر علم و فناوری پیشرفته از جمله سلول‌های بنیادی و انواع داروها و دستاوردهای

نظامات و ارکان آن به‌شدت متزلزل و به اضمحلال می‌کشاند؛ واقعیتی که هم‌اکنون نیز علی‌رغم همه تلاش‌ها و کارشکنی‌ها و فشارهای غیرمنطقی و توجیه‌ناپذیر کشورهای غربی روزه‌روز خود را در جهان آشکارتر می‌کند. با این نگاه، ملاحظه می‌شود که هر کدام از دلایل ادعایی برای تحریم ایران، به نوعی یکی از ارکان تمدن جدید اسلامی ایرانی را هدف گرفته است. متهم‌کردن ایران به نقض حقوق بشر آن هم توسط کشورهایی که نه تنها سابقه روشنی در دفاع از حقوق بشر ندارند بلکه تاریخ آن‌ها مآلماز از قتل و غارت و نسل‌کشی انسان‌های بی‌گناه و بی‌پناه در سرتاسر جهان است، تنها این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که دشمنان جمهوری اسلامی با واژگون‌نشان‌دادن واقعیت‌ها و اعمال فشار بر ایران تلاش دارند ایران را از پای‌بندی و اصرار بر اصول و شریعت اسلامی بازدارند و حقوق بشر لیبرالیستی را به ملت ایران تحمیل کنند. هدف پنهان کشورهای غربی در این زمینه، تضعیف رکن فرهنگی و حقوقی تمدن جدید ایرانی و بدنام‌کردن شریعت اسلام است. اتهام دیگر ایران، حمایت از تروریسم بین‌المللی است و منظور از تروریسم بین‌الملل، عمدتاً

اتهام «تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای» پوششی است برای نشان‌گرفتن پیشرفت‌های درون‌زا و پرشتاب علمی و فناوری که رکن مهمی در هراقتصادی تلقی می‌شود.

و معیشتی و ناکام‌گذاشتن دولت و حکومت در مدیریت اقتصاد ملی است. این تهدیدهای اقتصادی در ادامه تهدیدها و تحریم‌ها و فشارهای متعدد از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی است که هدف نهایی از آن‌ها، جلوگیری از شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است.

دلایل ادعایی برای تحریم‌ها

به‌طور کلی، دلایل ادعایی کشورهای مستکبر غربی برای تحریم‌های جهانی علیه ایران را می‌توان در پنج حوزه دسته‌بندی کرد:

۱. حمایت از تروریسم بین‌المللی
 ۲. نقض حقوق بشر
 ۳. تلاش برای دستیابی و توسعه تسلیحاتی و سامانه موشکی
 ۴. نقش‌داشتن در بی‌ثباتی منطقه
 ۵. تلاش برای دستیابی به سلاح‌های اتمی
- تحریم‌های تحمیلی بر ایران ناظر به این اتهامات ادعایی علیه ایران وضع شده است. تمامی تلاش دشمنان جمهوری اسلامی آن است که اهمیت ایران

ممنوعیت فروش یا عرضه تجهیزات و فناوری‌های اصلی دریانوردی برای ساخت، نگهداری و تعمیر کشتی.

منع واردات گاز طبیعی از ایران به اتحادیه اروپا؛ این مورد شامل واردات، خرید و حمل و نقل و همچنین تأمین مالی و بیمه مرتبط با این فعالیت‌ها می‌شود.

دارایی‌های افراد و واحدهای فهرست شده بلوکه می‌شود و ارائه منابع اقتصادی به آن‌ها (از جمله عرضه کالاها و خدماتی که ممکن است برای کسب وجوه استفاده شوند) ممنوع است.

اعمال محدودیت‌هایی بر انتقال وجوه به ایران و از آن و همچنین اعمال محدودیت‌هایی بر دسترسی ایران به بازارهای اوراق قرضه و بیمه اعمال محدودیت‌هایی بر ارائه خدمات معینی به باربری دریایی و هوایی

ممنوعیت عرضه کشتی‌هایی که به منظور حمل و نقل یا ذخیره نفت و محصولات پتروشیمی طراحی شده‌اند؛ مشارکت در ساخت تانکرهای جدید نفت برای ایران یا اشخاص یا واحدهای ایرانی نیز ممنوع است؛ همچنین خدمات طبقه‌بندی و پرچم‌زدن^۳ برای حمایت از کشتی‌ها و تانکرهای نفتی ایرانی ممنوع است.

ممنوعیت واردات، خرید یا حمل و نقل نفت خام و محصولات پتروشیمی به کشورهای عضو اتحادیه اروپا از ایران.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، دشمن با شناسایی شاهرگ‌های اقتصادی ایران یعنی صنایع نفت و گاز و نظام بانکی و عرصه‌های وابسته به آن‌ها مثل تجهیزات و فناوری‌های دریانوردی و کشتی‌رانی و بیمه و تأمین مالی و دسترسی به بازارهای مالی، تحریم‌های بی‌سابقه غیرانسانی را تحمیل کرده است. البته مسئولان اقتصادی جمهوری اسلامی در ایجاد این فرصت برای کشورهای مستکبر مقصر بوده‌اند و علی‌رغم تفاهم نظری بر لزوم استقلال بوده از نفت و گاز، هیچ اقدام سازنده‌ای در این زمینه توسط دولت‌ها خصوصاً پس از پایان جنگ تحمیلی صورت نگرفته است. سیاست اقتصادی بسیار نادرست دیگر که متأسفانه پس از پایان جنگ تحمیلی به شدت دنبال شده است، پولی‌کردن اقتصاد و گسترش بی‌حد و حصر نظام بانکی آن هم به سبک و شیوه غربی بوده است که علاوه بر پیامدهای بسیار ناگوار فرهنگی، باعث تضعیف بنیان‌های تولیدی، تمرکز همه مبادلات اقتصادی در نظام بانکی و وابستگی نامعقول تمامی فعالیت‌های اقتصادی و مالی به نظام بانکی شده است به گونه‌ای که وارد شدن هر گونه خللی در نظام بانکی باعث فشل شدن تمام ارکان اقتصادی کشور می‌شود.

بنابراین، ساختار بده‌جبه عمومی وابسته به نفت در کنار نظام نه‌چندان کارآمد و متعادل بانکی و همچنین غلبه فعالیت‌های دلالی و غیرتولیدی در اقتصاد، چرخه به هم پیوسته‌ای در جهت «پسرفت» اقتصادی کشور تشکیل داده‌اند و اقتصاد ملی را به شدت در برابر تهدیدهای بیرونی غیرمقاوم ساخته‌اند. ■

ایران که توسط آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل تحمیل شده است به تفصیل زیر منتشر کرده است:

تحریم تسلیحاتی و ممانعت از عرضه تجهیزاتی که می‌تواند برای نقض حقوق بشر به کار رود.

ممنوعیت فروش، عرضه، انتقال، واردات، حمل و نقل و صادرات کالاها و فناوری‌های با کاربرد دوگانه

ممنوعیت در ارائه خدمات کارگزاری بورس و کمک‌های فنی و مالی مرتبط با کالاها و فناوری‌هایی که عرضه آن‌ها ممنوع شده است؛ ممانعت از سرمایه‌گذاری در واحدهای ایرانی که مشغول تولید آن موارد هستند.

ممنوعیت فروش، عرضه، انتقال یا صادرات تجهیزات و فناوری‌های کلیدی برای صنعت نفت و گاز (به استثنای محدود مبادلات یا تعهدات ناشی از قراردادهایی که پیش از ۲۷ اکتبر ۲۰۰۷ منعقد شده‌اند)؛ همچنین استثنای خاصی برای مبادلات تجهیزات و فناوری‌های کلیدی برای صنعت پتروشیمی وجود دارد که توسط قراردادهای منعقدشده پیش از ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ تعهد شده‌اند.

ممنوعیت در سرمایه‌گذاری در واحدها و گروه‌های ایرانی که مشغول اکتشاف یا تولید نفت خام و گاز طبیعی، پالایش سوخت یا میعان گاز طبیعی هستند.

ممنوعیت در هرگونه سرمایه‌گذاری جدید در بخش پتروشیمی در ایران یا در شرکت‌های ایرانی یا در شرکت‌های تحت تملک ایرانیان که در خارج از ایران به فعالیت در این حوزه مشغول‌اند.

دشمن با شناسایی شاهرگ‌های اقتصادی ایران یعنی صنایع نفت و گاز و نظام بانکی و عرصه‌های وابسته به آن‌ها تحریم‌های بی‌سابقه غیرانسانی را تحمیل کرده است.

ممنوعیت فروش، عرضه، انتقال یا صادرات و نیز خرید، واردات یا انتقال طلا، فلزات گرانبها و الماس به ایران و از ایران؛ همچنین ممنوعیت فروش، عرضه، انتقال یا صادرات اسکناس‌ها و سکه‌های بانکی ایرانی منتشرنشده یا به‌تازگی ضرب‌شده به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یا به سود آن.

ممنوعیت صادرات مواد مرتبط با برنامه هسته‌ای و پرتاب موشکی یا صنایع تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ این ممنوعیت شامل فروش، عرضه یا انتقال گرافیت، فلزات خام یا نیمه‌آماده^۲ (مثل آلومینیوم و استیل) و نرم‌افزار یکپارچه‌سازی فرایندهای صنعتی می‌شود. این ممنوعیت شامل کمک‌های فنی و مالی مرتبط نیز می‌شود.

پزشکی فراهم می‌کند.

چنانچه دشمن بتواند حداقل در یکی از این زمینه‌ها به موفقیت برسد، کل فرایند تمدن‌سازی ایران تهدید می‌شود و پیشرفت تمدنی جمهوری اسلامی با چالش جدی مواجه می‌شود.

ایستادگی جمهوری اسلامی در برابر همه تهدیدها و تحریم‌ها و تهاجمات گسترده و نیز واقعیت‌های جهانی درباره ناکامی و ناتوانی دولت‌های مستکبر در رسیدن به اهداف خود علی‌رغم فروگذارنکردن از دست‌یازیدن به هر اقدام و ابزاری، این حقیقت را برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار کرده است که تمدن جدید اسلامی ایرانی در حال شکل‌گیری است و نابودی کامل آن ممکن نیست لذا راهبرد اصلی آنان از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، به رویکرد اصطلاحاً «تغییر رفتار» آن نظام تغییر یافته است. دشمن تلاش می‌کند به هر طریقی، همه یا برخی از ارکان تمدن اسلامی ایرانی را تضعیف کنند تا در سیر تحقق این تمدن تأخیر ایجاد کند یا اگر بتواند تمدنی ناقص الخلقه به وجود آورد که در تمدن غربی هضم شود. بدین منظور، غربی‌ها چندسالی است که تهاجم گسترده‌ای را علیه ارکان تمدنی جمهوری اسلامی آغاز کرده‌اند و بزرگ‌ترین ابزار آن‌ها در این زمینه، جنگ تحمیلی اقتصادی است. جمهوری اسلامی ایران در طول بیش از سه دهه، در عرصه سیاسی و فرهنگی، اقتدار و قوت خود را تثبیت کرده است و دشمنان دیگر از وارد شدن از عرصه‌های سیاسی و فرهنگی برای ضربه‌زدن به جمهوری اسلامی تقریباً ناامید شده‌اند (هرچندکه همچنان بر فشار به این دو عرصه پافشاری می‌کنند) اما چون جمهوری اسلامی

هنوز نتوانسته است در عرصه اقتصادی، الگوی برخاسته از انقلاب اسلامی را ارائه و عملیاتی کند، همچنان از این جنبه در معرض تهدید قرار دارد. لذا است که دشمنان مستکبر آخرین تیر ترکش خود را به سمت نظام اقتصادی ایران نشانه رفته‌اند و با ورود همه‌جانبه در این عرصه، سعی دارند با فشار بر مردم و ایجاد شکاف بین ملت و دولت، جمهوری اسلامی را تا حد ممکن وادار به عقب‌نشینی کنند. متأسفانه بی‌اطلاعی، ساده‌لوحی یا غرض‌ورزی برخی از مدیران و تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی، فرصت را برای دشمنان کشور فراهم کرده است تا ایران را از لحاظ اقتصادی در مضیقه قرار دهند. فهرست تحریم‌های اخیر آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران نشان از آن دارد که دشمنان با تمام قوا، ارکان اقتصادی و گلوگاه‌های مالی کشور را مورد تهاجم قرار داده‌اند تا مقاومت سی و چند ساله جمهوری اسلامی را به خیال خام خود در هم شکنند.

فهرست تحریم‌های اخیر علیه ایران

دولت انگلیس فهرستی را از تحریم‌های موجود علیه

1. "Embargoes and sanctions on Iran", Department for Business, Innovation & Skills, Foreign & Commonwealth Office and UK Trade & Investment, Updated 24 February 2014, Embargoes and sanctions, Trade and investment and Foreign affairs.

2. semi-finished metals

3. flagging



«من مانع اهالی، از منسوجات خارجه نیستم
اما می‌گویم امتعه خارجه نقویت کننده کفر و
شکست ملت اسلام است بلکه موجب انکسار
قلب مقدس شخص حضرت بقیت الله (عجل
الله فرجه) می‌شود.»
آیت‌الله شهید حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی

جبهه اقتصاد مقاومتی در ایران معاصر

■ سیدمحمدرضای رضی ■ کارشناسی ارشد اقتصاد ■

تبیین مبانی نظری آن از طریق تحلیل محتوایی
رویدادها و اسناد به جای مانده

دوره‌های برجسته تاریخی در اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی که پرتویی از اقتصاد اسلامی
است در دوران‌هایی از تاریخ تدین بشری بروز و
ظهور یافته است که می‌توان در مطالعه‌ای جامع
همه آن‌ها را به تفصیل مورد بررسی قرار داد.
برجسته‌ترین این برهه‌ها در ارتباط با اقتصاد
اسلامی و ایران اسلامی از آغاز تا کنون، عبارتند از:
■ تاریخ پیامبران و اولیای الهی علیهم السلام از آدم
تا ظهور اسلام

- هویت بخشی؛ شکل‌گیری هویت و غرور اسلامی و ملی برای مردم و جوانان مسلمان
- کسب تجربه برای تحقق اقتصاد مقاومتی
- عبرت آموزی و درس گرفتن برای شرایط امروز
- یافتن راه‌های میانبر دینی و بومی در اقتصاد مقاومتی
- کسب جرأت اندیشه‌ورزی و اقدام مستقل
- دستیابی به اظهارنظرهای ارزشمند علما و اندیشمندان طراز اول اسلام در زمینه اقتصاد مقاومتی
- اطلاع از رویدادهای کمتر شنیده شده و آگاهی از تاریخ این عرصه
- کمک به نظریه‌پردازی در اقتصاد مقاومتی و

«اقتصاد مقاومتی» راهبردی نوین در جدیدترین مرحله از نبرد تاریخی جبهه استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی ایران است. بلکه در نگاهی عمیقتر، اقتصاد مقاومتی می‌تواند راهبردی بنیادین و بین‌المللی برای شکست نظام اقتصادی ظالمانه و صهیونیستی حاکم بر جهان، یعنی اقتصاد سرمایه‌داری باشد. در حقیقت اقتصاد مقاومتی روش مستضعفین عالم برای پیروزی در جنگ فقر و غنا است. بی‌شک موفقیت انقلاب اسلامی در این نبرد اقتصادی، گونه‌ جدیدی از نظام‌های اقتصادی را مطرح خواهد نمود و تحول علمی و عملی شگرفی را در میان نظریات و نظام‌های اقتصاد جهانی به وجود خواهد آورد.

اگر نظریه و راهبردی به لحاظ تاریخی، ریشه‌ها و پیوندهای گسترده و مستحکم داشته باشد، می‌تواند در مقام پیشرفت‌های فرهنگی، علمی و عملیاتی به موفقیت‌های بیشتری دست یابد. کشف این ریشه‌داری تاریخی در اقتصاد مقاومتی به ملت ایران و همه مستضعفینی که عهده‌دار اجرای آن هستند، نوعی هویت و شخصیت تاریخی می‌دهد و واقع بینانه بودن اصل مقدس «ما می‌توانیم» را بیشتر نمایان می‌سازد.

از سوی دیگر در مطالعات اقتصاد اسلامی و اساسا همه رشته‌های علوم انسانی بلکه اغلب رشته‌های علمی، مطالعات تاریخی جایگاه شایسته و بایسته خود را ندارند و پژوهشگران، کمتر به ریشه‌های تاریخی تحقیقات خود اهمیت می‌دهند. براین مبنا، اگر به ریشه‌های تاریخی «اقتصاد مقاومتی» پردازیم از جهات گوناگون به موفقیت این راهبرد کمک نموده‌ایم.

ضرورت مطالعات تاریخی در اقتصاد مقاومتی

- مهمترین ضرورت‌ها برای مطالعه تاریخ اقتصاد مقاومتی به‌ویژه در ایران معاصر عبارتند از:
- کمبود مطالعات تاریخی در ادبیات اقتصاد اسلامی
 - امید بخشی؛ احساس ممکن بودن تحقق اقتصاد مقاومتی



آن به اقتصاد مقاومتی یاد می‌کنیم یکی از مهمترین این خبرهاست. این جهاد مقدس اقتصادی دو مرحله دارد.

- تحریم اقتصادی دشمنان اسلام
- تلاش برای استقلال اقتصادی و تولید ملی

می‌توان نقطه‌های آغاز مقاومت اقتصادی ملت ایران را در اقدامات سردار شجاع، عباس میرزا و سپس شهید بزرگ، امیرکبیر جستجو نمود. اما اگر بر اقدامات انجام شده با محوریت علما متمرکز شویم در مرحله اول، نخستین گام‌ها با مبارزات آیت‌الله ملاعلی کنی در سال ۱۳۰۶ هـ.ق آغاز می‌شود. قیام این عالم بزرگ در برابر امتیاز روبری که تقریباً تمامی منابع اقتصادی ایران را به یک یهودی انگلیسی واگذار نموده بود، نخستین ضرب شست‌ها را به استکبار و استبداد داخلی نشان داد.^۶

این مبارزه در قیام عظیم ملت ایران به رهبری مرجع بصیر شیعه، آیت‌الله میرزای شیرازی رحمت‌الله علیه به اوج خود رسید و نخستین حرکت عظیم و فراگیر و عمومی ضد استعمار اقتصادی را در سال ۱۳۰۸ هـ.ق آفرید. این قیام بزرگ مبتنی بر تحریم کالاهای بیگانگان بود و این اندیشه را در میان علما و ملت ایران بارور ساخت که: «این ما هستیم که دشمنان را تحریم می‌کنیم».

تبیت، پرورش و رشد این اندیشه به تدریج به این باور منجر شد که: «ما می‌توانیم نیازهای خودمان را خودمان برطرف کنیم» و «ما باید مستقل باشیم». بدین گونه مرحله دوم از جهاد اقتصادی در کنار مرحله اول آغاز می‌شود. شاید بتوان تأسیس «شرکت نساجی اسلامی اصفهان» با محوریت آیت‌الله شهید حاج آقا نورالله اصفهانی و آیت‌الله آقانجفی اصفهانی رحمت‌الله علیهما را نقطه آغاز و بلکه اوج این مرحله دانست. این اقدام منجر

جریان شناسی کلی تاریخ اقتصاد مقاومتی در ایران معاصر

در جریان تاریخ‌نگاری ایران پس از دوران صفویه، دوران‌های قاجاریه و پهلوی به «عصر بی‌خبری» شهرت یافته‌اند. فارغ از انگیزه و دیدگاه کسانی

- دوران ظهور و تثبیت اسلام: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام
- تمدن شکوهمند اسلامی؛ قرون چهارم تا هفتم هجری
- دوران تمدن‌زایی شیعه؛ قرون نهم تا یازدهم هجری

کشف ریشه‌داری تاریخی اقتصاد مقاومتی به ملت ایران و همه مستضعفینی که عهده‌دار اجرای آن هستند، نوعی هویت و شخصیت تاریخی می‌دهد.

که این دوران را بدین نام خوانده‌اند، حقیقت آن است که در این دوران اولین مواجهات منفعلانه دولت‌های ایرانی با فرهنگ غرب رخ می‌دهد و به تدریج نوعی از خود بیگانگی و بلکه خودباختگی فرهنگی از طریق جریان‌ها و افرادی که خود را «روشنفکر» می‌دانستند به وجود می‌آید. غرب تنها دروازه پیشرفت و ترقی شناخته می‌شود و غرب‌پرستی به مایه مباحثات و فخر روشن‌فکران و کم‌کم توده‌هایی از مردم ایران تبدیل می‌شود. غرب‌زدگی ابتدا از طریق تجارت و سپس به بهانه انتقال علم و دانش از طریق روشن‌فکرانی که اغلب عضو لژهای فراماسونری هستند در ایران شکل می‌گیرد و در همه سطوح سیاسی، فرهنگی، علمی، نظامی و اقتصادی نفوذ می‌کند.^۴ وابستگی فرهنگی به دنبال خود، ذائقه ایرانی را تغییر می‌هد و طبع تجمل‌پسند و خارجی‌پرست او دیگر با کالاهای ایرانی آرام نمی‌گیرد. کالاهای ایرانی به تدریج کنار گذاشته می‌شود و تولیدکنندگان ایرانی کم

- تاریخ معاصر ایران: قاجاریه و پهلوی
- انقلاب اسلامی
- جهاد سازندگی
- دفاع مقدس

هر کدام از این مقاطع دارای نقاط برجسته، درخشان و درس آموز و در عین حال رویدادهای تلخ و غم‌انگیزی در تاریخ اقتصاد اسلام و مسلمین می‌باشد.

در دوره اول سیره اقتصادی پیامبران الهی و اشتغال ایشان به کشاورزی، دامداری، نجاری، صنعتکاری، بافندگی، خیاطی، معدنکاری و ...؛ مدیریت اقتصادی پیامبران الهی چون حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیه السلام و جناب ذوالقرنین؛^۱ در دوره دوم مقاومت تاریخی در برابر محاصره اقتصادی در شعب ایتطالب، غلبه بر فقر عمومی مردم در صدر اسلام، مدیریت ثروت‌های فراوان بیت المال مسلمین، قدرت مالی گسترده اهل بیت علیهم السلام، سیره اقتصادی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، رونق کشاورزی، صنعت و تجارت و ...^۲ در دوران‌های سوم و چهارم قدرت اقتصادی تمدن اسلامی از اندلس (اسپانیا) و شمال آفریقا تا قلب شبه قاره هند و چین، بازرگانی بین‌المللی مسلمین، صرافی بین‌المللی مسلمین، گسترش معارف اسلامی در سراسر جهان توسط بازرگانان مسلمان، رونق گسترده کشاورزی و صنعت و ...^۳ و نیز در دو دوره آخر صحنه‌های شکوهمند جهاد سازندگی، مقاومت اقتصادی در دفاع مقدس، خودکفایی در بسیاری از علوم و صنایع و گسترش امکانات و خدمات عمومی از این مواردند.

در این نوشتار درصد باخوانی رویدادها و اسناد ارزشمند اقتصاد مقاومتی در دوران معاصر یعنی سلسله‌های قاجاریه و پهلوی به جهت نزدیک بودن، الهام بخشی و اهمیت این برهه هستیم.

به یقین می‌توان یکی از بسترهای بیداری ملت ایران و شکل‌گیری بصیرت اقتصادی بنیانگذاران و آفرینندگان انقلاب اسلامی را تاریخچه جهاد اقتصادی در ایران معاصر دانست.

به تأسیس شرکت‌های مشابه و نیز قوت گرفتن تحریم کالاهای دشمنان شد.^۷

در بستر این اقدامات گنجینه‌ای ارزشمند از فرهنگ و ادبیات اقتصاد مقاومتی و نیز فعالیت‌های مربوط به آن شکل می‌گیرد که می‌توان امتداد، بلوغ و تکامل این جبهه را در اندیشه و عمل بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی قدس سره به تماشا نشست. به یقین می‌توان یکی از بسترهای بیداری ملت ایران و شکل‌گیری بصیرت اقتصادی بنیانگذاران و آفرینندگان انقلاب اسلامی را تاریخچه جهاد اقتصادی در ایران معاصر دانست. همچنین مطالعه این میراث تاریخی نشان می‌دهد مطرح

کم از عرصه تولید حذف می‌شوند. سیل کالاهای اروپایی و روسی بازارهای ایران را در می‌نوردد و این وابستگی فکری و فرهنگی به وابستگی سیاسی و اقتصادی می‌انجامد. وابستگی در دوران پهلوی به اوج خود می‌رسد و حکومتی انگلیسی بر ملت ایران تحمیل می‌شود.^۵

اما مطالعه نزدیک و منصفانه این دوره از تاریخ معاصر ایران، از وجود جریان‌ات و اقدامات فکری، فرهنگی و عملی بیدارگرانه که تقریباً همگی با محوریت و رهبری علما شکل گرفته است، پرده برمی‌دارد و از خبرهایی بزرگ در این عصر به اصطلاح بی‌خبری، خبر می‌دهد.

«شکل‌گیری جبهه جهاد اقتصادی» که امروز از

۶. غنیمی فرد، حجت‌الله، نقد و تحلیل تسلط اقتصاد جهانی بر تجارت ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۰۵.

۷. رک. ب. موسی نجفی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴.

۴. رک. ب. شهیار زرشناس، نگاهی کوتاه به تاریخچه

روشنفکری در ایران

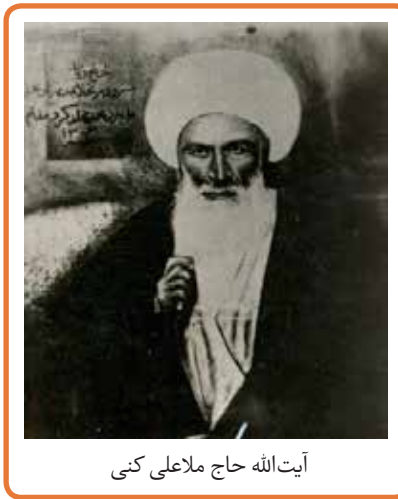
۵. رک. ب. کیوان پهلوان، رضاشاه «از الشتر تا الاشت» نیای لُر

رضاشاه، چاپ سوم، انتشارات آرون، تهران، ۱۳۸۴.

۱. رک. ب. علامه مجلسی (ره)، حیوه القلوب، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۸.

۲. رک. ب. همان، ج ۲ و نیز علیدوست خراسانی، نورالله، منابع مالی اهل بیت علیهم السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.

۳. رک. ب. عطایی اصفهانی، عباس، اعترافات؛ خدمات اسلام به اروپا، ج ۱، انتشارات حضرت عباس علیه السلام، قم، ۱۳۸۶.



آیت الله حاج ملاعلی کنی

۲۷. آیت الله حاج میرزا نصرالله مجتهد
۲۸. آیت الله حاج ملاحسین شمس العلماء
۲۹. آیت الله ملاروح الامین شیخ الاسلام
۳۰. آیت الله میرزا ابوالقاسم قاضی
۳۱. آیت الله میرزاهاشم رئیس العلماء
۳۲. آیت الله میرزا احمد مجتهد
۳۳. آیت الله ملا غلامحسین مدرس
۳۴. آیت الله حاج میرزا باقر مجتهد
۳۵. آیت الله شیخ ابومحمد مجتهد
۳۶. آیت الله حاج شیخ عبدالرحیم مجتهد
۳۷. آیت الله حاج میرزا ابراهیم مجتهد (شریعتمدار)
۳۸. آیت الله حاج میرزا مهدی مجتهد
۳۹. آیت الله میرزا حسن آشتیانی
۴۰. آیت الله حاج ملامحمد علی هیدجی
۴۱. آیت الله سید جلال الدین کاشانی (مؤید الاسلام)
۴۲. مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی
۴۳. آیت الله شهید سید حسن مدرس
۴۴. محدث بزرگ مرحوم میرزا حسین نوری
۴۵. حجت الاسلام حسن اصفهانی کربلایی
۴۶. مرحوم سید جمال الدین اصفهانی (واعظ)
۴۷. مرحوم میرزا ابوالفضل رشتی
۴۸. سید احمد بن فخرالدین موسوی کاشانی
۴۹. میرزا محمد معین الاسلام بهبهانی
۵۰. مجد الاسلام کرمانی
۵۱. میرزا محمد حسینی همدانی
۵۲. علی محمد صدرا العلماء نطنزی
۵۳. میرزا علی آقا خراسانی
۵۴. حاجی سید اسماعیل سلطان المداحین
۵۵. ثقه الاسلام تبریزی
۵۶. میرزا حسن جابری انصاری
۵۷. شیخ علی ارادقی
۵۸. مرحوم اهرابی
۵۹. آیت الله میرزا محمد علی شاه آبادی
۶۰. آیت الله شهید سید محمد باقر صدر
۶۱. آیت الله مرعشی نجفی
۶۲. و ...

سیاسیون، بازرگانان و فعالان اقتصادی

۱. شهید میرزا تقی خان امیرکبیر
 ۲. حاج محمد حسین کازرونی
۱. از چهره های شاخص اقتصاد مقاومتی بعد از انقلاب اسلامی: حضرت امام خمینی قدس سره، آیت الله امام خامنه ای دام ظلّه، امام موسی صدر، آیت الله شهید صدوقی، آیت الله شهید بهشتی و ...

نمودن گفتمان «اقتصاد مقاومتی» از سوی امام خامنه ای دام ظلّه، تکامل نظری و تاریخی اندیشه اقتصاد مقاومتی در تاریخ ایران اسلامی می باشد. در این نوشتار در پی ارائه نقشه ای هوایی و فهرستی اجمالی از این جبهه هستیم تا با شخصیت ها، رویدادها و اندیشه های مطرح در آن آشنا شویم. شناخت تفصیلی ارکان این جبهه به فرصت های بیشتر نیازمند است.

زاویای بازخوانی تاریخچه اقتصاد مقاومتی در ایران معاصر

مطالعه تاریخچه اقتصاد مقاومتی در ایران معاصر می تواند از زوایای زیر انجام شود:

- چهره های اقتصاد مقاومتی
- اندیشه های اقتصاد مقاومتی
- اسناد، متون، فتاوا و اعلام مواضع علما
- اسناد، متون و مواضع نخبگان
- اسناد، متون و مواضع فعالان اقتصادی به ویژه بازرگانان
- اسناد، متون و اقدامات رسانه ها (روزنامه ها)
- رویدادهای عملی در اقتصاد مقاومتی
- واکنش دشمنان به جبهه اقتصاد مقاومتی
- تحلیل نظری و علمی متون و اسناد؛ کمک به تبیین مبانی نظری اقتصاد مقاومتی
- استخراج راهبرها و راهکارهایی برای تحقق اقتصاد مقاومتی در ایران اسلامی

از آنجا که در این نوشتار در صدد بیان تاریخی هستیم، تحلیل نظری متون را به فرصتی دیگر واگذار می کنیم و از منظر زوایای اول تا سوم، فهرستی از مهمترین موارد این میراث را ارائه می دهیم.

چهره های اقتصاد مقاومتی

بسیاری از علمای شیعه در جبهه اقتصاد مقاومتی اندیشه ها و اقدامات گسترده و مؤثری داشته اند که به برخی از این بزرگواران اشاره می شود تا در فرصت های بیشتر به تفصیل اندیشه و عمل ایشان بپردازیم. تاثیرگذاری این بزرگواران با یکدیگر برابر و مساوی نیست و از نقش آفرینی خرد تا کلان و از یک اظهار نظر و تأیید تا اقدامات نظری و عملی گسترده را شامل می شود.

۱. آیت الله حاج ملاعلی کنی

۲. مرجع بزرگ شیعه آیت الله میرزای شیرازی (میرزا

تأسیس کارخانه های توب و تنگ سازی توسط عباس میرزا	۱۲۲۷ تا ۱۲۳۱	تأسیس اولین کارخانه پنبه رسی جدید در ایران	۱۲۱۱	قیام علیه قرارداد ننگین روتنبر	۱۲۱۱	اقدامات اقتصادی آیت الله العظمی سید عبدالحسن موسوی لاری	۱۲۷۱ تا ۱۲۸۶	ساختن مهم آیت الله آقا نجفی اصفهانی و دعوت از مردم به ترک مصرف کالاهای منسوجات خارجی	۱۲۸۸
تأسیس کارخانه های چیت بافی، ایریشم بافی، دویا لیشگاه شکر، حمایت از تولیدگران و صنعتکاران داخلی	۱۲۱۱	ایجاد انجمن شرقی در اصفهان	۱۲۶۸	نهضت تحریم تنباکو	۱۲۶۸	تأسیس کارخانه نسبیه و چینی آلات در تهران، کارخانه جدید ایریشم رسی در رشت و ... توسط حاج محمد حسن امین الزرب	۱۲۷۱ تا ۱۲۸۶	تأسیس شرکت نساجی اسلامیته اصفهان	۱۲۸۸

۳. حاج محمد حسن امین الضرب (کمپانی)
۴. حاج محمد حسین امین الضرب (کمپانی)
۵. حاج محمد ابراهیم ملک التجار
۶. آقا ابوالقاسم خوانساری
۷. مرحوم آقا عباسعلی
۸. میرزا سلیمان خان رکن الملک شیرازی
۹. مرحوم سید حسن بُتکدار
۱۰. میرزا حسین قلی خان نظام السلطنه مافی
۱۱. حاج زین العابدین تقی اف
۱۲. مرحوم حاج محمد نمازی شیرازی
۱۳. مرحوم حسینعلی البرز
۱۴. و

رویدادهای عملی در اقتصاد مقاومتی

- تأسیس کارخانه‌های توپ و تفنگ‌سازی توسط عباس میرزا ۱۲۳۰ هـ. ق.
- سلسله اقدامات اقتصادی امیرکبیر: تأسیس کارخانه‌های چیت بافی، ابریشم بافی، دو پالایشگاه شکر، حمایت از تولیدگران و صنعتکاران داخلی و ... ۱۲۶۸-۱۲۶۴ هـ. ق.
- تعقیب اقدامات امیرکبیر توسط ناصرالدین شاه و تأسیس اولین کارخانه پنبه‌ریسی جدید در ایران ۱۲۷۶ هـ. ق.
- ایجاد انجمن شرقی در اصفهان با هدف ترویج مصرف کالاهای داخلی در اصفهان ۱۲۹۸ هـ. ق.
- قیام علیه قرارداد ننگین رویتر به رهبری آیت‌الله ملاعلی کنی و سید صالح عرب ۱۳۰۶ هـ. ق.^۲
- نهضت تحریم تنباکو ۱۳۰۸ هـ. ق.^۳
- پشتیبانی علما از تأسیس راه آهن در ایران^۴
- اقدامات اقتصادی در اولین حکومت مبتنی بر ولایت فقیه در جنوب ایران توسط آیت‌الله العظمی سید عبدالحسین موسوی لاری؛ ۱۳۲۵



آیت‌الله میرزا محمد علی شاه‌آبادی

- ... که خارجی باشد مصرف نکنند.^{۱۱}
- تشویق تولیدکنندگان و تجار ایرانی به جدیت در تولید داخلی و اعلام حمایت و آمادگی برای خرید کالاهای تولید شده توسط ایشان ۱۳۲۵ هـ. ق.^{۱۲}
 - گسترش موج فعالیت‌های خرد و کلان اقتصاد مقاومتی پس از نهضت مشروطه ۱۳۲۴ هـ. ق. (که بیشتر اقدامات بعدی از آن جمله‌اند.)
 - تشکیل انجمن تجار اصفهان به تاریخ ۱۶ محرم ۱۳۲۵ هـ. ق. با حضور ۱۲ نفر از تجار درجه اول و در باغ حاج محمد حسین کازرونی^{۱۳}
 - تأسیس کارخانه وطن و زاینده رود توسط حاج محمد حسین کازرونی ۱۳۰۰ ش.^{۱۴} و تسطیح و شوسه شدن راه اصفهان شیراز توسط ایشان^{۱۵}
 - تأسیس شرکت شرافت اصفهان، اولین شرکت تولیدی پس از مشروطه در اصفهان، تولیدکننده منسوجات و لباس نظامی^{۱۶}

- فعال شدن انجمن‌های مردمی اصفهان (پس از مشروطیت) برای تولیدات داخلی به تشویق آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی در انجمن مرکزی اصفهان: ساخت کلاه نمدی توسط انجمن الفت، بافت پارچه زری توسط انجمن اتفاق و ...^{۱۷}
- اقدام انجمن صنایع بیدآباد برای ساخت تفنگ
- تأسیس شرکت برای استکشاف معدنیات توسط آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی و فعالسازی حوزه اکتشاف و استخراج معادن ۱۳۲۶ هـ. ق.^{۱۸}
- طراحی و تأسیس شرکت مخمس و اولین صندوق قرض الحسنه ایران توسط آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی (ره)^{۱۹}
- نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران^{۲۰}
- کمک به تأسیس صندوق انجمن تأسیس مدارس و مکاتب ملی ایران، ۱۵ ذیحجه

۱۱. رجایی‌عبدالمهدی، مقاله اندیشه و عمل اقتصادی در اصفهان عصر مشروطیت و نقش حاج آقا نورالله نجفی، ۱۳۸۴، صص ۱۷۰ و ۱۷۱
۱۲. همان، صص ۱۶۹
۱۳. همان، صص ۱۶۹ و ۱۷۰
۱۴. همان، صص ۱۶۰
۱۵. همان، صص ۱۷۶
۱۶. همان، صص ۱۷۱ و ۱۷۲
۱۷. همان، صص ۱۷۵
۱۸. همان، صص ۱۷۷
۱۹. رضی، سید محمد رضا، نظریات اقتصادی سیاسی آیت‌الله شاه‌آبادی (ره)، ۱۳۹۰، صص ۱۳۹۱۷۶
۲۰. رک. ب. نجفی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، چاپ پنجم، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۸.

۵. آیت‌الله العظمی سید عبدالحسین لاری (ره)، مجموعه رسائل، تحقیق ۱۴۱۸ ق.، صص ۲۹۸ تا ۳۰۱ و ۳۲۹ تا ۳۳۳
۶. رک. ب. مهدوی، شیرین، زندگی‌نامه حاج محمد حسن کمپانی؛ امین دارالضرب، ترجمه: منصور اتحادیه و فرحناز امیرخانی سینکلو، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۷۹.
۷. موسی نجفی، اندیشه تحریم و خودباوری، ۱۳۹۰، صص ۱۴۴
۸. موسی نجفی، اندیشه تحریم و خودباوری، ۱۳۹۰، صص ۱۲۷، ۱۵۶، ۱۲۷، و رک. ب. موسی نجفی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴
۹. به نقل از مجله همایش بزرگداشت آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی، ۱۳۸۴، صص ۳۴.
۱۰. موسی نجفی، اندیشه تحریم و خودباوری، ۱۳۹۰، صص ۱۵۴

۱. رهدار، احمد، غربشناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۰، صص ۳۹۳، ۴۰۶
۲. مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، محمد رجبی، ج ۱، صص ۲۴۰ تا ۲۴۴ و صص ۶۵
۳. رک. ب. اصفهانی کربلایی، شیخ حسن، تاریخ دخانه یا تاریخ وقایع تحریم تنباکو، به کوشش رسول جعفریان، چاپ الهادی، قم، ۱۳۷۷، و موسی نجفی، اندیشه تحریم و خودباوری، ۱۳۹۰، صص ۱۱۴۷
۴. محمد رجبی، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۸۰ و ...

کمک به تأسیس صندوق انجمن تأسیس مدارس و مکاتب ملی ایران، ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۶ هـ. ق. توسط شیخ فضل‌الله نوری	تأسیس کمپانی محمودیه اصفهان	۶۲۱۱	تأسیس شرکت برای استکشاف معدنیات توسط آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی	۱۳۰۰	تأسیس کارخانه وطن و زاینده رود	۱۲۸۷	تشویق تولیدکنندگان و تجار ایرانی به جدیت در تولید داخلی و اعلام حمایت و آمادگی برای خرید کالاهای تولید شده توسط حاج آقا نورالله اصفهانی	۱۳۲۵
تلاش علما، سیاسیون، طلاب، تجار و مردم برای تأسیس بانک ملی در کشور برای مبتلا نمودن دولت به استقرار از دشمنان اسلام	پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران و تأسیس نظام جمهوری اسلامی	۱۳۲۶	نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران	۱۳۵۷				



- ۱۳۱۶ ه.ق. توسط شیخ فضل الله نوری^۱
- تلاش علما، سیاستون، طلاب، تجار و مردم برای تأسیس بانک ملی در کشور برای مبتلا نشدن دولت به استقراض از دشمنان اسلام؛ خرید سهام توسط علما (حاج آقا نورالله، شهید شیخ فضل الله نوری و...)، کمک برخی طلاب حتی با فروختن کتاب‌ها و نیز یاری بعضی بانوان با فروش طلاهایشان^۲
 - تأسیس مریضخانه اسلامی به توسط محمد حسن میرزا در اصفهان با حمایت آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی^۳
 - تأسیس شرکت اخوت اصفهان توسط انجمن سلسله جلیله تجار اصفهان (خوانسار)^۴ و گشایش مغازه‌ای به همین نام مخصوص فروش کالاهای وطنی در سرای ملاباشی اصفهان با محوریت آقا ابوالقاسم خوانساری و آقا عباسعلی^۵
 - تأسیس شرکت محمودیه اصفهان^۶
 - تلاش برای اتصال رود کارون به اصفهان^۷
- و

📌 فهرست منابع

- شهریار زرشناس، نگاهی کوتاه به تاریخچه روشنفکری در ایران، کتاب صبح، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶.
- کیوان پهلوان، رضاشاه «از الشتر تا الاشت» نیای لر رضاشاه، چاپ سوم، انتشارات آرون، تهران، ۱۳۸۴.
- غنیمی فرد، حجت الله، نقد و تحلیل تسلط اقتصاد جهانی بر تجارت ایران، شرکت چاپ و نشر بازارگانی، تهران، ۱۳۸۰.
- موسی نجفی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- محمد حسن رجبی (دوانی)، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه در دوره قاجار، ج ۱ تا ۴، تهران، نشر نی، ۱۳۹۰.
- یوسفی، محمد، روح مهربان: شیخ محمد تقی بافقی (ره)، نشر خورشید هدایت، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۹.
- آیت الله العظمی سید عبدالحسین لاری (ره)، مجموعه رسائل، تحقیق و نشر: هیئت علمی کنگره، بنیاد معارف اسلامی، قم مقدسه، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
- موسی نجفی، اندیشه تحریم و خودباوری، تحلیل مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، محمد رجبی، ج ۲، ص ۷۲.
۲. مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، محمد رجبی، ج ۲، ص ۲۸۰ و ...
۳. رجایی عبدالمهدی، مقاله اندیشه و عمل اقتصادی در اصفهان عصر مشروطیت و نقش حاج آقا نورالله نجفی، ۱۳۸۴ صص ۱۷۷، ۱۸۱.
۴. همان، ص ۱۱۹.
۵. موسی نجفی، اندیشه تحریم و خودباوری، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷.
۶. رجایی عبدالمهدی، مقاله اندیشه و عمل اقتصادی در اصفهان عصر مشروطیت و نقش حاج آقا نورالله نجفی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲.
۷. همان، ص ۱۵۴.
۸. این طرح از زمان شاه طهماسب صفوی مطرح بوده است و اولین اقدامات عملی در ۱۳۲۲ ش. با حفار اولین تونل کوهزنک به انجام رسید. همان، ص ۱۷۷.

مهدوی، شیرین، زندگی نامه حاج محمد حسن کمپانی؛ امین دارالضرب، ترجمه: منصور اتحادیه و فرحناز امیرخانی سینکلو، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۷۹.

رضی، سید محمد رضا، نظریات اقتصادی سیاسی آیت الله شاه‌آبادی (ره)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰. رهدار، احمد، غربشناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۰.

نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، چاپ پنجم، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۸.

مجموعه مقالات همایش تبیین آرا و بزرگداشت هشتادمین سالگرد نهضت آیت الله شهید حاج آقا نورالله نجفی، مقاله: رجایی عبدالمهدی، مقاله اندیشه و عمل اقتصادی در اصفهان عصر مشروطیت و نقش حاج آقا نورالله نجفی، انتشارات سازمان فرهنگی هنری سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۴. مجله همایش بزرگداشت آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی، ۱۳۸۴، ص ۳۴.

پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری دام عزه: khamenei.ir

متون و اسناد اقتصاد مقاومتی در تحولات سیاسی ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.

گروه مولفین، پرتویی از سیمای وقف در ایران اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.

شاه‌آبادی، شذرات المعارف، ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت، تهران، ۱۳۸۰.

علیدوست خراسانی، نورالله، منابع مالی اهل بیت علیهم السلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.

عطایی اصفهانی، عباس، اعترافات: خدمات اسلام به اروپا، ج ۱، انتشارات حضرت عباس علیه السلام، قم، ۱۳۸۶.

موسی نجفی، تعامل دیانت و سیاست در ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، ۱۳۷۸.

شاه‌آبادی، میرزا محمد علی، شذرات المعارف، تصحیح و تحقیق: بنیاد علوم و معارف اسلامی دانش پژوهان، چاپ اول، ستاد بزرگداشت مقام عرفان و شهادت، تهران، ۱۳۸۰.

اصفهانی کربلایی، شیخ حسن، تاریخ دخانیه یا تاریخ وقایع تحریم تنباکو، به کوشش رسول جعفریان، چاپ الهادی، قم، ۱۳۷۷.

پدافند مردمی در اقتصاد مقاومتی

■ حجت‌الله عبدالملکی ■ استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

متن حاضر حاصل گفت‌وگوی نشریه پدافند اقتصادی با دکتر عبدالملکی است که به صورت یادداشت شفاهی تنظیم شده است.

اقتصاد

کار درون‌زایی و مردم‌محوری

اقتصاد درون‌زا، اقتصادی است که موتور محرکه‌اش در درونش قرار داشته باشد. می‌توانیم این طور تشبیه کنیم که یک قطار مجموعه‌ای از واگن‌هاست که قدرت بعضی از این واگن‌ها درون‌زا و بعضی برون‌زا است. مثلاً لوکوموتیو یک واگن است، اما نیرو و انرژی خودش را، خودش تولید می‌کند. اما واگن‌های بعدی، واگن‌هایی که مسافر یا بار درونش قرار دارد، خودش انرژی تولید نمی‌کند بلکه باید به لوکوموتیوی وصل باشد که انرژی تولید می‌کند. هنگامی که گفته می‌شود یک اقتصاد درون‌زا است، یعنی به مثابه آن

اقتصادی سالم است که موتور محرکه‌اش در داخل خودش قرار داشته باشد. مهمترین موتور محرکه اقتصادی هم مردم هستند.

واگنی است که لوکوموتیو است نه آن واگنی که باید به لوکوموتیو وصل شود تا آن را حرکت دهد. از این رو، در یک اقتصاد درون‌زا، باید منابعی برای تولید انرژی و تولید نیرو در درون خود داشته باشد. یعنی حتی اگر کسی خارج از این اقتصاد به او کمک نمی‌کند، بتواند به سمت اهدافی که در نظر گرفته، پیش رود. برای مثال، وقتی که هدف، رفاه عمومی در راستای رسیدن به مقام عبودیت و کمال مطلق باشد، اقتصاد باید انرژی لازم برای این هدایت را داشته باشد و نیرویش را در درون خود تولید کند. در یک اقتصاد سالم، نیرو را مردم

تولید می‌کنند. اقتصادهای ناسالم، مثل واگن‌هایی هستند که یک نفر باید آنها را بکشد. کشورهای را می‌توان دید که به ظاهر پیشرفته هستند اما اقتصادشان درون‌زا نیست؛ مثل امارات، دبی، سنگاپور و بعضی کشورهای شرق آسیا و حتی به طور نسبی بعضی کشورهای اروپایی. یعنی کسانی از بیرون این کشوره باید آن‌ها را بکشند. آن چیزی که این کشورها را می‌کشد، اقتصاد جهانی است و همین اقتصاد جهانی اگر با مشکلی مواجه شود، اقتصاد این کشورها را متوقف خواهد کرد، همچنان‌که در جریان بحران مالی ۲۰۰۸ و بحران بدهی‌های ۲۰۱۰ که در آمریکا و اروپا - بیشتر اروپای

غربی - اتفاق افتاد، با لطمه دیدن اقتصاد جهانی، پیشرفت اقتصادی بسیاری از کشورهایی که هیچ ارتباطی با آن بحران‌ها نداشتند، مانند امارات و هنگ‌کنگ و کشورهای جنوب شرقی آسیا و اروپای شرقی، متوقف شد. پس نتیجه می‌گیریم اقتصادی سالم است که موتور محرکه‌اش در داخل خودش قرار داشته باشد. مهمترین موتور محرکه اقتصادی هم مردم هستند. البته منابع طبیعی هم می‌توانند موتور حرکت و انرژی‌زا باشند، اما به شرطی که نیروی انسانی قدرتمندی وجود داشته باشد که از این منابع بهره‌برداری خوبی انجام دهد. اما اگر

چنین نیروی انسانی وجود نداشته باشد و منابع طبیعی صرفاً صادر شوند و خام‌فروشی صورت گیرد، این فروش منابع طبیعی خود به معنی درون‌زایی نبودن اقتصاد و وابسته بودن آن به بیرون از خودش است. پس منابع طبیعی مشروط به وجود نیروی انسانی توانمند، می‌تواند جزء نیروی درونی اقتصاد باشد. در واقع اگر نیرو و توان و تکنولوژی کافی برای بهره‌وری از معادن و ذخایر نفت داشته باشیم، به نحوی که ارزش افزوده بالایی ایجاد کند، نه اینکه خام‌فروشی شود، در این صورت می‌گوییم منابع طبیعی ما هم جزء قدرت درونی ما هستند. به هر حال همه چیز به مردم و نیروی انسانی ختم می‌شود. البته صرفاً بُعد تولیدکنندگی مردم مد نظر نیست و بُعد مصرف‌کنندگی آنها نیز مد نظر قرار می‌گیرد. چرا که بازار ۷۵ میلیونی ایران، بازار بزرگی است که اگر درست رفتار کند، می‌تواند زمینه را برای رشد انواع فعالیت‌های اقتصادی فراهم کند. این بازار اگر درست رفتار کند می‌تواند تا حد زیادی توان تولیدی کشور را - که موتور حرکتی کشور در یک اقتصاد درون‌زا است - به حرکت درآورد.

در نتیجه باید گفت رفتارهای مصرفی هم مهم هستند. در این بین، رفتارهای انتخاب‌گرانه هم، اجزایی هستند که به استحکام درونی اقتصاد کمک می‌کنند. آنجا که انتخاب‌گران، کسی را به عنوان مدیر (قوه مجریه و مقننه) انتخاب می‌کنند که به درون‌زایی اقتصاد اعتقاد دارد و نیز معتقد است با منابع انسانی و پتانسیل‌های مردمی که وجود دارد، می‌توان اقتصاد کشور را به صورت درون‌زا به حرکت درآورد و در مسیر پیشرفت قرار داد. حتی اگر کسانی در خارج از کشور حمایت نکنند یا مانع ایجاد کنند.

اصل ۴۴ قانون اساسی و اقتصاد مردمی

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، یکی از اقداماتی بود که در مسیر تقویت اقتصاد مردمی، با رویکردی اسلامی می‌توانست مؤثر باشد. این اصل، هنوز هم می‌تواند مؤثر باشد اما انحرافات در آن به وجود آمده است. در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است که در حوزه تولید، سهم هر کدام از بخش‌های خصوصی، تعاونی و دولتی را قانون مشخص می‌کند. یعنی در شرایط مختلف زمانی، ممکن است نسبت این سه بخش تعاونی، خصوصی و دولتی تغییر کند. مثلاً در شرایط جنگ و ناامنی اقتصادی،

و کارخانه‌هایی واگذار شده را تحویل بگیرند و به فعلیت و باروری برسانند. یعنی یک مدیریت اقتصادی قوی انجام بدهند. از این رو است که باید توانایی کارآفرینی و مدیریت اقتصادی در اقشار مردم، یا حداقل آنهایی که -مانند فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و کارشناسان و افراد خبره- بیشتر هدف هستند، افزایش پیدا کند و این در حالی است که نظام آموزشی ما چنین امکاناتی را برای محصلان و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان ما فراهم نمی‌کند. لذا ملاحظه می‌شود افرادی در یک رشته فنی مدرک دکترا می‌گیرند ولی از کارآفرینی و فعالیت اقتصادی هیچ دانش و معلوماتی ندارند. این نکته نیز حائز اهمیت است که قوانین

اقتصاد جهادی یکی از نمادهای مردمی شدن اقتصاد است. سهم اقتصاد جهادی در اقتصاد ایران باید خیلی بیشتر باشد.

واگذاری دارایی‌های بخش دولتی به خصوصی، باید به لحاظ حقوقی و قانونی، مسیر را بر سوءاستفاده‌ها ببندد. آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌هایی هم که تنظیم می‌شوند، باید جزئیات مربوط به این جریان را، که ممکن است به سوءاستفاده اقتصادی و منحرف شدن این اصل اقتصادی بینجامد، در نظر بگیرد. می‌بینیم که مخصوصاً در سال‌های ابتدایی انجام خصوصی سازی، بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها به شدت ناکارآمد بودند. مثلاً در حوزه قیمت‌گذاری گاهی واحدهای اقتصادی به قدری ارزان قیمت‌گذاری می‌شدند که خریداران -که گاهی با مدیران دستگاه اجرایی سر و سری داشتند- مواد اولیه موجود در کارخانه را فروخته و با پول این مواد اولیه توانسته بودند پول کارخانه را بپردازند!

نوع دیگر سوءاستفاده که قانون موجود نتوانست به خوبی آن را لحاظ کند و از آن جلوگیری کند، مسأله تغییر کاربری بود که در مورد خیلی از خصوصی‌سازی‌ها - مخصوصاً کارخانه‌هایی که در محدوده شهرها بودند- اتفاق افتاد. تجهیزات و ساختمان‌های تولیدی از بین رفتند و برای ساخت‌وساز و خانه‌سازی و شهرک‌سازی آماده شدند. قرار نبود تغییر کاربری رخ دهد، اما آیین‌نامه‌ها نتوانستند جلوی آن را بگیرند.

قوه مجریه و مقننه از این جهت که زیرساخت‌های مورد نیاز اصل ۴۴ را آماده نکردند، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را تخریب کردند. بخشی از این زیرساخت‌ها، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و بخشی اقتصادی هستند. به عنوان مثال، برای واحدی که دائماً با ارز دولتی، در حال واردات نهاده‌ها بوده است، دولت باید زمینه‌های اقتصادی فراهم کند تا بدون ارز دولتی هم، این واحد اقتصادی بتواند به حیات خود ادامه دهد. این زیرساخت‌ها، گاهی به خوبی فراهم نشده است. هنگامی که عده‌ای از مسئولین، چند سال پیش ابراز تأسف کردند که به دلیل اینکه مردم توانایی‌اش را نداشتند، خصوصی سازی به نتیجه نرسید، مقام

سهم دولت بالا می‌رود و در شرایط صلح و ثبات، سهم بخش خصوصی و تعاونی باید افزایش پیدا کند. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ تأکید می‌کند که در شرایط فعلی، ارتقای کارایی اقتصادی در راستای تحقق اهداف اقتصاد اسلامی مستلزم این است که اقتصاد از حالت دولتی بودن خارج شده و سرمایه‌های ملی در اختیار بخش خصوصی قرار بگیرد تا بتواند ثروت آفرینی مورد انتظار را داشته باشد و کارایی اقتصادی افزایش پیدا کند. از این جهت می‌توان گفت که سیاست‌های کلی در جهت تحقق اقتصاد مردمی مورد نظر اقتصاد اسلامی بوده است، هرچند تمام اقتصاد مردمی سیاست‌های اصل ۴۴ نیست. در واقع، اصل ۴۴ فقط یک بخش از اقتصاد مردمی را فعال می‌کند. بخش‌های دیگری هم وجود دارند که ممکن است مستلزم قانون‌های دیگری باشند. اما متأسفانه زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، روانی و سیاسی لازم، برای تحقق اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد در عمل و در مرحله اجرا به خوبی شناسایی و پیاده سازی نشده است. مثلاً زمانی که می‌خواهیم هزاران میلیارد تومان سرمایه‌هایی که در بخش دولتی وجود دارد را، به بخش خصوصی واگذار کنیم، باید این آمادگی در بخش خصوصی از زمان‌های قبل‌تر ایجاد شده باشد که بخش خصوصی بتواند این سرمایه‌های عظیم را تحویل بگیرد. بخش خصوصی، همان مردم در داخل کشور هستند که خیلی از این‌ها تجربه سرمایه‌داری - به معنای داشتن سرمایه - را ندارند. در نتیجه هنگامی که تحت عنوان سهام عدالت، بخش دولتی را به مردم عرضه می‌کنیم، بسیاری از مردم اصرار دارند که این سهام را بفروشند و مصرف کنند؛ یعنی نگهداری دارایی سرمایه‌ای، فرهنگ اقتصادی بسیاری از اقشار مردم نیست. این ضعفی است که در این زمینه وجود دارد. یکی دیگر از زیرساخت‌ها این است که توانایی بخش خصوصی در مدیریت این سرمایه‌ها افزایش پیدا کند. مثلاً کسانی وجود داشته باشند که کارگاه‌ها

معظم رهبری فرمودند (نقل به مضمون) که اگر مردم توانایی‌اش را نداشتند، خوب توانمندشان می‌کردید. خصوصی سازی به این معنا نیست که به هر قیمتی و به هر کسی و با هر شرایطی شرکت‌های دولتی را بفروشیم. یعنی اقتصاد در اختیار بخش خصوصی و تعاونی قرار بگیرد. اگر بخش خصوصی و تعاونی نمی‌تواند، باید آن را توانمند کرد، فرهنگش را اصلاح کرد، باید آموزش‌هایی داده شود، پایه اقتصادی کشور تقویت شود، شرایط قانونی درست شود؛ یعنی دولت (هر سه قوه قضاییه و مقننه و اجراییه) باید کل این زنجیره را تنظیم می‌کند.

قضیه اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ توسط دولت، در واقع شبیه این است که به یک نفر بگوییم: برای من از بازار صندلی بخر. سپس شخص خریدار بگوید که: این کار امکان ندارد. می‌گوییم: چرا؟ می‌گوید: ماشین نداشتم. بگوییم که ماشین تهیه کن! کرایه کن! او نیز بگوید پول نقد نداشتم. ما هم بگوییم به بانک برو و پول نقد بگیر! در واقع کل اقداماتی که در این زنجیره لازم است باید انجام شود، تا آن خرید از بازار اتفاق بیفتد. اینطور نیست که وقتی به ما می‌گویند چیزی بخر، همه چیز آماده باشد و ما الان باید پول را داده و جنس را بگیریم. این آخرین حلقه کار است. حلقه‌های قبلی را باید طراحی و اجرا کرد. سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به طور کلی در راستای مردمی سازی اقتصاد ارزیابی می‌شود اما در عمل به خاطر اشکالاتی که در اجرا وجود داشت، به این جریان کمک شایانی نکرد.

مختصات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

به نظر نمی‌آید که اقتصاد ایران، اقتصاد سرمایه‌داری دولتی باشد. قبل از واگذاری‌ها، ما سرمایه‌داری دولتی داشتیم، اما اکنون با اقتصاد شبه‌دولتی بسیار بزرگ و یک نوع بخش خصوصی در کنار آن مواجه هستیم. البته این بخش خصوصی بزرگ را عمدتاً «دانه درشت‌ها» تشکیل می‌دهند و باز هم البته اصطلاح دانه درشت به معنای فعالیت الزاماً منفی آنها نیست. این یعنی اینکه دولت همه چیز خود را واگذار کرده است و دیگر چیزی ندارد که سرمایه‌داری دولتی نامیده شود.

اگر وجود شبه‌دولتی‌ها را بپذیریم، می‌توانیم بگوییم هنگامی که دولت از نظر اقتصادی خیلی بزرگ باشد و به طور جدی وارد عرصه تولید شده باشد، به طور طبیعی عرصه را بر حضور بخش خصوصی تنگ‌تر می‌کند. این تنگ‌تر شدن بدین صورت است که دولت، رانت‌هایی - مثل واردات، تعرفه‌ها، مجوزها، یارانه‌ها، تسهیلات مختلف - در اختیار واحدهای خود یا وابسته به خود قرار می‌دهد. مثلاً برخی شرکت‌های شبه دولتی، راحت‌تر از دیگر بخش‌های خصوصی تسهیلات می‌گیرند یا وام‌هایشان را بازنمی‌گردانند. به دلیل رانت‌های دولت و استفاده از این رانت‌ها برای تقویت فعالیت اقتصادی واحدهای

۱ اگر بخش خصوصی همین طور ناتوان بماند، هیچ‌گره‌ای باز نخواهد شد؛ باید سیاست‌ها برود به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر اینکه بتواند زیر بار برخی از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ برود. این هم می‌شود یکی از سیاستها. (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت، ۱۳۹۳/۰۶/۰۸)

تومان باشد. وقتی گفته شود سه میلیون حقوق به شما نمی‌دهند و فقط یک میلیون به شما پرداخت می‌کنند، این شخص می‌گوید پس من کار نمی‌کنم، چون حقوق مورد نظر من پرداخت نمی‌شود. وی کار نمی‌کند و از منافع همان دستمزد حداقلی هم محروم می‌ماند. او تحت تاثیر فرهنگ غربی، فرهنگ لائیک و فرهنگ سکولار است که می‌گوید بیکار ماندن خودش یک ارزش است. فراغت در مقابل کار ارزش است. انسان‌ها در مقابل فراغت و کار انتخاب می‌کنند و کار را هم فقط به دلیل درآمدش می‌خواهند و گرنه تمایل دارند که همیشه فراغت داشته باشند و کار فی نفسه بی‌ارزش و نامطلوب است!

این فرهنگ در بُعد مصرف، تولید و انتخاب وجود دارد. در بُعد انتخاب می‌گویند شما به کسانی رأی دهید و کسانی را بر خودتان حاکم کنید که آن فرهنگ مصرفی و تولیدی را دنبال می‌کنند - لذت‌گرایی، تنبلی، تنوع‌گرایی، مادی‌گرایی. این فرهنگ اقتصادی متخاصم در بُعد انتخاب‌گری است. فرهنگ متخاصم با تزریق مفاهیمی چون رفاه‌طلبی و رفاه‌زدگی، خودبه‌خود در تقابل با روحیه مقاومت، جهاد، عزت و عدالت‌طلبی که از اهداف مکتب اقتصادی اسلام است و در مقابل کمال‌عبودیتی که قرار است در انسان شکل بگیرد، قرار می‌گیرند. وقتی این فرهنگ به داخل جامعه پمپاژ شود، کار برای ساختن مردمی که متناسب با فرهنگ اسلام عملیات اقتصادی انجام دهند، مشکل می‌شود.

تجربیات اقتصاد مردمی در دنیا

همه اقتصادها مردمی هستند، اما با اهداف و نقش‌های خودشان. اما در فرهنگ اقتصادی اسلام، اقتصادی مردمی است که اولاً مردم، خودشان در اقتصاد هدف باشند و ثانیاً این ایمان وجود داشته باشد که مردم ظرفیت‌هایی دارند که می‌توان در تحقق اهداف اقتصادی از آنها استفاده کرد. در مقطعی از تاریخ، در برخی کشورها این رویکرد پیاده شده است و از جهاتی شباهت‌هایی با دیدگاه اسلامی وجود داشته است، لکن در همین نمونه‌ها هم باز

نگوییم «مدیریت فرهنگ اقتصادی» مهمترین رکن مردمی‌سازی اقتصاد است می‌توان گفت که حداقل یک رکن بسیار مهم است. در بعد فرهنگ اقتصادی با آفت‌ها و خصوصیت‌هایی روبه‌رو هستیم که مهمترین آنها، «فرهنگ مهاجم» است. یعنی یک الگوی رفتاری در بُعد مصرف، تولید و انتخاب از جای دیگری می‌آید و ما در معرض الگوهای رفتاری بیگانه قرار می‌گیریم. گاهی آگاهانه فرهنگ و آداب رفتاری را کپی و نهادینه می‌کنیم و گاهی به دنبال کپی‌برداری نیز نیستیم

در فرهنگ اقتصادی اسلام، اقتصادی مردمی است که اولاً مردم، خودشان در اقتصاد هدف باشند و رفاه عمومی‌شان جزء اهداف اقتصادی باشد و ثانیاً این ایمان وجود داشته باشد که مردم ظرفیت‌هایی دارند که می‌توان در تحقق اهداف اقتصادی از آنها استفاده کرد.

ولی چون در معرض آن فرهنگ قرار گرفته‌ایم، به صورت خودکار، خوبی و خصلت آن فرهنگ را به خود می‌گیریم. این یکی از موانع جدی در مسیر تحقق فرهنگ اقتصادی مطلوب از منظر اسلام است. قطعاً هم‌زمان با حرکت‌های ایجابی که در راستای اعمال و تنفیذ فرهنگ اسلامی انجام می‌دهیم، باید حرکت‌هایی نیز در مقابله با این آفت‌ها و خصوصیت‌های فرهنگی خارجی انجام دهیم و راه‌های انتقال آن و کانال‌های اثرگذاری فرهنگ متخاصم را ببندیم. یکی از راه‌های بستن کانال‌های فرهنگ متخاصم، کنترل زبان‌های مبلغ همان فرهنگ متخاصم در کشور است. گاهی این زبان رسانه‌ها هستند و گاهی از دهان مسئولین در می‌آید. یعنی کسی را به عنوان کارگزار انتخاب کرده‌ایم، که زبانش متناسب با عقاید و فرهنگ اقتصادی غرب می‌چرخد و فرهنگ مصرفی و تولیدی و... غرب را ترویج می‌کند و فرهنگ اقتصادی اسلامی را تضعیف می‌کند. به عنوان مثال این روزها می‌بینیم متأسفانه عده‌ای بر فرهنگ «مان نمی‌توانیم» اصرار می‌کنند. این زبان آمریکایی‌هاست که در دهان

زیرمجموعه دولتی یا شبه دولتی، خود به خود فضا و عرصه برای رقابت بخش خصوصی تنگ و تنگ‌تر می‌شود. لذا بسیاری اوقات، بخش خصوصی مجال سر بلند کردن پیدا نمی‌کند. شاید یکی از علل اصلی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ این بود که مانع بزرگ بر سر راه بخش خصوصی - که همان بنگاه‌های دولتی و بزرگ اقتصادی هستند - برداشته شود و بخش خصوصی هم بتواند اندکی به حرکت درآید.

پیامدهای فرهنگ متضاد خارجی بر اقتصادی مقاومتی

وقتی می‌گوییم مردمی‌سازی اقتصاد، عملاً دو نوع فعالیت انجام می‌دهیم؛ یک فعالیت شامل فضا‌سازی است و دیگری شامل فرهنگ‌سازی. فضا‌سازی یعنی اینکه شرایط را در سطح کلان اقتصادی فراهم می‌کنیم تا مردم بتوانند نقش مورد نظر خود را ایفا کنند. وقتی می‌گوییم مردم توان تولیدی خود را بکار گیرند و بیکار نمانند، باید شرایط کلان اقتصادی را طوری تنظیم کنیم که آن حلقه‌های مفقوده که مردم برای تولید احتیاج دارند، در اختیارشان قرار بگیرد. مثلاً یک نظام مالی قوی و خوب ایجاد کنیم تا این تولیدکننده‌ها با بهره‌برداری از آن، تأمین مالی شوند و نیروی کار و مواد اولیه را به کار گرفته و تولید اتفاق بیفتد. یا اینکه فضای رانتی و مفاسد اقتصادی را ببندیم تا مردمی که تولیدکننده هستند و قرار است نقشی تولیدی را ایفا کنند، بدون مانع و دردسر، نقش خود را ایفا کنند. این مربوط به بحث فضا‌سازی است.

بعد دیگر مردمی‌سازی اقتصاد، فرهنگ‌سازی است. باید تحول و ارتقائی در خود مردم و انسان‌ها اتفاق بیفتد. فرهنگ یعنی نحوه انجام دادن کارها؛ فرهنگ اقتصادی هم یعنی نحوه انجام دادن کارهای اقتصادی، یعنی نحوه مصرف، نحوه تولید و نحوه انتخاب. با به‌هم‌پیوستن این‌ها فرهنگ اقتصادی تشکیل می‌شود.

وقتی اسلام می‌خواهد مردمی‌سازی کند، غیر از فضا‌سازی، براساس مبانی و روش‌هایی، به طراحی الگویی برای تنظیم عقاید، انگیزه‌ها و رفتارهای مردم در سه حوزه مصرف، تولید و انتخاب برای مردم اقدام می‌کند. این فرهنگ‌سازی، یعنی این انسان‌های پخته و آماده، وارد فضای آماده اقتصادی شوند و عملیات‌های اقتصادی مورد نظر اسلام را انجام دهند.

در این میان، آفت‌هایی نیز وجود دارد. همین طور که در سطح فضای اقتصادی آفت وجود دارد، در حوزه فرهنگ اقتصادی هم آفت‌هایی وجود دارد. اگر

فرهنگ متخاصم به دنبال این است که در حوزه مصرف، کشور هدف را به وابستگی بکشاند و در حوزه تولید به سمت ناکارآمدی پیش برود.

با نگاه اسلامی فاصله و زاویه وجود دارد. برای نمونه اتفاقاتی که بعد از جنگ جهانی دوم در کشورهای تخریب شده و کشورهای اروپای غربی - مانند آلمان - افتاد و این کشورها با انکا به مردم خود، کشورشان را ساختند یا اتفاقی که در اقتصادهای نوظهور - هند و چین و برزیل - افتاده است را می‌توان ذکر کرد. این کشورها تصمیم گرفتند که فضا را آماده کنند، اعتماد کنند، پشتیبانی کنند تا خود مردم اقدام به تولید کنند و الگوی مصرفی خود را اصلاح کنند. در دوران معاصر بارزترین نمونه اقتصاد مردمی

یک مسئول در ایران می‌چرخد! فرهنگ متخاصم به دنبال این است که در حوزه مصرف، کشور هدف را به وابستگی بکشاند و در حوزه تولید به سمت ناکارآمدی پیش برود و به سمت معطل و بیکار گذاشتن عوامل تولید سوق دهد. وقتی فرهنگ متخاصم مفهومی به نام «بیکاری داوطلبانه» را به عنوان مفهومی ارزشمند! مطرح می‌کند و در قالب کتاب‌های درسی به خورد مصرف‌کننده و تولیدکننده ایرانی می‌دهد، یعنی آن فرهنگ اسلامی کار، که در اذهان است، نمی‌تواند پیاده شود. بیکاری داوطلبانه یعنی اینکه: من به شرطی کار می‌کنم که حقوقم مثلاً سه میلیون

1. leisure
2. labor

اقتصاد مقاومتی جانشینی برای اقتصاد آزاد

■ علی اکبر ناسخیان ■ کارشناسی ارشد اقتصاد و فلسفه ■

ملی از اصل آزادی اقتصادی بهره برده‌اند. در این نوشتار برای پاسخ به این سوال شواهدی را به لحاظ تاریخی ذکر می‌کنیم که نشان دهنده آن است که نظام بازار آزاد عملاً در این کشورها در موارد متعددی نقض شده است.

۱- کمپانی‌های کشورهای غربی، و بعدها شرکت‌های چندملیتی، یکی از نهادهای مهم و مؤثر ثروت افزایی محسوب می‌شدند. این کمپانیها در موارد متعددی سازوکار بازار آزاد را به نفع خود تغییر می‌دادند و قوانین آنرا نقض می‌کردند. موريس داب در کتاب «در زاد و رشد سرمایه‌داری» می‌نویسد: در زمان سلطنت جیمز اول (۲۵-۱۶۰۳) کمپانی لوانت نه تنها مقدار عرضه را کنترل می‌کرد بلکه برای محصول خاور نزدیک، حداکثر قیمت خرید را هم

اقتصاد مقاومتی صرفاً یک سیاست یا راهبرد زمان مند نیست بلکه گفتمان علمی جدیدی است که می‌تواند همچون بدیل اقتصاد آزاد قلمداد شود. اقتصاد آزاد و یا به تعبیر دیگر اقتصاد بازار آزاد، بعد از تفکرات ادام اسمیت، همچون گفتمان عمومی علم اقتصاد درآمده است. جریانات معارض سرمایه داری، همچون سوسیالیسم پرودون و رابرت اون و نیز نظام مارکسیسم، گستره حملات خود را بر محور مالکیت خصوصی متمرکز نمودند. مالکیت خصوصی هرچند مؤلفه‌ای محوری در ساخت یک نظام اقتصادی است، اما تنها مؤلفه آن به شمار نمی‌رود. از همین رو جریانات معارض دیگر نظیر اقتصاد مکتب تاریخی و نهادگرایان با تمرکز بر محور آزادی مبادلات و انتقاد از آن، دستگاه تحلیلی نئوکلاسیک را مورد حمله قرار

اقتصاد مقاومتی صرفاً یک سیاست یا راهبرد زمان مند نیست بلکه گفتمان علمی جدیدی است که می‌تواند همچون بدیل اقتصاد آزاد قلمداد شود.

تعیین می‌کرد» (داب ۱۳۷۹، ص ۱۲۵). همان‌طور که می‌دانیم کمپانی لوانت (Levant) در قرن شانزدهم میلادی به وجود آمد و برخی سهامداران آن بعدها سهامدار کمپانی هند شرقی نیز بودند. این کمپانی و اقدام به انحصار خرید یا فروش کالاها نمودند و قیمت را کنترل می‌کردند.

۲- اصناف نیز از گروه‌هایی تشکیل می‌شدند که سعی در تصرف و کنترل بازار داخلی و خارجی داشتند. داب در بخش دیگری از کتابش درباره اصناف انگلستان می‌نویسد: «صنعت پدری به معنای حق موروثی پسر بر صنعت پدر بود. صنفاهای صنعتی انگلستان قبلاً این حق را به دست آورده بودند که با توسل به دو شرط مانع از ورود هر تازه واردی به صنعت خودشان شدند: یکی آنکه هیچ کس نمی‌توانست به عنوان استاد شروع بکار کند مگر آنکه قبلاً آزادی خاص شهروندی را به دست آورده باشد و دیگر آنکه این آزادی به هیچ کس داده نمی‌شد مگر با توصیه و ضمانت ۶ عضو خوشنام در صنعت مورد

دادند. طرح مسئله هزینه‌های مبادله از طرف رونالد کاوز نمونه‌ای از این نقدها محسوب می‌شود. علاوه بر نهادگرایان، نظام برنامه‌ریزی اتحاد جماهیر شوروی نیز با استقرار نظام برنامه‌ریزی متمرکز، عملاً جنبه آزادی طلبانه مبادلات اقتصادی را مورد نقد قرار داد و نظام تخصیص و توزیع را نه در اختیار بازار بلکه تابع برنامه‌ریزی دولتی قرار داد. پیش از لنین و استالین، مارکس نیز چگونگی استثمار طبقات و توده‌های کارگر را در روابط مبادله آزاد مورد نقد و بررسی قرار داده بود، هرچند مسئله آزادی اقتصادی به طور مستقیم دغدغه او نبود. اکنون به دنبال تبیین آراء و افکار نامبردگان نیستیم، بلکه اجمالاً مسئله آزادی اقتصادی و منافع ملی را مورد توجه قرار می‌دهیم. آزادی طلبان معتقدند منافع ملی با پیروی از اقتصاد آزاد تأمین می‌شود و معارضان معتقدند اقتصاد آزاد منافع ملی را به مخاطره می‌افکند.

این نکته برای گفتمان اقتصاد مقاومتی حائز اهمیت است که کشورهای غربی که عمدتاً هوادار اقتصاد آزاد بوده‌اند، تا چه میزان در تأمین منافع

براساس دیدگاه اسلامی را در دوران انقلاب اسلامی داریم. بعد از پیروزی انقلاب، بسیاری از نهادهای اقتصادی مردمی بوده‌اند؛ جهادسازندگی یک نهاد اقتصادی کاملاً مردمی بود که اعضای مردم بودند. مردم بیل دست می‌گرفتند، کانال آبیاری درست می‌کردند، برق کشی می‌کردند و بهداشت ایجاد می‌کردند. گروهی از این افراد با روحیه جهادی، به صورت رایگان کار می‌کردند و گروهی هم دستمزد می‌گرفتند اما به هر حال از توان و پتانسیل خود مردم استفاده می‌شد. همچنین در دوران دفاع مقدس، بخشی از کارها در جبهه‌ها اقتصادی بود، بخشی فناوری و بخشی هم نوآوری بود. در جبهه‌ها هم گاهی توده مردم با نگاه عزتمندانه، مجاهدانه و عدالت خواهانه وارد می‌شدند و شرایط مطلوبی را ایجاد می‌کردند.

در سال‌های اخیر، در سال‌های ۷۹ و ۸۰ به بعد، بحث بسیج سازندگی و استفاده از ظرفیت بسیجیان برای سازندگی به عنوان یکی از مصادیق جدی مردمی کردن اقتصاد مطرح شده است. هم اکنون، هم در بُعد مصرف فعالیت می‌کنند و هم وارد عرصه تولید شده‌اند. در بُعد فرهنگ اقتصادی هم اقدامات خوبی شده است اما به هیچ عنوان کافی نیست. اقتصاد جهادی یکی از نمادهای مردمی شدن اقتصاد است. سهم اقتصاد جهادی در اقتصاد ایران باید خیلی بیشتر باشد ولی به هر حال در این مسیر حرکت‌هایی در حال انجام است. آن اتفاق مهمی که باید در اقتصاد ایران رخ دهد این است که حاکمیت - شامل سه قوه - باید اولاً تفکرات خود درباره اقتصاد مردمی را در چارچوب اقتصاد اسلامی اصلاح و تکمیل کنند، ثانیاً در دو حوزه فضا سازی و فرهنگ سازی همت جدی داشته باشند. اگر این سه قوه این کارها را انجام دهند، اقتصاد کشور و جامعه ما این پتانسیل را دارد که حرکتی جدی انجام دهد و می‌توانیم شاهد جهشی در اقتصاد کشور باشیم. نتیجه این خواهد بود که اقتصادی درون‌زا، اقتصادی مقاوم و پیشرفته و دائماً رو به جلو خواهیم داشت؛ اقتصادی که تحریم‌ها و خصومت‌ها جلوییش را نخواهد گرفت؛ اقتصادی که دچار کمبود نخواهد شد و رفاه عمومی در این اقتصاد، ارتقاء خواهد یافت. مسئله بیکاری در این اقتصاد بسیار «خنده‌دار» خواهد بود، چرا که به زودی متوجه خواهیم شد که نه تنها کل نیروی کار فعلی را نیاز داریم، بلکه باید به فکر افزایش قابل توجه جمعیت هم بود. در چنین شرایطی ساختارها و تشکیلات اقتصادی به دست خود مردم، واقعاً بازسازی خواهد شد. اینها همه به شرط این است که سه قوه در دو حوزه فضا سازی و فرهنگ سازی اقداماتی جدی انجام دهند و حرکتی روبه جلو داشته باشند. سرانجام، اقتصادی خواهیم داشت که باعث تکامل فرد و جامعه شده و انسانیت را به سمت کمال مطلق و عبودیت و ربوبیت حرکت می‌دهد؛ چرا که عبودیت جوهره کهنه‌الربوبیت است. افق عبودیت کاملاً روشن است؛ باید به ربوبیت برسیم (این امتیاز بزرگی که خدا برای انسان گذاشته است). فضای اقتصاد به نحوی خواهد شد که تک تک انسان‌ها به صورت فردی و جامعه به صورت یک کل واحد، در مسیر عبودیت و تکامل قرار خواهد گرفت. ■

الگوی کسب و کار تولید محور

■ علی سعیدی ■ دکتری اقتصاد ■

یکی از ارکان مهم اقتصاد، تولید ثروت است به گونه‌ای که قوام اقتصاد و معیشت یک کشور، به میزان تولید ثروت در آن بستگی دارد. اقتصادهای قوی عمدتاً اقتصادهایی هستند که پایه‌های تولیدی آن‌ها مستحکم است. البته هر تولیدی ارزشمند نیست بلکه تولید باید ناظر به رفع نیازهای انسان باشد. علاوه بر اینکه تولید «چه چیزی» اهمیت دارد، «شیوه تولید» نیز جایگاه بنیانی در اقتصاد کشور دارد و ساختارهای اقتصادی جامعه را شکل می‌دهد. روش تولید کالا هم روابط و هم رفتارهای بازیگران اقتصادی را تعیین می‌کند. در نظام سرمایه‌داری که امروزه در اکثر نقاط دنیا گسترش یافته است، کارآفرین و سرمایه‌دار ارکان اصلی تولید به شمار می‌روند که با استخدام نیروی کار و زمین و ماشین‌آلات و فناوری‌های تولید، اقدام به تولید ثروت می‌کنند. در این شیوه تولید که مبتنی بر «انباشت» است، ابتدا باید سرمایه و تجهیزات به میزان زیاد فراهم شود تا به اندازه راه‌اندازی کارخانه‌های بزرگ با خط تولیدهای عظیم برسد سپس تولید «انبوه» صورت بگیرد. در این روش، اولاً سود و منفعت اصالت دارد و انگیزه‌های دیگر انسانی یا به کلی نادیده گرفته می‌شوند یا اینکه در حاشیه قرار دارند؛ ثانیاً فناوری و تقاضای بازار که اغلب توسط دستگاه‌های تبلیغاتی به طور کاذب ایجاد شده‌اند، میزان و نوع و کیفیت تولید را تعیین می‌کند و نیازهای واقعی مصرف‌کنندگان و اقتضات فرهنگی و ارزشی تولید نادیده انگاشته می‌شوند؛ ثالثاً با گسترش تفکر بازاری، سعی می‌شود برای همه عواملی که در تولید مشارکت دارند، بازار تولید کند تا صاحبان سرمایه و کارآفرینان، اقلام مورد نیاز خود را از بازار «خریداری» کنند. از جمله آن می‌توان به «کار» کارگران اشاره کرد. این امر باعث تفکیک وجود کارگر از کار کارگر می‌شود و علاوه بر تبعات گسترده فرهنگی و اخلاقی، کارگران را به مثابه ماشین‌هایی مکانیکی در نظر می‌گیرد که صرفاً به اندازه‌ای برای آن‌ها هزینه می‌شود که بتواند مجدداً در روز یا هفته یا ماه آینده سر کار بیاید نه به اندازه‌ای که حق دارد و در تولید مشارکت می‌کند؛ رابعاً بنگاه‌های بزرگ با افزایش مقیاس تولید، سهم زیادی در بازار را به خود اختصاص می‌دهند و این امر باعث حذف رقباي خرد و در نتیجه بیکاری عده

منتقدین اقتصاددان معروف، ژوزف استیگلیتز است. وی می‌گوید: «سیستم سرمایه‌داری مدرن بر سرمایه‌گذاری دراز مدت مبتنی است و این یکی از موارد شکست بازار است. هیچ بازاری برای کالا و خدمات که گستره آن به آینده می‌رسد، وجود ندارد. بنگاه‌ها باید امروز سرمایه‌گذاری کنند ولی تنها می‌توانند قیمت‌ها (تقاضای آینده کالاهایی را که

بازارسازی به هیچ وجه با سیاست‌های انفعالی پیروی از سازوکار بازار آزاد سازگاری ندارد و عملاً به دنبال ایجاد شرایطی جدید برای تعیین میزان فروش و یا قیمت است.

این سرمایه‌گذاری‌های امروز در سال‌های بعد تولید می‌کند، تخمین بزنند. اینکه افراد و بنگاه‌ها چطور این تخمین را می‌زنند - یعنی چگونه انتظاراتشان را فرمول بندی می‌کنند - از موضوعات چالش برانگیز است... وقتی که مجموعه کاملی از بازارهای ریسک وجود نداشته باشند، حداکثرسازی سود لزوماً به افزایش کارایی بازار نمی‌انجامد. در شرایط فقدان بازارهای ریسک، تجارت آزاد وضع افراد را بدتر می‌کند و آزاد سازی بازار سرمایه بجای تثبیت اقتصاد به تزلزل آن می‌انجامد» (استیگلیتز ۲۰۰۹).

اقتصاد آزاد به عنوان یک اصل اقتصادی سال‌هاست که در مقام عمل و نظر نقض شده است. امروزه در علم اقتصاد مدل‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد قیمت بهینه نه در یک لحظه و یا یک نقطه، که محصول تعامل آزاد عرضه و تقاضاست، بلکه در یک روند بلندمدت و با همکاری و تعامل اجتماعی ایجاد می‌شود. اهمیت یافتن سرمایه اجتماعی و سرمایه معنوی در تحلیل‌های اقتصادی نشان دهنده آن است که ایجاد اعتماد در طبقات مختلف جامعه و همراهی و همدلی مردمی رکن اساسی و اصیل تحلیل اقتصادی است.

این بیان نه به معنای نفی مطلق مبادلات آزاد است و نه به معنای اثبات مطلق حمایت‌گرایی است. بلکه مستلزم آن است که رقابت آزادانه در تجارت و تولید و توزیع، یک اصل جهانشمول و غیرمانمند محسوب نمی‌شود. در مقابل آنچه رکن اصلی اقتصاد را تشکیل می‌دهد عبارتست از حفظ منافع ملی در یک مسیر پایدار بلندمدت؛ که البته بدون مشارکت مردمی امکان پذیر نیست. این اصل یکی از محورهای کلیدی اقتصاد مقاومتی است.

منابع

داب، موریس؛ مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه‌داری؛ حبیب الله تیموری؛ نشرنی، ۱۳۷۹.
ژان لوئی ریفرو و همکاران، شرکت‌های فراملیتی و توسعه درون‌زا، مترجم: فاطمه فراهانی، عبدالحمید زرین قلم، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۲.
Stiglitz, Joseph; "Introduction of Selected Works of Joseph E. Stiglitz: Volume I: Information and Economic Analysis"; Oxford University Press 2009. ■

نظر او) (همان، ص ۱۲۷ و ۱۲۶).
قصد اصلی انحصارگر صنفی همیشه بر این بوده است که وضعیت فزونی عرضه در بازار خرید و وضعیت فزونی تقاضا در بازار فروش را حفظ کند (و اصولاً انحصارات در همین جهت بکار بسته می‌شد) و این خط‌مشی را که مخصوص صنف‌ها و یگانه‌خری بود، کمپانی‌های سوداگر صادرکننده در سراسر کشور

نیز به کار می‌بستند. این امر موجب فشار بیشتر بر تولید کنندگان برای افزودن به شمار تولید کنندگان به قصد پدید آوردن منابع جدید و ارزان‌تر عرضه می‌شد. عرضه را می‌شد هم از راه کاهش دادن اجرتی که صنعتگر حاضر بود در ازای کارش بپذیرد و هم از راه کمک به بهبودی سازماندهی کار (مثلاً با تقسیم بهتر کار در میان رشته‌های صنعتی) ارزان کرد. سعی بر این بود که بهای عرضه از طریق وابسته تر کردن تولید کنندگان به تنها یک منبع تقاضا برای فرآورده آنان و هم چنین از طریق افزودن به وسعت منطقه‌ای که می‌شد عرضه کالا را از آنجا بسوی یک بازار خاص کشاند، کاهش داده شود. (همان، ص ۱۳۸).

۳- شرکت‌های چندملیتی در دوران اخیر نیز نه تنها در سیاست‌گذاری‌های دولتی متبوع خود دخالت دارند، بلکه بر سیاست بین‌الملل و نیز سلیق مردم دنیا که طرف تقاضای جهانی را شکل می‌دهد نیز تاثیر گذارند. لوئی ریفرو و همکارانش (۱۳۷۲) معتقدند: «این شرکت‌ها گرایش دارند عادات مصرفی را به گونه‌ای که به سود آنها باشد شکل دهند و بنابراین درصدند تا فرآورده‌های خود را جایگزین کالاهای سنتی کنند و برای برخی کالاها و خدمات خود تقاضای تجارتي منظمی که قبلاً وجود نداشته وجود آورند» (ص ۱۵۰). همان‌طور که پیداست این شیوه‌ها را نمی‌توان در اصطلاح ساده بازاریابی محدود کرد بلکه باید اصطلاح بازاریابی را برای آن به کار برد. بازاریابی به هیچ وجه با سیاست‌های انفعالی پیروی از سازوکار بازار آزاد سازگاری ندارد و عملاً به دنبال ایجاد شرایطی جدید برای تعیین میزان فروش و یا قیمت است.

۴- تجارب کشورهای مختلف در سده‌های اخیر نشان می‌دهد که این کشورها در موارد متعدد برخلاف خط مشی تجارت آزاد قدم برداشته‌اند. بعنوان مثال آلمان در اواخر قرن ۱۹ حمایت از صنایع نوپا را افزایش داد. فرانسه در سالهای ۱۸۹۶-۱۹۱۴ در پی اعتراض کشاورزان تعرفه‌های جدیدی وضع کرد و حمایت دولت از غلات و گوشت را در دستور کار خود قرار داد. ایالات متحده نیز در سال ۱۹۲۹ بعد از سقوط سهام، برای حمایت از تولیدکنندگان، عوارض گمرکی خود را تا ۵۰ درصد افزایش داد.

نمونه‌های فراوان دیگری را نیز می‌توان به فهرست بالا افزود که مجال طرح آن در این نوشتار وجود ندارد. به هر حال علاوه بر شواهد تاریخی، به لحاظ نظری نیز دفاع از اقتصاد آزاد به عنوان یک اصل، مورد مناقشات جدی قرار گرفته است. یکی از این

زیادی از کارکنان مولد کارگاه‌های خرد می‌شود. البته شیوه تولید مبتنی بر تصدی‌گری دولت و تبدیل شدن آن به یک کارفرمای بزرگ نیز خطرات و آسیب‌های دیگری را نیز به دنبال دارد. در این شیوه، رقابت و انگیزه برای ارتقای کیفیت تولید از بین می‌رود؛ مدیران و دست‌اندرکاران دولتی به سبب برخورداری از رانت‌های اطلاعاتی گسترده، سبب ایجاد فساد در نظام اقتصادی می‌شوند؛ آزادی انسان‌ها به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

علاوه بر اینکه تولید «چه چیزی» اهمیت دارد، «شیوه تولید» نیز جایگاه بنیانی در اقتصاد کشور دارد و ساختارهای اقتصادی جامعه را شکل می‌دهد.

و نه تنها انسان‌ها مالک تولید خود نیستند بلکه در انتخاب مصرف خود نیز اختیار چندانی ندارند؛ در اینجا نیز تولید متوقف بر انباشت است اما نه انباشت بخش خصوصی بلکه انباشت بخش دولتی. در کنار این دو شیوه تولید، شیوه سوم نیز وجود دارد که مبتنی بر نگرش‌های اسلامی است. در این شیوه، نه از مافیای گسترده بخش خصوصی خبری هست و نه از تصدی یکپارچه دولت. این شیوه تولید که به «شیوه تولید مردمی» مشهور است مبتنی بر اصل مشارکت آحاد مردم در فرایند تولید اقتصادی است. در این شیوه، مردم در قالب گروه‌های کوچک، اقدام به راه‌اندازی کارگاه‌های خرد تولیدی می‌کنند و ناظر به نیاز خود و خانواده و محله و منطقه خود، دست به تولید می‌زنند. این شیوه تولید، مبتنی بر انباشت و تکثیر نیست بلکه در واقع مبتنی بر تکثیر است یعنی در آن به جای ایجاد یک کارخانه بزرگ انحصاری، ده‌ها کارگاه خرد تولیدی با مدیریت غیرمتمرکز ایجاد می‌شود که هر یک ناظر به رفع نیاز محدودده‌ای خاص، اقدام به تولید می‌کند. انگیزه تولید در این شیوه، رفع نیازهای واقعی مصرف‌کنندگان است و به دلیل کوچک بودن و محلی بودن کارگاه‌ها، شفافیت اطلاعات و ارتباطات انسانی وجود دارد؛ تولیدکنندگان، مالک تولیدات خود هستند و آن‌ها را در اختیار مصرف‌کنندگانی قرار می‌دهند که شناختی ولو اجمالی از آن‌ها دارند. خود این ارتباط و شناخت، باعث ایجاد و تحکیم روابط انسانی می‌شود و به‌طور خودکار، اعتماد و امنیت اقتصادی را در فضای عمومی جامعه افزایش می‌دهد. علاوه بر این، محلی بودن کارگاه‌ها باعث کاهش شدید هزینه‌های حمل‌ونقل و انبارداری و بازاریابی می‌شود و لذا کارایی در تولید را افزایش و قیمت‌های نهایی را کاهش می‌دهد. با توجه به متکثربودن کارگاه‌های تولیدی، امکان رقابت واقعی گسترده برای ارتقای کیفیت وجود دارد و به دلیل ارتباط چهره‌به‌چهره و انسانی تولیدکننده و مصرف‌کننده، نیازهای مصرف‌کننده در فرایند تولید بهتر لحاظ شده و محصول بهینه‌تری تولید می‌شود. همچنین تعداد زیاد تولیدکننده و ارتباط مستقیم آن‌ها با مصرف‌کننده، باعث تضعیف یا از بین رفتن

فعالیت‌های دلالی و واسطه‌گری می‌شود؛ امری که در شیوه‌های دیگر باعث افزایش شدید قیمت نهایی مصرف‌کننده و اختلاف چندین برابری قیمت تولیدکننده و قیمت مصرف‌کننده می‌شود! شیوه تولید مردمی بر این اصل عقلایی استوار است که هدف غایی از فعالیت اقتصادی، تأمین معاش افراد و خانواده‌ها است و این امر مستلزم اصالت‌داشتن تولید و انجام فعالیت‌های مولد و کاهش دادن هزینه‌های مبادلاتی و اداری و

حمل‌ونقل و انبارداری و... است. در وضعیتی که تأسیس بنگاه‌های بزرگ تولیدی، هم هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد و هم گردش ثروت را به نفع عده خاصی که عمدتاً به رانت‌های گوناگون دسترسی دارند یا به هر طریق دیگری، سرمایه‌های کلانی را گردهم آورده‌اند، تغییر می‌دهد و علاوه بر آن، با رواج فرهنگ مزدبگیری و بیگانگی کارگزار حاصل دسترنج خود، پیامدهای فرهنگی و امنیتی و اجتماعی لاینحلی را به دنبال دارد، بهتر است به شیوه‌های دیگر مبتنی بر مشارکت مردم روی آورد تا مردم خودشان و برای خودشان تولید کنند. این شیوه تولید علاوه بر اینکه حائز ملاک‌های کارایی و بهینگی اقتصادی است، مخاطرات اقتصادی را به حداقل کاهش می‌دهد و به نوعی مردم را در مقابل شوک‌های اقتصادی طبیعی یا تحمیلی خارجی، مصون می‌سازد. اساساً مهم‌ترین ویژگی تکثیرگرایی در تولید و نفی انحصار و انباشت در مقاوم‌سازی بدنه اقتصاد است به‌گونه‌ای که ثبات اقتصادی توأم با رشد

موجودی ذوابعاد است و فعالیت‌های او منبعث از انگیزه‌های متعددی است. لذا محدودکردن محرک‌های انگیزه‌های انسان به صرف سودجویی و نفع‌پرستی، نه تنها باعث ناکارآمدشدن و غیرواقعی شدن تحلیل‌ها می‌شود بلکه اساساً این نوع نگاه، توهین به انسان است چرا که وجود انسان را در حد حیوانات و بهائم تنزل داده است. فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی انسان بیش از آنکه ناشی از حس سودجویی مادی باشد، متأثر از دیگر انگیزه‌ها از جمله رفع نیاز خود و اطرافیان یا ایجاد اشتغال یا حتی انگیزه‌های معنوی‌تر مثل عمران و آبادانی زمین یا خدمت به جامعه و محرومان و یا انجام تکلیف شرعی است.

در درون این شیوه تولید، نوعی توازن اجتماعی وجود دارد چرا که هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده و هم نهادها و ساختارهای اقتصادی جامعه براساس نقش واقعی خود در اقتصاد سهم می‌برند. به دلیل پرتنگ بودن روابط انسانی و در نتیجه عواطف انسانی در این شیوه تولید، احساس مسئولیت و خیرخواهی در مردم تقویت می‌شود و فرهنگ کار به اندازه وسع و مصرف به اندازه کفاف در جامعه نهادینه می‌شود. این فرهنگ به‌عنوان حریمی برای تجاوز به حقوق و استثمار یکدیگر عمل می‌کند و رشد اقتصادی را به طرز چشمگیری افزایش می‌دهد. در واقع به دلیل اعتماد و امنیتی که در این شیوه تولید در اقتصاد حاکم می‌شود، هر کس تلاش می‌کند به نوبه خود و در حد توان خود به رشد و توسعه اقتصادی جامعه کمک کند و در این مسیر نه تنها کم‌کاری نمی‌کند بلکه تمام وجود خود را وقف این هدف متعالی می‌کند. منطق درونی تحرک اقتصادی در این شیوه تولید، احساس مؤثر بودن و نقش‌داشتن همه آحاد جامعه در دستاوردها و پیشرفت‌ها و همچنین شکست‌ها و ناکامی‌های جامعه است و لذا فضای عمومی اقتصاد به‌گونه‌ای می‌شود که مردم به جای افزایش

در این شیوه تولید که به «شیوه تولید مردمی» مشهور است... مردم در قالب گروه‌های کوچک، اقدام به راه‌اندازی کارگاه‌های خرد تولیدی می‌کنند و ناظر به نیاز خود و خانواده و محله و منطقه خود، دست به تولید می‌زنند.

سهم مصرفی خود از منابع و امکانات کشور به دنبال افزایش سهم تولیدی خود در ثروت جامعه باشند. دولت در این شیوه تولید، نقش هدایت‌گر و تسهیل‌گر تولید را به بر عهده دارد و در موارد تراحم و تعارض میان مردم، در موضع داور و موازنه حقوق قرار می‌گیرد. در واقع حکومت به‌عنوان شکل‌دهنده و تعدیل‌کننده ساختارها و نهادهای جامعه، وظیفه دارد روح مشارکت و مسئولیت‌پذیری را در مردم به‌گونه‌ای ساختاری نهادینه کند و با فرهنگی کردن و معنوی کردن فضای کسب‌وکار، زمینه مسابقه خیرات را در عرصه اقتصاد فراهم کند. ■

حقیقی تولید و عمران و آبادی زمین را به همراه دارد. البته ممکن این سؤال برای عده‌ای پیش بیاید که وقتی در این شیوه تولید دیگر از سودها و درآمدهای کلان خبری نیست چگونه افراد اقدام به فعالیت اقتصادی می‌کنند. این سؤال به انگیزه تولید بر می‌گردد. به عقیده اینان، انگیزه تولید منحصر در نفع شخصی مادی و پولی است حال آنکه انسان

۱. البته این شیوه تولیدی پدیده‌ای صرفاً ذهنی و تخیلی نیست بلکه در سال‌های نه چندان دور و خصوصاً در دوره تمدن اسلامی این شیوه تولید در سرتاسر حوزه نفوذ اسلام از قلب هند و چین تا آندلس و جنوب اروپا و غرب آفریقا گسترش داشته است.



نقش نیروهای مسلح در تقویت توان پدافندی اقتصاد

■ مرتضی غضنفرنژاد ■ کارشناسی ارشد اقتصاد ■

رادار، کشتی، ناو، تعمیرات کشتی و ناو، تولید ماشین‌ها و کشتنده‌های مختلف، مواد اولیه‌ای که در تولید محصولات مختلف جنگی و صنعتی تاثیر دارد و... در قالب‌های مختلف همانند یک بنگاه اقتصادی عرضه می‌کنند و همانند یک بنگاه اقتصادی، محصولات و توانمندی‌های خود را که جنبه اقتصادی و تجاری دارند را عرضه می‌کنند و از این راه منابع بسیاری را کسب می‌کنند.

تبدیل فناوری‌های غیرنظامی به کاربردهای نظامی یا فناوری‌های دو منظوره راهبرد اصلی ایالات متحده در زمینه نظامی-صنعتی است. در واقع، فناوری‌های غیرنظامی و نظامی می‌توانند تغییر کاربرد داده و قابلیت دیگری پیدا نمایند. همان‌طور که فناوری‌های غیرنظامی همچون صنعت الکترونیک در توسعه تسلیحاتی و میدان‌های نبرد کاربرد دارند، فناوری‌های نظامی نیز در مواردی همچون استحکام‌سازی ساختمان‌ها در برابر زلزله نیز به کار می‌روند. این دخالت تا حدی بوده است که آمریکا در طول جنگ عراق به بخش خصوصی خود اجازه شرکت داده است و جنگ برای بسیاری منافع شخصی را به دنبال خواهد داشت (Butts, Kent (ed) 1994).

امروزه بسیاری از فناوری‌های اصلی نظامی تنها در تسلیحات و ادوات جنگی کاربرد ندارد، بلکه از این فناوری‌ها در جمع‌آوری و گسترش اطلاعات و ارتباطات و نیز افزایش سرعت نقل و انتقال نیروها استفاده می‌شود. تسری فناوری‌های نظامی نه تنها در گسترش توان نظامی مؤثر است بلکه به حیات روزمره مردم عادی تسهیل گردیده است. یکی از مهمترین اختراعات پنتاگون در حوزه تکنولوژی‌های ارتباطی که امروزه دنیا را تکان داده است، اینترنت است. تاریخ اینترنت با توسعه کامپیوترهای الکترونیکی در دهه ۱۹۵۰ میلادی و در نیروی دریایی آمریکا شروع گردید. گسترش این صنایع و فناوری‌ها، نه تنها توان نظامی آمریکا را تغییر داده است بلکه قدرت جاسوسی و راهبری فکری و فرهنگی ایالات متحده را افزایش داده است.

علاوه بر این، در میان نیروهای چهارگانه ارتش آمریکا، نقش نیروی دریایی این کشور در اقتصاد داخلی و تعاملات بین‌المللی این کشور بارز می‌باشد. در کنار نقش تاریخی ناوگان دریایی

اثرگذاری در صنایع مختلف کشور، هم اکنون نیز توانایی حضور در اقتصاد و استفاده از پتانسیل‌های خود را دارند و استفاده از توانمندی‌های نیروهای مسلح در بخش عمرانی و مهندسی در کشور بسیار مفید و سازنده خواهد بود. یکی از موفقیت‌های بارز نظامیان در عمران و آبادانی کشور جهت از بین بردن ویرانی و خرابی‌ها و سازندگی کشور پس از هشت سال جنگ تحمیلی می‌باشد. تصمیمی که در دوران فعالیت دولت هاشمی رفسنجانی گرفته شد و با تأسیس پایگاه فنی مهندسی قرب یا خاتم (بادستور مقام معظم رهبری) جنبه عملیاتی به آن داده شد. جایگاه بخش فنی مهندسی نیروهای مسلح به دلیل توانمندی‌هایی که در طول جنگ در بخش ساخت و ساز به دست آورده بودند بیشترین توانمندی را در اجرای پروژه‌های زیربنایی دارا بودند. بر این اساس در این تحقیق به بررسی دلایل شرکت این نهادها در اقتصاد ملی و گسترش اقتصاد

البته من اعتقاد این است که این سازندگی، در درجه اول در محدوده خود این سازمان [ارتش] باید انجام گیرد. هر کدام از سازمان‌های نظامی، سازندگی را باید از خودشان شروع کنند. البته، اگر توانستند در سازندگی‌های عمومی کشور هم شرکت کنند، مانعی ندارد. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی زمینی ارتش (۷۲/۷/۲۸)

نحوه و میزان مشارکت نهادهای نظامی در اقتصاد یکی از مسائلی است که هم اکنون در خصوص نظامیان مطرح است. عده بسیاری اعتقاد دارند که حضور نظامیان در اقتصاد در بلندمدت به زیان اقتصاد کشور می‌باشد. بر این اساس نیروهای نظامی در حال حاضر رقابتی بخش خصوصی هستند و با این

عدم استفاده صحیح از ظرفیت نیروهای مسلح تنها شبهه‌ای است که از سوی کشورهای غربی به کشورمان تحمیل می‌شود تا قدرت صنعت نظامی کشور کاهش پیدا کند.

مردمی می‌پردازیم.

🔗 **لزوم مشارکت بخش‌های نظامی در اقتصاد**

تجربه کشورهای توسعه‌یافته در استفاده از توان صنایع نظامی

امروزه صنایع نظامی، صرفاً فعالیت‌های نظامی انجام نمی‌دهند بلکه مجتمع‌های نظامی صنعتی می‌باشند. بنابر اعلام وزارت دفاع آمریکا، این وزارتخانه وظیفه راهبری دانش و فناوری را در بخش نظامی بر عهده دارد و آنها را به صورت آنلاین در اختیار سایر بخش‌ها قرار می‌دهد. به عبارت دیگر نیروهای دریایی، زمینی و... در کشورهای پیشرفته، آخرین محصولات خود را در زمینه تولید

روش، بخش خصوصی در ایران توسعه پیدا نمی‌کند. به عبارت دیگر این عده اعتقاد دارند که گسترش بخش‌های دولتی، نظامی و کشوری سبب می‌شود که فضای رقابتی در کشور ایجاد نشود و تنها عده‌ای به تولید و سودآوری دست بزنند که کارایی فرآیند خصوصی‌سازی را ندارند. همچنین این مسئله سبب می‌شود تا قدرت نظامیان در کشور توسعه پیدا کند و از نظر امنیتی نیز برای کشور مسئله ایجاد کند. وجود شرکت‌های دولتی و نظامی در اقتصاد سبب می‌شود تا شفافیت در اقتصاد ایجاد نشود و منابع در اختیار دولتمردان و نهادهای وابسته به دولت باقی بماند. در این میان، عده‌ای نیز اعتقاد دارند که نیروهای مسلح به دلیل تجربه کافی در عرصه‌های نظامی و آزمونی که در زمان جنگ پس داده‌اند و پتانسیل‌های اقتصادی ویژه‌شان همانند اراضی، گردش مالی بالا،

ایالات متحده در شکل گیری این کشور، صنعت نیروی دریایی آمریکا بسیار قدرتمند و منحصربه فرد است. در واقع، ناوگان دریایی ایالات متحده به صورت مستقیم و غیرمستقیم به خلق و حمایت از صدها و هزاران مورد شغل در گوشه و کنار آمریکا کمک نموده است. افزون بر این، بهبود امنیت اقتصادی و نظامی، تأمین لجستیکی ارتش آمریکا و نهایتاً تنظیم بخش اعظمی از تجارت خارجی این کشور، از مزایای نیروی دریایی آمریکا هستند. کاهش هزینه‌های حمل و نقل دریایی، حفظ محیط زیست و گسترش تجارت بین الملل به عنوان محرک اقتصاد بین الملل آمریکا از نقش‌های گسترده نیروی دریایی این کشور می باشد (بیزدان پناه، ۱۳۹۲)

لزوم استفاده از ظرفیت اقتصادی نیروهای مسلح در توسعه اقتصادی

نقش نیروهای مسلح و توان اقتصادی آن‌ها در راهبری اقتصاد بسیار درخور تأمل است. این نهادها همانند سایر نهاد‌های دولتی از پتانسیل‌هایی نظیر بودجه‌های سالانه، حقوق ماهیانه، گردش مالی، اراضی و املاک تحت تسلک، عرصه‌های اقتصادی فعالیت، برخوردار هستند که می‌توانند از این توان جهت فعالیت‌های اقتصادی و کمک به اقتصاد ملی استفاده کنند. در کنار این پتانسیل‌ها، به دلیل وجود اعتمادی که در نیروهای مسلح وجود دارد و شبکه اعتماد میان کارکنان و یگان خدمتی آنها، می‌توان از این اعتماد جهت جذب سرمایه جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی و پیشبرد اهداف استفاده کرد. در بسیاری از کشورهای دنیا صندوق‌های بازنشستگی بزرگترین فعالان اقتصادی را تشکیل می‌دهند و بیشترین سرمایه‌ها در دستان همین صندوق‌هاست در حالی که در ایران صندوق‌های بازنشستگی بسیار کم است و آن تعداد ناچیز نیز در امر سرمایه گذاری زیاد فعال نیستند. در صورتیکه صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح در امر سرمایه گذاری و عرصه‌های اقتصادی وارد شود کار بسیار پسنیدیده‌ای است. این تصور که نیروهای نظامی موجب می‌شوند که فضای اقتصاد کشور امنیتی و نظامی بشود نباید منجر به این شود که نیروهای مسلح از توانایی‌ها و استعداد‌های خود در جهت بهبود معیشت خود و گسترش طرح‌های نظامی غافل شوند و راه مشارکت آنها بسته شود. مطمئناً اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که بتواند از تمامی ظرفیت‌های خود در جهت تحقق اهداف و توسعه خود استفاده کند که توان غیر نظامی (علاوه بر توان تجهیزات نظامی) یکی از این ظرفیت‌هاست که باید مورد توجه قرار گیرد.

مجوز قانون اساسی در مشارکت اقتصادی نیروهای مسلح

مهمترین پرسشی که باید پاسخ داده شود و وراى استدلال‌ات اقتصادی باید توجه شود آن است که آیا اساساً مشارکت نیروهای مسلح در اقتصاد از دیدگاه قانون اساسی منع دارد یا خیر؟ اصل یکصد و چهل و هفتم قانون اساسی بیان می‌کند که «دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی،

با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در حدی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید» تبیین صحیح این بند از قانون سبب می‌شود تا بسیاری از ایراداتی که به حضور نیروهای مسلح در اقتصاد گرفته می‌شود مرتفع بشود. این بند قانون اساسی مبنای تشکیل قرارگاه قرب خاتم الانبیاء نیز می‌باشد. بر اساس این اصل و بر مبنای ابلاغ فرماندهی کل قوا در سال ۱۳۶۸ مبنی بر مشارکت مهندسی سپاه در بازسازی و سازندگی کشور، پس از جنگ با استفاده از تجارب گذشته بخشی از امکانات و منابع انسانی در سازمان مستقلی تحت عنوان قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص) سازماندهی شده و وارد عرصه سازندگی گردیدند. قرب از آن سال تاکنون با رشد شاخص‌های کمی (تعداد کارکنان، حجم بالای پروژه‌ها، میزان سرمایه) و کیفی (توان فنی و مدیریتی) با ورود به عرصه‌های جدید و پروژه‌های پیچیده‌ای که قبلاً توسط پیمانکاران خارجی انجام می‌شد و همچنین با حضور در مناطق محروم، نامن و دور افتاده خدمات چشمگیر انجام داده است که بخش خصوصی توان انجام چنین خدماتی را نداشته است.

همچنین با عنایت به تدبیر مورخ ۸۱/۸/۱۴ مقام معظم فرماندهی کل قوا مبنی بر صدور مجوز اجرای ماده ۱۷۴ قانون برنامه سوم توسعه کشور، سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح وابسته به وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تشکیل گردیده است. مستند به اصل ۲۹ قانون اساسی،

شود و این امر کشور را از توسعه پایدار و همه‌جانبه دور خواهد کرد. البته این نگرانی نیز وجود دارد که حضور نیروهای نظامی به بخش‌های مولد اقتصادی محدود نشده و حضور آن‌ها در فعالیتهای غیر مولد ودلالی می‌تواند به تعادل بازارهای کشور صدمه بزند. در پاسخ به چنین شبهاتی که اصلی‌ترین شبهه درخصوص حضور نظامیان در اقتصاد است باید گفت که اولاً هم اکنون بسیاری از شرکت‌ها به شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی تبدیل شده‌اند و تراست‌های بزرگی تشکیل شده‌اند که وابسته به بانک‌ها، صندوق‌های سرمایه گذاری، سازمان تأمین اجتماعی و... می‌باشند و این شبهه درخصوص تمامی بنگاه‌های بزرگ موجود صادق می‌باشد. لذا راه اصلاح چنین ساختاری جلوگیری از استفاده از پتانسیل نیروهای مسلح در اقتصاد نمی‌باشد، بلکه دولت باید راهکارهای دیگری برای اصلاح ارائه دهد.

همچنین همان‌طور که گفته شد اقتصاد نباید از پتانسیل‌های موجود در بخش‌های نظامی غافل شود و به دلیل برخی شبهات خود را از چنین پستوانه‌ای محروم کند. همچنین با توجه به وجود نظارت‌هایی که از طریق مقام معظم رهبری در مورد نیروهای مسلح وجود دارد و نظارتی که ساختارهای مختلف درخصوص هر نهاد نظامی انجام می‌دهند، نظارت گسترده‌ای بر این شرکت‌ها می‌باشد که راه گسترش فساد و اخلاص در نظام اقتصادی کشور را می‌بندد.

بخش خصوصی توان سرمایه‌گذاری در بسیاری از فناوری‌های جدید را ندارد و به ناچار با واردات و استفاده از محصولات کشورهای دیگر، نیازهای خود را مرتفع می‌سازد، اما بخش‌های نظامی توان سرمایه‌گذاری در این گونه تحقیقات را دارند.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در کنار سایر بخش‌های نظامی کشور همانند وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ارتش و نیروی انتظامی هم اکنون نقش گسترده‌ای در اقتصاد ملی دارند. قرارگاه قرب خاتم الانبیاء، سازمان اتکا، سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، بانک قوامین، حکمت ایرانیان، موسسه مالی و اعتباری کوثر، و... از جمله شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی می‌باشد که مرتبط با بخش‌های نظامی هستند و نقش گسترده‌ای در اقتصاد ملی دارند. اینگونه فعالیت‌ها در صورتی که از سامان دهی مناسبی برخوردار باشد نه تنها سبب می‌شود تا وضعیت معیشتی نیروهای مسلح بهبود پیدا کند و کسانی که برای حفظ کبان کشور فعالیت می‌کنند، دغدغه‌های مالی و مادی کمتری داشته باشند می‌تواند راهکار مناسبی برای تأمین مالی پروژه تحقیقاتی باشد که نیازمند هزینه مالی بسیار می‌باشد.

همچنین همان‌طور که گفته شد کشورهایی که خود داعیه‌دار اقتصاد رقابتی و مخالف دخالت دولت در اقتصاد هستند به شدت وابسته به

برقراری تأمین اجتماعی در سطح نیروهای مسلح از طریق فعالیت‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی (با محوریت نظام بیمه‌ای) هدف این سازمان می‌باشد. اهداف تشکیل این سازمان ایجاد انسجام در نظام تأمین اجتماعی نیروهای مسلح، صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری، بهبود معیشت و تأمین رفاه هر چه بیشتر افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی، تمرکز در سیاست گذاری و تصمیم‌گیری بمنظور تأمین خدمات رفاهی و تقویت منزلت اجتماعی نیروهای مسلح می‌باشد. وضعیت کنونی قرارگاه قرب خاتم الانبیاء و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح می‌باشند، نشان می‌دهد که نه تنها از نظر قانونی منعی در جهت حضور این عده از مردم وجود ندارد بلکه می‌بایست شرایطی ایجاد شود تا از توان و ظرفیت این نهادها استفاده صحیح صورت گیرد.

پاسخ به یک شبهه

به اعتقاد بسیاری حضور نظامیان در عرصه اقتصادی می‌تواند منجر به تشکیل تراست‌های بزرگ اقتصادی و شکل‌گیری ساختارهای غیر رقابتی

پیشرفته نمود می‌باید که نه تنها موجب افزایش ضریب امنیتی ملی می‌شود، بلکه با تسری به سایر عرصه‌های داخلی، رونق و شکوفایی خاصی به صنایع دیگر می‌بخشد. در واقع بخشی از هزینه‌ها و بودجه‌های نظامی، دوباره و در قالب فناوری‌های نوین به چرخه اقتصادی کشورهای صنعتی برگشته و به توسعه متوازن ملی در این نوع از کشورها کمک می‌نماید. به عبارت دیگر بخش خصوصی توان سرمایه‌گذاری در بسیاری از فناوری‌های جدید را ندارد و به ناچار با واردات و استفاده از محصولات کشورهای دیگر، نیازهای خود را مرتفع می‌سازد، اما بخش‌های نظامی توان سرمایه‌گذاری در این گونه تحقیقات را دارند. این امر سبب می‌شود که نه تنها نیاز نظامی به فناوری‌های جدید پاسخ داده شود، بلکه سایر صنایع نیز بتوانند از این رشد استفاده کنند.

در طرف دیگر همانگونه که اشاره شد، بسیاری از فناوری‌هایی که هم اکنون در صنایع نظامی ما استفاده می‌شوند کاربرد صنعتی دارند که باید ضمن راه اندازی مجتمع‌های نظامی صنعتی و رعایت ملاحظات حفاظتی جهت عدم درج اطلاعات نظامی کشور، از ظرفیت نظامی کشور برای توسعه سایر بخش‌های صنعتی نیز استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که حضور بخش‌های نظامی در اقتصاد و صنعت نه تنها بسیاری از مشکلات موجود در اقتصاد را از بین می‌برد، بلکه با گسترش صنایع نظامی-صنعتی، این صنایع می‌توانند نقش راهبردی مناسبی در اقتصاد داشته باشند و به توسعه توان اقتصادی نیز کمک کنند. البته نظارت و تعیین فرآیندی که حضور شرکت‌های نظامی به معنی رقابت با مردم باشد نیازمند طراحی مدلی جامع است تا هم از توان بخش‌های نظامی استفاده کند و در کنار آن زمینه مشارکت بیشتر مردم را مهیا کند.

منابع

- قرآن کریم
قانون اساسی جمهوری اسلامی
بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی زمینی ارتش ۲۸/۷/۷۲
پاکزاد، علی، اقتصاد نظامی در ایران، سایت خبرآنلاین، ۱۸/۹/۸۸
یزدان پناه، محمد، نقش صنعت نظامی در اقتصاد مدرن، ۲۰/۹/۹۲ خبرگزاری فارس
خبرگزاری خانه ملت
<http://icna.ir/Fa/News/268478>
سایت وزارت دفاع
www.mod.ir
سایت قرارگاه قرب خاتم الانبیاء
www.khatam.com
وزارت دفاع امریکا
<http://www.defense.gov>
Butts, Kent (ed) (۱۹۹۴) Environmental Security: DOD Partnership for Peace, Carlisle, Pa.: Strategic Studies Institute, U.S Army War College.
<http://www.naval-technology.com>

می‌باشد.

درواقع، وزن اساسی پژوهش ملی و توسعه زیرساخت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته نیز مانند کشورهای درحال توسعه بر دوش ارتش و نظامیان است زیرا بسیاری از شرکت‌های خصوصی و خرده‌پا اولاً انگیزه چندانی برای ورود به چنین طرح‌های کلان و دشوار را ندارند و ثانیاً در صورت قبول چنین مسئولیت‌هایی، اساساً از توانایی و ظرفیت لازم جهت اجرا و اتمام پروژه‌های عمرانی و زیرساختی برخوردار نیستند.

بنابراین همان‌طور که تاکنون در خصوص قرارگاه قرب خاتم الانبیاء نیز صادق بوده است می‌توان از ظرفیت عمرانی این‌گونه نهادها در عمران و آبادانی کشور استفاده کرد. البته باید توجه کرد که نقش چنین نهادهایی صرفاً واسطه و ایجادکننده شرایط برای فعالیت سایر شرکت‌ها باشد. به عبارت دیگر بعد از اینکه یک پروژه راه‌سازی یا سدسازی در کشور تکمیل شد و به مرحله بهره‌برداری رسید، منافع این‌گونه پروژه‌ها باید در اختیار مردم قرار گیرد و راه گسترش اقتصاد مردمی و مشارکت مردم در اقتصاد گسترده شود.

در طرف دیگر با توجه به وجود تحریم‌های گسترده علیه ایران و مشکلات حمل و نقل کالا در کشور، نیروی دریایی کشور و توان دریایی کشور قدرت مناسبی جهت کاهش هزینه‌های تجاری کشور می‌باشد. در این میان گسترش نظام بیمه‌ای از طریق نیروهای مسلح جهت عملکرد در دوران تحریم، نیز می‌تواند نقش مؤثری در بهبود وضعیت اقتصادی کشور داشته باشد.

در طرف دیگر نیروهای مسلح بخش عمده‌ای از کارکنان دولت و مصرف‌کنندگان کالاهای مختلف را تشکیل می‌دهند. تشکیل فروشگاه‌های زنجیره‌ای اتکا و ورود این سازمان به تولید محصولات غذایی سبب شده است تا بخش عمده‌ای از نیاز این قشر از طریق این سازمان تأمین بشود. در طرف دیگر رشد و گسترش توان سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح در جهت بیمه و ارائه خدمات بیمه‌ای به این قشر نشان داده است که استفاده از توان نیروهای مسلح نه تنها به بهبود معیشت آنان کمک کرده است بلکه نقش بسزایی در گسترش تولید ملی و حمایت از محصولات داخلی داشته‌اند. لذا دولت می‌تواند با برنامه ریزی صحیح و حمایت‌های مناسب از چنین سازمان‌هایی (همانگونه که تاکنون صورت گرفته است) نه تنها به رشد این شرکت‌ها کمک کند، بلکه از توان آنها در انجام پروژه‌های بزرگ بیمه‌ای، تولیدی و خدماتی استفاده کند.

ب: رشد صنایع مرتبط با صنایع نظامی و تشکیل مجتمع‌های نظامی صنعتی

بعد دیگر کمک نیروهای نظامی به توسعه کشورهای صنعتی (که در کشور ما کم‌رنگ است)، نقش قابل توجه مجتمع‌های نظامی در کشف و انتشار فناوری‌های پیشرفته است. با عنایت به حساسیت و اهمیت مقوله امنیت برای دولت ملت‌ها، رهبران نظامی و غیرنظامی، معمولاً برای پروژه‌های عظیم نظامی حاضر به تخصیص بودجه و هزینه‌های هنگفت می‌باشند. نتیجه این هزینه‌های مالی در قالب تسلیحات

صنایع نظامی هستند و این صنایع نقش مهمی در پیشرفت اقتصادی آنها دارد. به عبارت دیگر عدم استفاده صحیح از ظرفیت نیروهای مسلح تنها شبهه‌ای است که از سوی کشورهای غربی به کشورمان تحمیل می‌شود تا قدرت صنعت نظامی کشور کاهش پیدا کند. این مهم نه تنها در خصوص صنایع نظامی صادق است بلکه در خصوص انرژی هسته‌ای نیز صادق است. امروزه انرژی هسته‌ای در بسیاری از کشورها در عرصه‌های مختلفی چون پزشکی، کشاورزی، صنعتی استفاده می‌شود و آمریکا و متحدانش با به حاشیه کشاندن این مسایل سعی دارند که کشور را از ثمرات بزرگ چنین صنایعی محروم کنند.

راهکارهایی جهت افزایش استفاده از ظرفیت نیروهای مسلح در اقتصاد پتانسیل وقف در جهت پیشبرد اهداف

وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَعَلُّوهُ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (۶۰ الانفال)

می‌توان یکی از زمینه‌های وقف را تأمین قوای نظامی کشور تعریف کرد که متأسفانه مغفول واقع شده است. البته در این آیه شریف، بعد از اینکه اشاره می‌کند که تمام قوه خود را برای ترساندن دشمنان خود و خدا به کار بگیرید به انفاق در راه خدا نیز اشاره کرده است. این مسئله نشان می‌دهد که رابطه‌ای میان انفاق در راه خدا و توان نظامی کشور وجود دارد. بر این اساس اگر به بنیه نظامی و اقتصادی نیروهای مسلح توجه نشود، قدرت نظامی کشور کاهش پیدا می‌کند و زمینه‌های اقتدار نظام اسلامی خدشه دار خواهد شد.

متأسفانه بسیاری از پتانسیل‌های وقف در کشورمان مغفول مانده است و استفاده بهینه‌ای از آنها صورت نمی‌گیرد. به دلیل عدم فرهنگسازی صحیح برای مردم و نبود نگاه عام به مسئله وقف، این نهادی که سالیان طولانی در تمدن اسلامی نقش گسترده‌ای داشته است، هم اکنون جایگاه اصلی خود را ندارد. بر این اساس با اصلاح رویکرد مسئولان و مردم به مسئله وقف می‌توان از این پتانسیل جهت گسترش توان نظامی کشور و تأمین مالی پروژه‌های نظامی استفاده کرد.

ایجاد مسیری جهت استفاده از پیشرفت‌های نظامی در گسترش صنایع کشور

الف: استفاده از توان نیروهای مسلح در زمان صلح
اساساً بعد اقتصادی فعالیت‌های نظامیان در زمان صلح در بسیاری از کشورها برجسته‌تر می‌گردد. از جمله دلایل اقتصادی استفاده از نیروی‌های نظامی، انسجام سازمانی و قدرت مالی نهادهایی نظیر ارتش برای اجرای پروژه‌های سنگین و پرهزینه

مختلف در این زمینه مشخص شود. البته بررسی تجربیات دیگر کشورها محدود و منحصر به این پرونده نخواهد بود و انشاءالله در شماره‌های بعدی نیز به فراخور زمان و امکان، به این موضوع خواهیم پرداخت.

اقتصاد ایران پیدا کنیم. در بررسی اقتصاد کشورهای منتخب، سعی شده است در ابتدا، تصویری از وضعیت اقتصادی سیاسی آن کشور ارائه شود و سپس اقدامات این کشورها در زمینه تحقق شاخص‌های اقتصاد مقاومتی را تشریح کرده و نهایتاً این اقدامات را ارزیابی کنیم تا نقاط قوت یا ضعف سیاست‌های

از آنجا که الگوی اقتصاد مقاومتی لزوماً خاص کشور ما نیست و تجربه‌های مختلفی از آن را می‌توان در دیگر کشورهای دنیا یافت، در پرونده این شماره نشریه تلاش کرده‌ایم تلاش‌ها و تجربه‌های دیگر کشورها را برای مقاوم‌سازی اقتصاد خود واکاوی کنیم تا از این رهگذر، درس‌هایی برای مقاوم‌سازی

مقاوم‌سازی اقتصاد در برزیل

■ محمدجواد کجوری ■ کارشناسی ارشد اقتصاد ■



را هبرد جایگزینی واردات در برزیل

جدای از آن‌که آیا اصلاً مفهوم توسعه را قبول داشته باشیم یا خیر، هر کشوری به منظور ایجاد وضعیت مطلوب اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، باید تغییرات کمی و کیفی مورد نظر را حاصل کند؛ در ادبیات متعارف اقتصادی چنین تغییراتی را در حوزه اقتصاد، توسعه اقتصادی می‌نامند. اقتصاددانان به منظور ایجاد چنین وضعیتی که منجر به تقویت و رشد اقتصاد یک کشور شود، نظرات متفاوتی دارند؛ برخی قائل به یک مسیر برای توسعه اقتصادی هستند و برخی

مفهوم اقتصاد مقاومتی دارد؛ لذا هدف در چنین مباحثی، ذکر برخی مصادیق محقق شده یا حرکت به سمت مقاوم‌سازی در کشورهای مختلف است و الا در امکان و چگونگی اجرای این سیاست‌ها، قطعاً نقد و بررسی لازم است. به این ترتیب و با توجه به ویژگی تقویت تولید داخلی و کاهش واردات غیرضروری در اقتصاد مقاومتی، چنین حرکتی را در راستای تقویت اقتصاد یک کشور در تجاربی که از کشورهای مختلف از جمله برزیل وجود دارد مشاهده می‌کنیم.

طرح الگو و ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری در پاسخ به شکنندگی و آسیب‌پذیری روند متعارف اقتصادی ایران بود. شاید مفهوم «اقتصاد مقاومتی» در ادبیات اقتصادی، جدید به نظر آید، اما برخی از ویژگی‌های چنین اقتصادی را می‌توان در تجربه کشورهای مختلف دید.

مقام معظم رهبری در تبیین اقتصاد مقاومتی درباره گرایشی که در حرکت کشورهای مختلف به سمت چنین اقتصادی وجود دارد، می‌فرماید: «گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها - خصوصاً در این سال‌های اخیر- با تکان‌های شدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد». آنچه در تعریف اقتصاد مقاومتی نمایان‌تر است تکیه به ظرفیت‌های درونی یک کشور است؛ به این ترتیب است که یک اقتصاد به سمت خودکفایی و استقلال اقتصادی حرکت خواهد کرد و تأثیرپذیری چنین اقتصادی از تکان‌های اقتصاد جهانی به حداقل خواهد رسید. مقام معظم رهبری در اهمیت تولید داخلی در اقتصاد مقاومتی یادآور می‌شوند: «پایه اقتصاد مقاومتی عبارت است از تقویت تولید داخلی و کاهش وارداتی که با غیرضروری است یا مشابه داخلی دارد»؛ علت چنین تأکیدی، ایجاد استقلال اقتصادی و خنثی کردن حربه‌های دشمنان در جنگ اقتصادی است.

نکته‌ای که در بررسی تجارب مقاومت اقتصادی در کشورهای مختلف باید مدنظر باشد، این است که رویکرد اتخاذ شده از سوی این کشورها، نه تنها تمام آنچه اقتصاد مقاومتی نامیده می‌شود نیست، بلکه در نحوه اجرا یا نتایجی که از اجرای اشتباه آن حاصل شده است، فاصله بسیاری از

۱. بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰
۲. بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۰۹/۰۶

شاخص‌های حساب جاری و تجاری

نسبت برابری		رابطه مبادله	حساب جاری	تراز بازرگانی		رشد سالانه واقعی تجارت		
انحراف معیار	میانگین			تولید ناخالص داخلی	واردات	صادرات		
۱۰/۱	۴۲/۷	۱۶۰/۶		۳/۰	۲/۵	۱۹۳۰-۱۹۰۱		
۱۷/۷	۷۷/۱	۱۱۸/۰		۰/۴	۱/۵	۱۹۵۰-۱۹۳۱		
۱۳/۰	۶۵/۸	۱۶۴/۰	-۱/۴	-۰/۴	۱/۷	۱۹۶۳-۱۹۵۱		
۶/۰	۸۶/۹	۱۴۳/۳	-۲/۴	-۰/۷	۵/۶	۱۹۸۰-۱۹۶۴		
۱۶/۸	۹۲/۶	۹۴/۷	-۱/۱	۳/۶	۱/۹	۱۹۹۳-۱۹۸۱		
۹/۶	۶۸/۴	۱۲۴/۱	-۳/۳	-۰/۲	۱۳/۵	۲۰۰۰-۱۹۹۴		

رابطه مبادله براساس سال پایه ۱۹۸۰ محاسبه شده است؛ نرخ برابری با استفاده از شاخص قیمت کلی فروشی و در مقابل دلار آمریکا محاسبه شده است.

در کشور برزیل، استراتژی صنعتی کردن از طریق جایگزینی واردات اتخاذ شد.

استراتژی جایگزینی واردات در زمره راهبردهای توسعه درون‌نگر قرار می‌گیرد. استراتژی‌های توسعه درون‌نگر به‌طور خلاصه به استراتژی‌هایی اطلاق می‌شوند که جهت‌گیری تولید و ساختار آن در پاسخ به نیازهای داخلی و بازار داخلی تنظیم می‌شود. در این استراتژی تولید داخلی، سلیقه‌های مصرفی داخلی، کشش درآمد داخلی، سطح تقاضای داخلی، صنایع داخلی کشور و... در کانون توجه قرار دارند و هدف آن است که به‌گونه‌ای جهت‌دهی شوند که استقلال اقتصادی، کاهش وابستگی و دفع تهدیدات خارجی حاصل شود. به همین دلیل عمدتاً ناظر به بهره‌برداری از امکانات و منابع داخلی کشور برای رسیدن به درجاتی از خودکفایی یا خوداتکایی است و در راستای این استراتژی، صنعتی‌شدن از طریق جایگزینی واردات دنبال می‌شود و تولید کالاهای پایه‌ای همچون فولاد، گندم، سیمان و... تا تحقق استقلال کامل اقتصاد دنبال می‌گردد.^۱

همان‌طور که گفته شد خیلی از استراتژی‌ها الزاماً از قبل برنامه‌ریزی شده نیست؛ استراتژی جایگزینی واردات از سوی برزیل هم آگاهانه صورت نپذیرفت. اتخاذ چنین استراتژی‌ای نتیجه واکنش

صورت نمی‌پذیرد؛ بلکه شرایط موجود، دولت‌ها و سیاست‌های دولتی را به سمت اتخاذ رویکرد مطلوب هدایت می‌کند. از طرف دیگر همه کشورهای در اتخاذ استراتژی موردنظر خود الزاماً از یک روند ثابت هم استفاده نکرده و نمی‌کنند؛ لذا اجرای استراتژی‌های مختلف توسعه با یک سری تعدیل‌هایی همراه خواهد بود و به همین دلیل

دیگر وجود راهبردهای متفاوت را مطرح می‌کنند؛ لذا در زمینه توسعه اقتصادی، رویکردهای متفاوتی مطرح و اتخاذ شده است؛ استراتژی‌هایی که از به حداقل رساندن نقش دولت شروع می‌شود و تا نقش عمده دولت ادامه پیدا می‌کند. استراتژی اقتصاد باز، صنعتی شدن، تأمین نیازهای اساسی و توزیع مجدد، توسعه کشاورزی، استراتژی توسعه

با افت رابطه مبادله برزیل در بین سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ به دلیل بحران‌هایی که این کشور با آن روبه‌رو شد، حجم واردات هم کاهش یافت؛ لذا بعید نبود که برزیل و کشورهایی از این قبیل مزایای اقتصاد باز را زیر سؤال ببرند. به این ترتیب یک نوع جدایی از نظم حاکم بین‌المللی آزاد صورت پذیرفت.

شاید نتوان نام یک استراتژی را برای رویکرد اتخاذ شده از سوی دولت‌ها نهاد؛ چون ممکن است ترکیبی از چند استراتژی مختلف، در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور شکل بگیرد. در این میان،

سوسیالیستی و... از جمله استراتژی‌هایی هستند که در زمینه توسعه اقتصادی به کار گرفته شده‌اند. حرکت به سمت توسعه اقتصادی، الزاماً و همیشه با یک برنامه‌ریزی از سوی دولت‌ها

۱. حیدری مطلق، راضیه، مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۹۰، شماره ۲۰

تفکیک بخشی تولید ناخالص داخلی و اشتغال

خدمات		صنعت		کشاورزی		
کار	تولید ناخالص داخلی	کار	تولید ناخالص داخلی	کار	تولید ناخالص داخلی	
۲۸/۹	۴۱/۸	۴/۲	۱۳/۲	۶۶/۹	۴۵/۰	۱۹۰۰
۲۰/۲	۴۶/۷	۱۳/۶	۱۷/۰	۶۶/۳	۳۶/۳	۱۹۳۰
۲۲/۵	۵۰/۹	۱۷/۶	۲۵/۹	۵۹/۹	۲۳/۲	۱۹۵۰
۳۰/۲	۴۸/۹	۱۸/۸	۳۴/۹	۵۱/۰	۱۶/۲	۱۹۶۳
۴۱/۵	۴۹/۰	۲۹/۱	۴۰/۹	۲۹/۴	۱۰/۱	۱۹۸۰
۵۳/۰	۴۸/۰	۲۰/۸	۳۹/۵	۲۶/۱	۱۲/۵	۱۹۹۳
۵۷/۲	۴۸/۷	۱۹/۲	۳۸/۴	۲۳/۶	۱۲/۹	۲۰۰۰

شاخص‌های حساب جاری و تجاری

تولید ناخالص داخلی	کل موجودی سرمایه	اشتغال	سرمایه انسانی (سال‌های تحصیل)
۱۹۳۰-۱۹۰۱	۴/۳۳	۱/۵۱	
۱۹۵۰-۱۹۳۱	۵/۱۴	۱/۸۴	۱/۶۷
۱۹۶۳-۱۹۵۱	۶/۸۸	۲/۸۱	۲/۱۱
۱۹۸۰-۱۹۶۴	۷/۷۹	۳/۲۵	۲/۶۲
۱۹۹۳-۱۹۸۱	۱/۶۴	۲/۱۷	۰/۵۲
۲۰۰۰-۱۹۹۴	۳/۰۵	-۰/۳۵	۰/۴۱

و سریع شد که به «معجزه برزیلی» شهرت یافت؛ لذا شاهد هستیم که میزان تولید ناخالص داخلی تا حدود ۸ درصد و سهم کالاهای صنعتی در این دوره تا حدود ۴۱ درصد افزایش می‌یابد.

یکی از عوامل پایداری یک سیاست را باید در ایجاد تعادل و رشد همه‌جانبه دانست. اگرچه منشأ استراتژی صنعتی شدن جایگزین کردن کالاهای مصرفی بود، اما برزیل با ایجاد یک توازن در تولید کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، بخش صنعت خود را رشد کاریکاتوری نداد. «بنابراین، برزیل بخش صنعتی متوازی ایجاد کرده که از یکپارچگی مطلوبی برخوردار است. اساساً برزیل توانسته است از نظر رشد، خوداتکا باشد. این کشور، انتقال از تخصص در تولید کالاهای مصرفی به ترکیب متنوع در تولید صنعتی را کامل کرده است.»

جمع‌بندی

مقاوم‌سازی اقتصاد پدیده‌ای جدید نیست و تجربه‌هایی از این مقاوم‌سازی در کشورهای مختلف وجود دارد؛ البته نباید فراموش کرد که اقتصاد مقاومتی مطرح‌شده از سوی مقام معظم رهبریهمة آن چیزی نیست که تجربه شده است؛ چنین الگویی برآمده از اسلام است و در قالب الگوهای مطرح‌شده از راهبردهای توسعه خلاصه نمی‌شود؛ لذا آنچه در بررسی تجارب کشورهای دیگر اهمیت دارد، استفاده از چنین تجاربی است. یک از تجربه‌های برزیل پیرامون مقاومت اقتصادی به اتخاذ راهبرد صنعتی‌کردن از طریق جایگزینی واردات برمی‌گردد که به‌کارگیری چنین راهبردی حاصل نوسانات بازار این کشور به دلیل بحران‌ها و تجارت جهانی بود؛ لذا در ابتدا به‌منظور بحران‌های ناشی از چنین نوساناتی، رویکرد جایگزینی واردات کالاهای مصرفی انجام شد که موجب تقویت تولید داخلی و اتکا به درون شد. در کنار تقویت بخش صنعتی به‌صورت متوازن در دوره معجزه برزیلی رویکرد صادرات کالاهای صنعتی هم بیشتر موردتوجه قرار گرفت.

یکی از درس‌هایی که از چنین تجربه‌ای می‌توان گرفت و نتیجه مورد قبولی هم هست، این است

ورود به عرصه رقابت بین‌المللی اگرچه فوایدی می‌تواند داشته باشد، اما برای هر کشوری توصیه نمی‌شود. ورود به این عرصه، مستلزم ایجاد توان رقابتی در اقتصاد ملی است

که ورود به عرصه رقابت بین‌المللی اگرچه فوایدی می‌تواند داشته باشد، اما برای هر کشوری توصیه نمی‌شود. ورود به این عرصه، مستلزم ایجاد توان رقابتی در اقتصاد ملی است؛ لذا باید اقتصاد داخلی به یک حدی از توان برسد که در برابر نوسانات بیرونی آسیب جدی نبیند و لازمه این کار، اتکای به درون کشور و ایجاد استقلال اقتصادی است. ■

۲. گریفین، کیت، راهبردهای توسعه‌ی اقتصادی، ترجمه‌ی حسین راغفر و محمدحسین هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۱

مدت چند سال، منجر به کاهش ارزش اسمی این بدهی‌ها شد. در این بین سقوط تولید ناخالص داخلی در سال‌های گذشته جبران و روند روبه رشد آغاز شد. کاهش قیمت جهانی قهوه با حمایت‌های

نسبت به ضربه‌ها و نوساناتی بود که این کشور با آن روبه‌رو بود. «این استراتژی، واکنش کم‌وبیش خودبده‌خودی نسبت به یک رشته از ضربه‌های خارجی بود که با از بین رفتن بازار لاستیک برزیل

هرچند افزایش تقاضای کل در اقتصاد، باعث رونق کسب‌وکار خواهد شد، اما لزوماً منافع این رونق متوجه تولیدکنندگان و کارآفرینان داخلی نمی‌شود.

داخلی جبران شد و همین امر موجبات حفظ ثروت مالکان کشتزارها را فراهم آورد؛ لذا با بهبودی قیمت قهوه این مالکان، سرمایه خود را در صنایع ساخت به کار گرفتند. به این ترتیب تولیدات صنعتی در دهه ۴۰ افزایش یافت. فضای پس از جنگ جهانی دوم روند صنعتی شدن را تقویت کرد و دولت برزیل دوباره حمایت‌های تعرفه‌ای و اجرای سیاست چند نرخ ارز را پیش گرفت که به‌ویژه به نفع تولیدات مصرفی داخلی بود. در این میان و در سال ۱۹۵۰ سهم کالاهای صنعتی در تولید ناخالص داخلی برزیل به حدود ۲۶ درصد افزایش یافت.

پس از این دوره، یعنی از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۱ یک

در اواخر قرن نوزدهم آغاز شد و به دنبال آن حوادثی پی‌درپی مانند قطع تجارت بین‌المللی در جنگ جهانی اول، سقوط رابطه مبادله کشور طی بحران دهه ۱۹۳۰ و قطع مجدد بازرگانی بین‌المللی طی جنگ جهانی دوم واقع شدند. هر یک از این ضربه‌ها، موجی از صنعتی‌شدن از طریق جایگزینی واردات را برانگیخت که به افزایش گام‌به‌گام سهم صنعت در تولید ناخالص ملی انجامید.»

با افت رابطه مبادله برزیل در بین سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ به دلیل بحران‌هایی که این کشور با آن روبه‌رو شد، حجم واردات هم کاهش یافت؛ لذا بعید نبود که برزیل و کشورهای از این قبیل مزایای اقتصاد باز را زیر سؤال ببرند. به این ترتیب یک نوع جدایی از نظم حاکم بین‌المللی آزاد صورت پذیرفت. برزیل علاوه بر محدود کردن واردات، پس از مدتی سمت‌گیری صادرات را هم مدنظر قرار داد. به همین دلیل در دوره‌های پس از ۱۹۵۰ شاهد افزایش نرخ رابطه مبادله این کشور هستیم.

مطابق جدول بالا رابطه مبادله کشور برزیل در طول سال‌های ۵۱-۱۹۳۱ به نسبت سی سال گذشته کاهش یافته و از ۱۶۰/۶ به ۱۱۸/۲ رسید. این نشان‌دهنده کاهش حجم تجاری این کشور در طول دوره جایگزینی واردات است. افزایش رابطه مبادله پس از مدتی نشان‌دهنده بهبود وضعیت تجاری برزیل و خروج از بحران‌های گذشته دارد. برزیل با کاهش ارزش پول ملی، نظارت‌های ارزی و حمایت‌های تعرفه‌ای را افزایش داد. این کشور با به تعلیق درآوردن بدهی‌های خود به

۱. گریفین، کیت، راهبردهای توسعه‌ی اقتصادی، ترجمه‌ی حسین راغفر و محمدحسین هاشمی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۱



تجربه پدافند اقتصادی در ونزوئلا

■ عادل قويدل ■ کارشناسی ارشد اقتصاد ■

آن دوران درهای کشور خود را بر روی شرکت‌های جمهوری اسلامی ایران باز کرد و این شرکت‌ها در بیشتر شهرهای ونزوئلا از جمله کاراکاس پایتخت اقدام به ساخت‌وساز کردند و در این زمینه ونزوئلا توانست با همکاری ایران سطح رفاه مردم ونزوئلا را بالاتر ببرد. در طول این سال‌ها ونزوئلا در شرایط تحریم در حرکتی که آن را انقلاب بولوا می‌نامیدند توانست با برنامه‌ها صحیح اقتصادی سطح آموزش، مسکن، تغذیه، فرهنگ و ورزش را در ونزوئلا بهبود بخشد و بر طبق آمار میزان فقر را از ۴۷ درصد به ۲۲/۷ برساند. در طول این دوران ونزوئلا تلاش می‌کند با ملی‌کردن صنایع به دست شرکت‌های خارجی که بعد از افزایش تحریم‌ها این شرکت‌ها این صنایع را تعطیل کرده بودند، از فشار تحریم‌ها بکاهد. روابط ونزوئلا با ایران و روسیه و چین در طول این مدت عمیق‌تر شد و ونزوئلا توانست با جذب سرمایه‌گذاری طرف چینی در زیرساخت‌های انرژی این زیرساخت‌ها را توسعه دهد و از طریق مبادلات سلاح و هواپیماهای جنگی با روسیه نیز توانست ارتش خود را قدرتمندتر سازد. با روی کار آمدن مادورو نیز سیاست‌های خارجی ونزوئلا تغییر نکرد و این کشور روابط خود را با چین و روسیه و ایران ادامه داد به طوری که در ماه جولای سال ۲۰۱۴ چین اعتبار سرمایه‌گذاری خود را به مقدار ۴ میلیارد دلار دیگر افزایش داد و آن دسته از تحلیلگرانی که می‌پنداشتند که با فوت چاوز روابط تهران کاراکاس دچار تغییر می‌شود مشاهده کردند که این روابط به قوت خود باقی است. ونزوئلا در راستای مقابله با تحریم‌های آمریکا و کاهش نفوذ این کشور در منطقه آمریکای لاتین و افزایش تأثیرگذاری خود در این منطقه، به طور گسترده از این کشورها حمایت‌های مالی می‌کند و در بعضی از این کشورها که به حمایت‌های ونزوئلا به میزان زیادی وابسته هستند این حمایت‌ها به اندازه ۱/۵ درصد از GDP کل آن کشور است که این سهم در آن کشورها تا ۶ الی ۷ درصد نیز افزایش داشته است. برای مثال می‌توان گفت حجم بدهکاری‌ها در کشورهایی مانند هائیتی و نیکاراگوئه به ترتیب ۶ و ۷ درصد از تولید ناخالص ملی سالیانه‌شان می‌باشد که اگر بخواهد تغییراتی در این حجم از سرمایه‌گذاری ونزوئلا در این کشورها به وجود بیاید یک شوک

خود دست نکشیدند و مادورو نیز در جمع مردم در تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۴ اعلام کرد که آمریکا هیچ‌وقت نمی‌تواند در مقابل این مردم مقاومت کند و مردم ونزوئلا سیاست‌های سلطه‌گرانه آمریکا را قبول ندارند؛ اما این اولین باری نبود که آمریکا را ونزوئلا را تحریم می‌کرد و این تحریم‌ها از سال ۲۰۱۱ به طوری آغاز شده بود؛ اما عملاً از سال ۲۰۰۵ به طوری دیگر رابطه‌ای میان آمریکا و ونزوئلا وجود نداشت. منابع درآمد‌های اقتصادی ونزوئلا به صورت عمده از صادرات نفت خام است ولی این کشور صادرات محصولات کشاورزی و قهوه و کاکائو را هم انجام می‌دهد. تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت باعث شد که اقتصاد رو به رشد ونزوئلا در این دوره کوتاه دچار عدم تعادل بشود و تا حدی از مسیر رو به رشد خود خارج شود. در طی شوک جدید نفتی میزان صادرات نفت ونزوئلا به میزان ۴۰ درصد افزایش پیدا کرد و تورم نیز در این کشور به اندازه ۴۰ درصد افزایش پیدا کرد.

ونزوئلا کشوری است در سواحل شمالی دریای کارائیب و در همسایگی برزیل و کلمبیا قرار دارد. این کشور نیز مانند سایر کشورهای آمریکای جنوبی تحت استعمار قرار داشت تا اینکه در پنجم جولای ۱۸۲۹ به عنوان کشور مستقل اعلام وجود کرد. پیش‌تر در این کشور شهرهای ساحلی بیشترین جمعیت را داشتند اما امروزه جمعیت روستاها کاهش یافته است و شهرهای مدرن مانند کاراکاس پایتخت این کشور بیشترین حجم جمعیت ۳۰ میلیونی ونزوئلا را در خود جای داده است.

بعد از آنکه هوگو چاوز رهبر فقید ونزوئلا حکومت را به دست گرفت برای این کشور فصل جدیدی هم در سیاست و هم در اقتصاد این کشور باز شد. چاوز رهبر ونزوئلا، مخالف با سیاست‌های امپریالیستی دولت‌های سلطه از دولت‌های منطقه آمریکای جنوبی حمایت می‌کرد و سعی بر این داشت که سیاست‌های سرمایه‌داری را در این منطقه ریشه‌کن

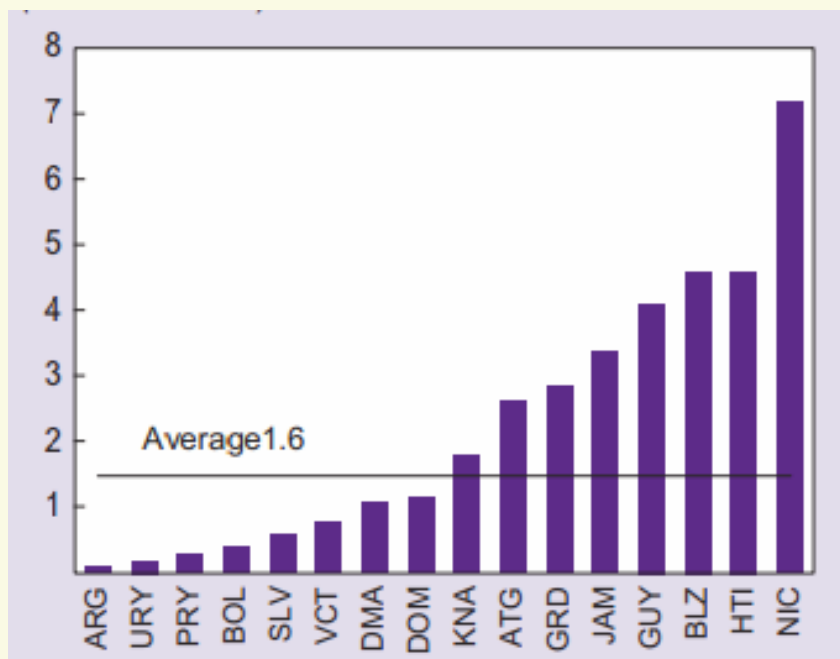
ونزوئلا اقدام به تأسیس بانک FBVI نمود که تمام مبادلات میان ایران و ونزوئلا از طریق این بانک به انجام می‌رسید و نیز روابط تجاری خود را با ایران گسترش داد.

با شدت گرفتن تحریم‌ها ونزوئلا با دولت‌های ایران، روسیه، کره، سوریه و چین روابط تجاری روابط خود را برقرار کرد و از راه فروش محموله‌های نفتی به این کشورها سعی بر این داشت که بتواند با تحریم‌ها مقابله کند. در سال ۲۰۱۳ آمریکا فشار تحریم‌ها را بر ونزوئلا بیشتر کرد و مبادلات سلاح را نیز بر ونزوئلا ممنوع کرد. در سال ۲۰۰۸ نیز ایالات متحده دارایی‌های بانک بین‌المللی دسالورو ضبط کرد و ونزوئلا از هرگونه مبادله با شرکت‌های آمریکایی تحریم کرد. بر این اساس ونزوئلا اقدام به تأسیس بانک FBVI نمود که تمام مبادلات میان ایران و ونزوئلا از طریق این بانک به انجام می‌رسید و نیز روابط تجاری خود را با این کشور گسترش داد و بانک‌های ایران می‌توانستند از طریق مؤسسات مالی ونزوئلا فعالیت‌های خود را تسهیل نمایند. کشور ونزوئلا در شرایط تحریم از نظر تأمین مسکن و کیفیت آن در شرایط مناسبی قرار نداشت، اما در

دوران حکومت چاوز با فراز نشیب‌های فراوانی روبه‌رو بود؛ اما رئیس‌جمهور محبوب ونزوئلا دچار عارضه سرطان شد و در آخرین سفر خود به برزیل برای درمان اعلام کرد که اگر درمان موفقیت‌آمیز نبود مردم رانتخابات به معاون اول و وزیر امور خارجه او رأی بدهند. بعد از درگذشت چاوز نیکلاس مادورو دوست صمیمی او که به عنوان وزیر امور خارجه او فعالیت می‌کرد با رأی مردم در یک انتخابات پرشور به عنوان رئیس‌جمهور این کشور انتخاب شد. شاید مادورو جوان که به عنوان راننده اتوبوس در ونزوئلا فعالیت می‌کرد این چنین روزی را نمی‌دید که در پنجاه سالگی به ریاست جمهوری ونزوئلا برسد. آمریکا می‌دانست که با انتخاب مادورو سیاست‌های انقلابی و ضدآمریکایی چاوز ادامه پیدا خواهد کرد. سراسیمه برای آن که بتواند ونزوئلا تحت فشار بگذارد سیاست تحریم را در پیش گرفت؛ اما مردم ونزوئلا نشان دادند که از انقلاب بولوا

تأمین مالی خارجی از ونزوئلا در سال ۲۰۱۲

(درصد تولید ناخالص داخلی)



می‌دهد که بتواند در حجم گسترده‌ای از وام‌های خارجی استفاده کند و بتواند اقتصاد خود را به حالت تعادل بازگرداند.

یکی دیگر از مشکلاتی که امروزه بر اثر تحریم‌ها و اغتشاشات سیاسی برای اقتصاد ونزوئلا به وجود آمده است این است که نرخ تورم در این کشور افزایش پیدا کرده است و نرخ مبادله واحد پول ونزوئلا در مقابل دلار کاهش یافته است. این نکته بسیار مهمی است زیرا اقتصاد ونزوئلا به طور فزاینده‌ای قابلیت جبران این اثرها را دارد.

داده‌های بانک جهانی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ نشان می‌دهند که بر اساس سرشماری‌ها تعداد فقرا بر اساس معیار خط فقر در این کشور در سال ۲۰۱۲ به ۲۵ درصد کاهش یافته است که این مقدار به طور متوسط نسبت به پنج سال پیش از کاهش ۵ تا ۷ درصدی را نشان می‌دهد. همچنین این آمارها بیان می‌کنند که تا پایان سال ۲۰۰۷ بهبود زندگی روستایی و آب آشامیدنی در آند مناطق به میزان

بزرگ در تمام این کشورها به وجود خواهد آمد زیرا این کشورها باید بتوانند یک سرمایه‌گذار بزرگ برای این حجم وسیع از سرمایه‌گذاری برای کشور خود پیدا کنند.

از زمان مرگ هوگو چاوز و انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا این کشور صحنه در تنش و درگیری‌های سیاسی شده و این درگیری‌ها نیز بر روی اقتصاد رو به رشد ونزوئلا نیز تأثیر گذاشته‌اند. حجم این دخالت‌ها به حدی بود که دولت ونزوئلا را مجبور به این کرد که دیپلمات‌های آمریکایی را از کشور خود اخراج کند. رسانه‌های خارجی نیز این فرصت را غنیمت شمرده و با چشم‌پوشی از کارشکنی‌ها و دخالت‌های مخفیانه آمریکا در ونزوئلا، سرچشمه این مشکلات را از ناکارآمدی سیاست‌های ضدآمریکایی ونزوئلا دانسته‌اند، اما تحلیل‌های کارشناسی دقیق اقتصادی چیزی دیگر می‌گویند.

اگرچه بعضی از منتقدین به سیاست‌های اقتصادی ونزوئلا این کشور را به قیمت نفت بسیار

و کارشکنی‌های دولت‌های سلطه در این کشور به وجود آمده است؛ اما بر اساس پیش‌بینی‌های بانک جهانی اگر ونزوئلا بتواند این بحران‌های سیاسی را پشت سر بگذارد می‌تواند همان روند رشد خود را در اقتصادش ادامه بدهد زیرا این کشور توانسته در دوران تحریم‌ها تمهیدات خوبی را برای مقابله فراهم آورد.^۱ برای اطمینان بیشتر این مسئله نگاهی نیز به نرخ بیکاری در ونزوئلا می‌اندازیم بر اساس آمار نرخ بیکاری ونزوئلا از ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۵/۵ درصد در سال ۲۰۱۴ کاهش پیدا کرده است^۲ و چنین نرخ پایینی از بیکاری نشان می‌دهد که وضعیت آن چنان هم بد نیست و تحریم‌های جدید اعمال شده توسط آمریکا و کارشکنی‌های این کشور در ونزوئلا عدم ثبات سیاسی به وجود آورده است.^۳ اما کارشناسان از افزایش تورم در ونزوئلا ریشه‌یابی کرده‌اند علت آن را چنین دانسته‌اند که این مشکل به خاطر فاصله کاذبی است که در بین نرخ دولتی ارز و نرخ بازاری آن وجود دارد این فاصله تا اواخر سال ۲۰۱۰ بسیار کوچک بود و نگرانی به وجود نمی‌آورد اما به خاطر بستن و خدشه‌دار کردن سرمایه‌گذاری‌های خارجی ونزوئلا به خاطر تحریم‌ها این مشکل پدید آمد. ونزوئلا به خاطر تحریم‌ها و فشارهای وارده از طرف آمریکا مجبور به این شد که برای تأمین مالی شرکت‌های نفتی خود PDVSA ارز خارجی را به قیمت‌های خیابانی بفروشد. وجود این فاصله در نرخ ارز در ونزوئلا باعث نگرانی‌هایی در جامعه و عدم ثبات در اقتصاد شده است. نرخ ارز یکسان و از بین بردن نرخ‌های خیابانی که معمولاً بالاتر از نرخ‌های رسمی است یک از ریشه‌های این مشکل است زیرا سبب شده است که فعالیت‌های اقتصادی تولیدی کمتر انجام شود و بیشتر روی به سوی قاچاق ارز و فعالیت‌های غیرقانونی در اقتصاد آورده شود.

تحلیلگران پیشنهاد می‌کنند برای اینکه ونزوئلا بتواند از این بحران‌هایی یابد باید بتواند به خانوارهای ضعیف و آسیب‌دیده کمک‌های جبرانی خودش را برساند. دیگر آنکه به جای اینکه یارانه‌های دولتی بر کالاها تعلق بگیرد ونزوئلا باید یارانه‌ها را به افراد در جامعه پرداخت کند و فشار مالیاتی را از روی خانوارهای ضعیف بردارد. این برنامه‌های خواهد بود که می‌تواند که عدالت اجتماعی بیشتری را به ارمغان بیاورد. دولت مادورو می‌تواند یکسان‌سازی نرخ ارز دوباره به پول ونزوئلا به ارزش اصلی خود بازگرداند و این قدم دیگری است که ونزوئلا می‌تواند در راستای متعادل‌سازی اقتصاد بردارد. سیاست‌های یکسان‌سازی نرخ ارز و اصلاح سیستم مالیاتی در ونزوئلا و تشویق مردم به پس‌انداز پول خود ونزوئلا می‌تواند فضایی را ایجاد کند که دوباره به ونزوئلا اجازه دهد تا مسیر توسعه را در اقتصاد خود پیش بگیرد. ■

ونزوئلا در راستای مقابله با تحریم‌های آمریکا و کاهش نفوذ این کشور در منطقه آمریکای لاتین و افزایش تأثیرگذاری خود در این منطقه، به طور گسترده از این کشورها حمایت‌های مالی می‌کند.

۷۵ درصد رشد داشته است و امید به زندگی در این کشور ۷۴ سال است که این روند در طول سال‌ها گذشته دارای سیر صعودی بوده است. اگرچه GDP در سال ۲۰۱۴ به اندازه ۲/۵ درصد نسبت به سال قبل کاهش پیدا کرده است کارشناسان معتقدند که بیشتر این عدم تعادل اقتصادی به خاطر وضعیت متشنج سیاسی است که به خاطر تحریم‌ها

وابسته می‌دانند و بیان می‌کنند که با پایین آمدن قیمت نفت اقتصاد ونزوئلا دچار آسیب خواهد شد؛ اما بررسی کارشناسان نشان می‌دهد که اگر هم این اتفاق رخ دهد به خاطر حجم پایین بدهی‌های این کشور که مقدار سالیانه آن‌ها به بانک مرکزی و بدهی‌های خارجی این کشور در مجموع به اندازه ۲۴ درصد از GDP این کشور است که به این کشور اجازه

1. Data.worldbank.org/country/Venezuela-rb

2. http://www.tradingeconomics.com/venezuela/unemployment-rate

۳. برای اطلاعات بیشتر از شاخص‌های اقتصادی ونزوئلا ببینید http://www.cepr.net/index.php/blogs/the-americas-blog/venezuelan-economic-and-social-performance-under-hugo-chavez-in-graphs



بررسی اقتصاد کوبا از منظر اقتصاد مقاومتی

■ محمدصادق ترابی فرد ■ کارشناسی ارشد اقتصاد ■

آنچه باید درباره کوبا بدانیم

اکثر نام‌های نام‌های نام آشنایی چون چه‌گوارا و فیدل کاسترو را شنیده باشیم، اما شاید درباره محل زندگی و انقلاب آن‌ها چیز زیادی ندانیم، کوبا کشوری است با ۱۱۰۸۶۱ کیلومتر مساحت در گلوگاه خلیج مکزیک و دریای کارائیب واقع در جنوب شرقی ایالات متحده آمریکا، جمعیت این کشور حدود ۱۱ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است و از این حیث رتبه ۷۳ جمعیت جهان را داراست، شاید آنچه بیشتر ما درباره کوبا شنیده باشیم تیم و البالاش باشد، اما آنچه در مورد این کشور باید دانست این است که این کشور یکی از اثرگذارترین کشورها از نظر سیاسی در دنیا بوده است، مواردی چون قضیه خلیج خوک‌ها، بحران موشکی کوبا و اثرگذاری‌های این کشور بر سیاست دیگر

تحریم‌ها و ممنوعیت‌های تجاری از مسائل بسیار مهم در اقتصاد این کشور است، به‌گونه‌ای که امروزه تنها این کشتی‌های روسی، چینی و ونزوئلایی هستند که می‌توانند به این کشور آمده و کالا و محصولات را جابجا کنند، این تحریم‌ها از سال ۱۹۹۶ و با تصویب تحریم‌های هلمس-یرتون شدیدتر هم شد ولی تعدادی از کشورها از این تحریم‌ها نیز سرباز زدند، این کشورها عبارت بودند از کانادا، چین، ونزوئلا، هلند و اسپانیا، اقتصاد کوبا یک اقتصاد ساده و خام فروش است که درآمد خود را از فروش سیگار، شکر و صنعت توریسم به دست می‌آورد، البته باید به این فهرست باید منابعی همچون نیکل و گاز را اضافه کرد، ولی نکته جالب توجه درباره این کشور این است که تنها منبع درآمد دانش بنیان این کشور بیوتکنولوژی است،

حاکمیت کوبا برای رفع این مشکل [تحریم‌ها] قدم اول را مذاکره برای رفع ممنوعیت‌ها گذاشت، بلکه با میدان دادن به مردم نخست در پی ایجاد ظرفیت اجتماعی برای رشد اقتصادی برآمد سپس دل به رفع محرومیت‌ها بست.

کشورها همچون کشورهای آمریکای جنوبی و آفریقا و حضورهای نظامی‌اش در آن‌ها از این دست موارد است، اما این موضوع در اقتصاد جهانی شده امروز به‌گونه‌ای دیگر است، این کشور پس از انقلاب ۱۹۵۹ که توسط فیدل کاسترو به پیروزی رسید و توانست دیکتاتور مورد حمایت آمریکا، یعنی ژنرال باتیستا را از قدرت برکنار کند این عمل اما از طرف آمریکا بی‌پاسخ نماند. این کشور از سال ۱۹۶۰ تاکنون مشمول ۶ تحریم یک‌جانبه توسط آمریکا شده است. همین

این کشور رتبه یازدهم از نظر تعداد پزشک سرانه را داراست، این امر به دلیل رایگان بودن تحصیل در پزشکی در این کشور است، در حال حاضر ده‌ها هزار پزشک کوبایی در کشورهای دیگر به‌خصوص در ونزوئلا در حال طبابت هستند، در واقع ونزوئلا نفت ارزان به کوبا می‌دهد و در برابرش از پزشکان کوبایی در بهبود نظام سلامت خود بهره می‌برد، همین‌طور از جوانب دیگر این امر صنعت توریسم پزشکی است، در این کشور کلینیک‌ها و بیمارستان‌هایی وجود دارد که از سرتاسر دنیا (حتی از خود آمریکا) به این کشور برای معالجه می‌آیند، برای جمع‌بندی باید گفت

۱. افسر پلیس جوانی که از دهه سی میلادی سکان‌دار این کشور ولی در دوره او به معنای تمام ظلم و فساد دامن‌گیر جامعه کوبا شد، او در ۱۹۵۲ به‌واسطه فشار حاضر شد تا انتخابات آزاد برگزار کند ولی همان‌طور که انتظار می‌رفت حزب خود او پیروز انتخابات شد، این اعتراضات ادامه داشت تا زمانی که در ۱۹۵۹ انقلاب کوبا پیروز شد و او با برداشتن ۴۰ میلیون دلار پاندهنده جمهوری دومینیک شد.
۲. مورد جالب درباره هلند این است که روابط تجاری این کشور با کوبا به خاطر روابط صمیمی یک خانواده ثروتمند هلندی و فیدل کاسترو است.
۳. کوبا دارای منابع سرشار نفت و گاز است ولی توانایی پالایش نفت را ندارد.

اقتصاد کوبا اقتصادی است با ۶۸ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی است که ۴٫۳ درصد آن در بخش کشاورزی، ۲۶٫۱ آن در بخش صنعت و مابقی در بخش خدمات آن است، نرخ تورم و بیکاری در این کشور چیزی بین یک تا چهار درصد متغیر است، در واقع مردم این کشور نه دغدغه بیکاری را دارند و نه دغدغه تورم و نه رابطه بین این دو را.^۴ اقتصاد این کشور تا قبل از انقلاب ۱۹۵۹ به دست مافیای آمریکایی و دیکتاتور این کشور بود، اما بعد از انقلاب زمین‌های بزرگ ملی شد و زمین‌های کوچک نیز به دست کشاورزان افتاد، اجاره‌بهاها پایین آمد و دستمزدها بالا رفت، ولی نظام معیشتی این کشور به سمت یک نظام جیره‌بندی رفت، به‌صورتی که اقلام موردنیاز مردم توسط دولت فراهم می‌شود و به دست آن‌ها می‌رسد، معیشت مردم آن مانند همه کشورهای کمونیستی به دست دولت اداره می‌شود، اقتصاد این کشور دو قانون اصلی دارد: GAVIOTA^۵ و GAESA^۶، به موجب قانون اول تمامی صنعت توریسم از هتل‌ها گرفته تا رستوران‌ها، فروشگاه‌ها، صنایع الکترونیکی، دفاعی و خطوط مخابرات، خطوط هوایی و صنایع نیشکر و سیگار به دست دولت و ارتش ملی این کشور است و تا قبل از به قدرت رسیدن رائول کاسترو (برادر فیدل کاسترو) مردم حق خریدوفروش ملک را نداشتند و بسیاری از حقوق اقتصادی آن‌ها نادیده گرفته می‌شد، همین‌طور این کشور دارای رتبه ۱۷۷ آزادی‌های اقتصادی را داراست، این بدین معناست که مردم این کشور حق مشارکت در هیچ‌یک از فعالیت‌های اقتصادی را ندارند، حتی در این کشور مردم حق عوض کردن لوله آب را ندارند و برای این کار حتماً باید از دولت اجازه بگیرند، همین‌طور مردم حق خراب کردن هیچ خانه‌ای را ندارند و... اما با روی کار آمدن رائول کاسترو حدود ۱۱ قانون جدید وضع شد تا اقتصاد این کشور بهبود یابد، از جمله آن‌ها قانون مجوز فعالیت اقتصادی ۲۰۱۱، شغل به‌صورت شخصی، مجوز خریدوفروش اموال خصوصی مانند خانه و ماشین، اجازه وام دادن توسط بانک کوبا به تعاونی‌ها، پیشنهاد تأسیس تعاونی‌های غیر کشاورزی و... بود. به موجب ورود

۴. بسته به منبع آماری
۵. دغدغه‌ای که شده یکی از بزرگ‌ترین دروغ‌های اقتصاد ایران
6. Grupo de Turismo Gaviota S.A
7. Grupo de Administración Empresarial, S.A.

گردشگران نظام پولی این کشور دو ارزی است، یکی پزو که پول واحد این کشور است و برابری آن با دلار آمریکا یک به یک است و دیگری دلار کانادا است که دولت بر روی آن مالیات گذاشته^۱.

اماری دیگر اقدامات دولت جدید کوبا طرح مذاکره با آمریکا است، عده‌ای برای تحلیل این مذاکرات می‌گویند که علت اصلی تن دادن به مذاکرات توسط این دولت این است که دولت این کشور تا فروپاشی شوروی توسط شوروی حمایت می‌شد و بعد از آن نیز از سال ۲۰۰۰ با روی کار آمدن چاوز در ونزوئلا مورد حمایت این کشور بود، ولی با افت قیمت نفت و ناتوان شدن دولت ونزوئلا در یاری رساندن به دولت کوبا، دولت کوبا را مجبور به سازش با آمریکا کرده است، ولی به نظر می‌رسد قضیه چنین نیست، راثول کاسترو مانند برادرش هنوز بر سر ایدئولوژی مارکسیستی‌اش هست و فیدل کاسترو نیز که هنوز در کشور قدرت را اگرچه به صورت ضمنی دارد گفته که به مذاکرات خوش بین نیست، در واقع کوبا کشوری نیست که طعم رفاه سرمایه‌داری زیر زبانش باشد، آخرین مدل ماشین‌های این کشور ۱۹۵۹ یعنی زمان انقلاب این کشور است و کوبایی‌ها این ماشین‌ها را تا زمان حال سرزنده نگه داشته‌اند، رفتار مردم این کشور مصرف‌گرایانه شکل نگرفته است، به قول یکی از جهانگردان ایرانی^۲ که به این کشور سفر کرده است، یخچال خانه‌های ما از سوپرمارکت‌های این کشور بیشتر تنوع جنس دارد، همین‌طور بعد از فروپاشی شوروی، یعنی سال ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۰۰ که چاوز قدرت را در دست گرفت، کوبایی‌ها دهه سخت‌تری را داشتند، چراکه حمایت شوروی را دیگر نداشتند و شکر نیز که منبع اصلی درآمد آن‌ها بود دچار نوسان بدی شده بود، با این حال کوبا حتی حاضر نشد تا کمک‌های آمریکا را بپذیرد، حتی این کشور در آن اوضاع بحرانی تحریم شدیدی به نام هلمس-برتون را نیز پشت سر گذاشته است، با این اوصاف نمی‌توان فشار اقتصادی را دلیل اصلی این مذاکرات دانست.

در کل برای ارزیابی اقدامات دولت کوبا باید گفت که دولتمردان کوبایی با تکیه بر اصول انقلابی خودشان، درصدد احیای تجربه چین در کشور خود هستند، تجربه‌ای که شاید امروز به مذاق آمریکایی‌ها خوش آید، ولی روزگاری دیگری از موانع اصلی آمریکا در آن قاره خواهد بود، بله این کوبا همان کوبایی هست که انقلاب کرده، با بحران خلیج خوک‌ها آبروی آمریکا را برده و جهان را تا آستانه جنگ اتمی پیش برده، نمی‌توان تصور آن را داشت که فیدل کاسترو ذهنیت خود را فراموش کرده باشد، مخصوصاً اگر سیاه حدود ۹۰۰ بار برای او برنامه ترور چیده باشد و راثول کاسترو همان راثول کاسترویی است که در کوه‌های کوبا در کنار برادرش می‌جنگید.

درواقع آنچه در کوبا در حال رخ دادن است، همان اتفاقی است که در دهه ۷۰ میلادی برای چین رخ داد و این کشور روابط خود را با آمریکا آغاز کرد، اما وجه تمایز ما با چین و کوبا این است که ما علاوه بر آنکه خواهان تثبیت و قدرتمند شدن جایگاه خود هستیم، خواهان تغییر دولت آمریکا و تغییرات گسترده سیاسی و اجتماعی در آن کشور هستیم و این

۱. قبلاً ۲۵ درصد بوده ولی الان ای رقم به ۱۰ درصد رسیده.
۲. در وبلاگ <http://farsang.blogfa.com>

کار ما را دوچندان کرده.

اقتصاد کوبا چقدر به سمت مقاومتی شدن پیش رفت؟

قضای دربار اقتصاد این کشور شاید آسان به نظر آید ولی با توجه به آنچه در قسمت قبل بدان اشاره رفت، کار تحلیل سخت است، اما تدارک این تحلیل را در دو مرحله دیده‌ام، اما بگذارید تا مقدمه چینی تحلیل را در این بگذارم که به حصر عقلی اقتصاد هر کشور نسبت به دیگر کشورها یا تسلط دارند و قوی‌ترند یا دیگران بر آن‌ها مسلط هستند. بر همین اساس می‌شود عملکرد اقتصادی یک کشور را از دو جهت دید، آفند و پدافند در واقع مقاومت دو رو دارد، یا ساخت اقتصادی شما در برابر نوسان و حمله محکم است و یا اقتصاد شما قدرت ریسک تهاجم علیه کشورهای رقیب را دارد؛ خواننده محترم می‌تواند نکات ذیل را از این دو جهت ببیند:

اقدامات ایجابی

دولت کوبا در سال‌های گذشته دست به اجرای سیاست‌های جدید اقتصادی در این کشور زده است از جمله:

- اصلاحات اقتصادی دولت کوبا پس از دوران فیدل کاسترو
- تعدیل مخارج بودجه (آموزش، سلامت و ...)
- تغییر ساختار کار؛ کاهش اشتغال‌های بیش از حد و ظرفیت و افزایش اشتغال بخش غیردولتی
- قانون مجوز فعالیت اقتصادی ۲۰۱ شغل به صورت شخصی
- حق اجاره زمین‌های دولتی و استفاده از آن‌ها
- تقویت اشتغال غیردولتی به‌عنوان راه‌اندازی مجدد کار خود اشتغال
- پیشنهاد تأسیس تعاونی‌های غیر کشاورزی
- استخدام توسط بخش خصوصی
- مجوز خرید و فروش ملک و خودرو شخصی
- اختیارات بیشتر به شرکت‌های دولتی
- اعطای حق استفاده از موبایل و اینترنت
- جدا کردن بخش دولتی از تجارت
- به‌روز کردن قوانین مالیات
- آسان کردن سفر برای کوبایی‌ها

اما یک سری اقدامات نیز دولت کوبا قبل از این انجام داده بود که از جمله آن‌ها: ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، استفاده از ظرفیت پزشکی و ...

معضلات اقتصاد کوبا

اما یک سری اقدامات نیز دولت کوبا انجام داده است که نمی‌توان آن‌ها را نقاط مثبت اقتصاد آن محسوب کرد، از جمله آن‌ها معضل دانش‌بنیانی است؛ کشور کوبا اصلاً کشوری نیست که دارای صنایع پیشرفته باشد، مثلاً صنعت نیشکر این کشور دارای کارخانه‌هایی است که ۶۰ سال پیش به وجود آمده‌اند و الان مستهلک شده‌اند، معضل دیگر اقتصاد این کشور این است که این کشور از فرصت‌ها استفاده وافی را نبرده است، این کشور تا سال ۱۹۹۱ بهترین فرصت‌ها برای پیدا کردن قدرت اقتصادی را داشت اما از آن استفاده نکرد، معضل دیگر اقتصاد کوبا

نداشتن تنوع در تولیدات است، تولیدات این کشور ساده و با تنوع کم است؛ اما بزرگ‌ترین مشکل این کشور که توسط دولت آن نیز مورد توجه بوده است، مردمی بودن آن است، این اقتصاد از ظرفیت‌های مردمی ظرف سال‌های گذشته نتوانسته استفاده کند، با میدان ندادن به مردم برای حضور در اقتصاد، به قول مقام معظم رهبری به‌مثابه این است که موتور کشور را عده‌ای به دوش بگیرند و بخواهند تمام مسیر را طی کنند.

درس‌هایی برای اقتصاد ایران

به دلیل آنکه ساخت جغرافیایی و اجتماعی جامعه کوبا با جامعه ما به‌شدت فرق می‌کند، به‌سختی می‌توان تجربه‌هایی را از دل اقتصاد آن‌ها برای خودمان بیرون بکشیم، مگر اینکه از دل این جزئیات به کلیاتی دست یابیم و آن را در دل اقتصاد خودمان بازتعریف کنیم:

از این لحاظ از جمله مواردی که می‌توان از جامعه کوبا بیرون کشید، نخست این است که این کشور هیچ‌گاه از اصول خود کوتاه نیامده است و همیشه با تکیه بر موازین کمونیستی خود به سراغ راه‌حل‌های جدید رفته است، با این توصیف می‌توان گفت بزرگ‌ترین مانع رشد اقتصاد کوبا همیشه ممنوعیت‌های تجاری این کشور بوده است که با دیگر کشورها داشته است و این اقتصاد کوبا را ضعیف کرده است. حاکمیت کوبا اما برای رفع این مشکل قدم اول را مذاکره برای رفع ممنوعیت‌ها گذاشت، بلکه با میدان دادن به مردم^۳ نخست در پی ایجاد ظرفیت اجتماعی برای رشد اقتصادی برآمد سپس دل به رفع محرومیت‌ها بست. دولت کوبا دیگر به این مطمئن است که به او حمله نظامی نخواهد شد و با پشت‌گرمی همین با آمریکا مذاکره می‌کند.

به نظر می‌رسد اقتصاد کوبا دل به هیچ‌یک از اصول اقتصاد سرمایه‌داری نبسته، به خاطر همین عطش پایینی برای پذیرفتن سریع این اصول دارد و برای انتخاب آن‌ها کاملاً با فکر و عاقلانه عمل کرده است.

در پایان می‌توان یک رشد محسوس را در سال‌های آینده برای این کشور پیش‌بینی کرد، چراکه این کشور با توجه به الگوی چین و حفظ استقلال خود در پی رشد اقتصادی است، از طرف دیگر امکان استفاده از روابط انحصاری کوبایی‌های در خاک آمریکا در صورت رفع ممنوعیت‌ها وجود دارد^۴، به خاطر همین خوب است جمهوری اسلامی به فکر چیدن چند تخم مرغ در سبد کوبا باشد، مخصوصاً خوب است که سرمایه‌گذاری‌های ایران در این کشور در بخش پالایش نفت باشد، مجال سخن در اینجا کوتاه است اما می‌شود آنچه سیاست نفتی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق هست می‌تواند برای کوبا اجرا کرد، فقط به ذکر چند نکته در اینجا بسنده می‌کنم: نخست این‌که در سال‌های آینده کوبا به فکر تنوع بخشی به تولید خود است ولی دانش فنی مناسب مخصوصاً در بخش نفت را ندارد. ■

۳. طی سال‌های گذشته حدود ۴۰۰ هزار کوبایی برای

فعالیت‌های کارآفرینی ثبت‌نام کرده‌اند.

۴. کوبایی‌های مقیم آمریکا دارای آن قدر قوی هستند که حتی در کنگره برای خود لابی سیاسی دارند.



بررسی فعالیت‌های «مرکز سیاست دو حزبی» در جنگ اقتصادی علیه ایران

■ عبدالعظیم قربانی ■ کارشناسی ارشد اقتصاد ■

مقدمه

پس از گذشت سی و شش سال از استقرار نظام اسلامی در کشور که همواره با دشمنی‌ها و فعالیت‌های خصمانه نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران همراه بوده است، لازم است با بررسی دقیق ابعاد و زوایای مختلف این فعالیت‌ها به مقابله جدی در این باره بپردازیم. صرف نظر از وضعیت گذشته، همان طور که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از سال‌ها پیش به آن تأکید داشتند دشمنان جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن‌ها آمریکا، با انجام سناریوها و طراحی تحریم‌های مختلف، جنگ اقتصادی همه‌جانبه‌ای را علیه

آمریکایی Tom Daschle و George Mitchell از حزب دموکرات و Howard Baker و Bob Dole از حزب جمهوری خواه بودند که این مسئله را می‌توان در نام‌گذاری این مرکز به سیاست دو حزبی، مشاهده کرد. این مرکز سازمانی غیرانتفاعی است که از طریق تجزیه و تحلیل دقیق، مذاکرات مستدل و گفتگوهای محترمانه به ارائه راه‌حل‌های اصولی در قبال مسائل پرداخته و با طراحی پروژه‌هایی در موضوعات مختلف، سیاست‌گذاری‌های پیشنهادی خود را که از جهت سیاسی، متعادل و مستحکم‌اند، در راستای حمایت و دفاع از منافع ملی کشور ایالات متحده ارائه می‌کند.

جین گاروی (Jane Garvey)، رئیس هیئت مدیره مرکز سیاست دو حزبی از دیگر مدیران ارشد این مرکز به حساب می‌آیند.

نتایج حاصله از مطالعات و پژوهش‌های مرکز، به دو صورت مکتوب و غیر مکتوب منتشر می‌شود. نتایج مکتوب در بیش از هفت قالب از جمله News، Research، Blog، Interview، Report، Testimony^۱ و Event منتشر می‌شود. همچنین برخی گزارش‌ها و اخبار این مرکز به صورت فایل صوتی و تصویری ارائه می‌شود. منظور از Event جلساتی است که در آن چند نفر از اعضا و محققین، درباره موضوع خاصی به ارائه مطالب و نتایج تحقیقات خود می‌پردازند و با تحلیل و بررسی و تضارب آراء در نهایت به جمع بندی درباره آن موضوع می‌پردازند.

نکته قابل توجه درباره فعالیت‌ها و رویکرد کلی این اتاق فکرها این است که لزوماً آنچه منتشر شده و در خروجی سایت‌های آن‌ها قرار می‌گیرد تمام ماجرا نیست. به عبارت بهتر، این اتاق فکرها به اقتضای ماهیتشان که منافع ملی کشور آمریکا را هدف اصلی خود قرار داده‌اند در طی مراحل تحقیق و پژوهش و طراحی سیاست‌های مناسب، به نتایج بعضاً محرمانه‌ای دست می‌یابند که استفاده از آن‌ها صرفاً به سیاست‌های کشور آمریکا و دولت مردان مربوط می‌شود. از این جهت مسلماً علاوه بر افرادی که توسط سایت رسمی مرکز سیاست دو حزبی به عنوان اعضا معرفی شده‌اند، افراد دیگری نیز که از جهت رعایت شرایط امنیتی نباید اسامی آن‌ها ذکر شده و یا حداقل زیاد مورد توجه رسانه‌ها قرار گیرند وجود دارند و این امر از جهت رعایت منافع ملی ایالات متحده امری ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین می‌توان گفت که اتاق فکری نظیر مرکز سیاست دو حزبی آمریکا، دو برنامه را دنبال می‌کنند. اولاً از طریق ادعاهای غیرواقعی و بعضاً شائناژ خبری، حرف‌های باطل خود را منتشر می‌کنند. این کار دو فایده عملی برای آمریکا دارد: ۱- زمینه را برای اقدامات خصمانه علیه دشمنان خود فراهم می‌کند. ۲- اذهان را از واقعیت دور کرده، سیاست‌ها و اقدامات اصلی خود معطوف به آن واقعیات را مخفی نگه می‌دارد. ۳- عملاً با این اقدامات، کشورهای غیرمستقل و بعضاً پیرو خود و هم‌پیمانانش را با خود همراه می‌کند.

۴. شواهد، اسناد و مدارک

مرکز سیاست دو حزبی، تنها اتاق فکر واشنگتن است که به صورت فعال، استفاده از تجربیات و توان بالقوه و حزب موجود در آمریکا را ترویج می‌کنند.

مرکز سیاست دو حزبی، تنها اتاق فکر واشنگتن است که به صورت فعال، استفاده از تجربیات و توان بالقوه و حزب موجود در آمریکا را ترویج می‌کنند. این مرکز چالش‌های پیش روی ایالات متحده در حوزه‌های مختلف سلامت، انرژی، امنیت ملی، اقتصاد، مسکن، مهاجرت و حکومت‌داری را در اولویت فعالیت‌ها و پژوهش‌های خود قرار داده است. در سال ۲۰۱۰، هزینه‌های اجرایی مرکز سیاست دو حزبی حدود ۲۰ میلیون دلار بود که شامل هزینه‌های مربوط به ۷۰ نفر از افراد شاغل در برنامه‌های مهمی نظیر سیاست‌های اقتصادی، انرژی و امنیت ملی بود. تاکنون، ریاست مرکز سیاست دو حزبی بر عهده جیسون گرامت (Jason Grumet) بوده است که یکی دیگر از بنیان‌گذاران مرکز محسوب شده و سابقه ریاست بر کمسیون ملی سیاست‌گذاری انرژی را دارد. نایب رئیس این مرکز جولی اندرسون (Julie Anderson) است که دستیار ویژه امور قضایی برای بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا بود. همچنین جان فورتییر (John C. Fortier)، محقق سابق در موسسه آمریکن اینترپرایز و مدیر پروژه دموکراسی مرکز سیاست دو حزبی و

ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی آغاز کرده‌اند. در این راستا لازم است بازیگران اصلی و اتاق فکرهای^۱ طراح این عملیات که نقش شوراها و جنگی را دارا هستند شناسایی شده و با بررسی نوع فعالیت‌ها، شناخت انگیزه‌ها و حیل‌های آن‌ها در نهایت به مقاومت‌سازی اقتصاد کشور در برابر این حملات کمک کرده و دشمن را از رسیدن به اهداف خود بازداریم. به همین منظور در این یادداشت، فعالیت‌ها و اقدامات ضد جمهوری اسلامی ایران از سوی مرکز سیاست دو حزبی^۲ آمریکا که جزء مؤثرترین اتاق فکرها در سطح آمریکا و جهان است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ساختار، فعالیت‌ها و اهداف مرکز

به بیان سایت مرکز سیاست دو حزبی^۳، این مرکز در سال ۲۰۰۷ توسط چهار تن از سناتورهای ایالات متحده آمریکا که جزء رهبران اکثریت مجلس سنا بودند تشکیل شد. از این چهار سناتور

1. Think Tank
2. Bipartisan Policy Center
3. bipartisanpolicy.org

مهم‌ترین عناوین موردبررسی با موضوع ایران هسته‌ای

عنوان	تاریخ	قالب انتشار	پدیدآور
Iran's Nuclear Program: Pre- and Post-Interim Deal	۲۵ نوامبر ۲۰۱۳	سند	Blaise Misztal
Update on Iran's Nuclear Program	۱۹ نوامبر ۲۰۱۲	وبلاگ	Blaise Misztal
Meeting the Challenge: U.S. Policy Toward Iranian Nuclear Development	۱۹ سپتامبر ۲۰۰۸	پژوهش	Daniel Coates, Charles Robb, Ashton Carter
Solution or Stall? The Next Round of Talks with Iran	۱ فوریه ۲۰۱۳	رویداد	Dennis Ross
Establishing a Credible Threat Against Iran's Nuclear Program	۳۰ مارس ۲۰۱۲	مقاله	Foreign Policy Project
Principles for Negotiating With Iran	۹ آوریل ۲۰۱۲	مقاله	Foreign Policy Project
Iran's Nuclear Program: Status and Breakout Timing	۱۲ سپتامبر ۲۰۱۱	مقاله	Foreign Policy Project
Meeting the Challenge: Stopping the Clock	۱ فوریه ۲۰۱۲	گزارش	Charles Robb, Charles Wald

رادمیکر (Stephen Rademaker) در مقابل کمیته خدمات نیروهای مسلح مجلس^۳ نمایندگان حاضر شده و تهدیداتمی ایران و گزینه آمادگی برای اقدام نظامی برای ممانعت از توسعه هسته‌ای ایران به‌عنوان آخرین حربه را تشریح کردند. مایکل ماکوفسکی (Michael Makovsky) که از اعضای برجسته مرکز سیاست دوحزبی و عضو کارگروه ایران پژوهی این مرکز است، در سال ۲۰۰۶، از اقدام نظامی آمریکا علیه ایران علناً دفاع کرده است. وی چندین گروه BPS را برای انتشار گزارش‌هایی درباره برنامه هسته‌ای ایران هدایت کرده و درعین حال مقالاتی را برای نشریات محافظه‌کار نظیر ویکیلی استاندارد^۴ نوشته و پیشنهادهایی را نیز مستقیماً به قانون‌گذاران آمریکایی ارائه داده است. یکی از این پیشنهادها شامل نامه‌ای می‌شود که در می ۲۰۱۲ خطاب به نماینده کنگره، ایلینا راس لتینن (Ileana Ros-Lehtinen) نوشته شده که ریاست کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان^۵ را بر عهده دارد. وی در این نامه مدعی شده که ایران هسته‌ای بیشترین تهدید را متوجه امنیت ملی

چهار گزینه و راهکارهای جزئی برای هرکدام از آن‌ها به جهت اتخاذ بهترین سیاست‌ها باهدف مقابله جدی با ایران متمرکز هست. راه‌حل اطلاعاتی عمدتاً به علت محرمانه بودن کمتر موردبحث و بررسی قرار می‌گیرد. این استراتژی که پارادایم دیم^۱ نامیده می‌شود همزمان با آغاز دولت باراک اوباما در دستور کار قرار گرفت. با توجه به حضور افراد برجسته و سناتورهای باتجربه در مرکز سیاست دوحزبی آمریکا، لازم است کلیه مباحث و گزارش‌های منتشرشده از سوی آن‌ها را به‌دقت موردبررسی قرار داده و لازم است با توجه به شرایط زمانی و داشتن بصیرت کافی در مورد دشمنی‌های دشمنان نظام به‌خصوص ایالات متحده آمریکا، بتوان پیش‌بینی خوبی از فعالیت‌های آتی این دشمنان در قبال اقتصاد ایران، تحمیل جنگ اقتصادی علیه ایران و راهکارها و روش‌های جدید تحریم به دست آورده و از این جهت کشور را در برابر ضربه‌های غافل‌گیرکننده دشمن بیمه کنیم. در جدول فوق به جهت آشنایی هرچه بیشتر با فعالیت‌های مرکز سیاست دوحزبی،

ثانیاً با بررسی دقیق، تحقیقات گسترده و کارشناسی مسائل مختلف، بهترین راه‌حل‌ها را طراحی می‌کنند اما معمولاً از انتشار چنین مطالبی تا زمانی که نیاز باشد، صرف‌نظر می‌شود. فایده این کار نیز این است که آمریکا، خود و هم‌پیمانان دسته اول خود را با این سیاست‌ها و تصمیمات هماهنگ می‌کند و به‌صورت همه‌جانبه و بعضاً غیرقابل پیش‌بینی برای کشورهای هدف، سیاست‌ها را برای ضربه زدن به دشمن، پیاده‌سازی می‌کند.

با بررسی انواع مطالبی که از سوی مرکز سیاست دوحزبی منتشر می‌شود، می‌توان گفت که تا حد زیادی، تندروی و افراط در بیان دیدگاه‌ها وجود دارد و بدون ملاحظه مسائل سیاسی و امنیتی، به‌راحتی از راه‌حل‌های نظامی نیز برای پیشبرد اهداف و منافع ملی ایالات متحده سخن می‌گویند. با توجه به اینکه مرکز سیاست دوحزبی آمریکا نسبت به سایر مراکز و اتاق‌فکرها، تقریباً جدیدالتأسیس است، انتظار می‌رود این مرکز در آینده سیاست‌گذاری‌های دولتمردان ایالت متحده آمریکا، نقش بیشتری ایفا کند لذا بررسی و تدقیق بر روی مطالب و فعالیت‌های این مرکز به‌عنوان یکی از اعضای شورای جنگ اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، ضروری است.

۴ مرکز سیاست دوحزبی و ایران پژوهی

مرکز سیاست دوحزبی به تبعیت از مقامات ایالات متحده آمریکا و همراه با سایر اتاق‌فکرها و رسانه‌ها، مسئله قدرت هسته‌ای ایران را دستاویزی برای طرح‌های ضد ایرانی خود قرار داده‌اند. در تحلیل‌ها و بررسی‌های این مرکز در این باره می‌توان ابعاد مختلفی از این رویکرد را مشاهده کرد. پیش‌فرض اصلی تحلیلگران این مرکز، حرکت جمهوری اسلامی ایران به سمت بمب هسته‌ای و تبدیل شدن به خطری برای جهان است. در این راستا همواره چهار راه‌حل دیپلماتیک، اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی به‌عنوان راهکارهای اصلی برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران مطرح می‌شود؛ بنابراین اکثر تحلیل‌ها، گزارش‌ها و تحقیقات این مرکز در حوزه ایران پژوهی نیز به بررسی کلیات این

تا حد زیادی، تندروی و افراط در بیان دیدگاه‌ها وجود دارد و بدون ملاحظه مسائل سیاسی و امنیتی، به‌راحتی از راه‌حل‌های نظامی نیز برای پیشبرد اهداف و منافع ملی ایالات متحده سخن می‌گویند.

ایالات متحده می‌کند. پس از این نامه، راب و رادمیکر در جلسه استماع کمیته خدمات نیروهای مسلح مجلس نمایندگان حاضر شده و استدلال کردند که تحریم‌ها و دیپلماسی باید با آمادگی علنی برای گزینه نظامی توأمان باشد.

ماکوفسکی در مقاله خود که در مارس ۲۰۱۲ در نشریه ویکیلی استاندارد و مقارن با شرکت اوباما در اجلاس سالانه اپیک منتشر کرد نوشت که

لیستی از مهم‌ترین عناوین موردبررسی این مرکز با موضوع ایران هسته‌ای برگرفته از سایت رسمی BPS ارائه شده است.

مرکز سیاست دوحزبی آمریکا کارگروهی درباره ایران^۲ دارد که توسط سناتور پیشین چارلز راب (Charles Robb) و ژنرال بازنشسته چارلز والد (Charles Wald) هدایت می‌شود. برطبق اخبار منتشرشده از سوی این مرکز، در ژوئن ۲۰۱۲، راب و مشاور پروژه سیاست خارجی این مرکز استفان

3. the House Armed Services Committee

4. Weekly Standard

5. Chairwoman of the House Foreign Affairs Committee

1. Dime Paradigm

2. BPC's Iran Task Force

علاوه بر تحقیق، پژوهش، تحلیل و ارائه راهکارهای مناسب جهت اعمال تحریم‌های اقتصادی مؤثر، به آسیب‌شناسی تحریم‌های اقتصادی اعمال شده و پیشنهاد راهکارهای مقابله با دور زدن تحریم‌ها توسط ایران نیز می‌پردازد. در جدول صفحه بعد، بخشی از این مطالعات و بررسی‌ها نشان داده شده است.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در گزارش سال ۲۰۰۸، مرکز با اشراف ماکوفسکی گزارشی را با عنوان «مقابله با چالش: سیاست آمریکا در قبال توسعه هسته‌ای ایران» منتشر کرد. در این گزارش که با تأکید بر استراتژی دائم پارادایم ارائه شده، آمده است: حال که ایران نفت خود را بدون توجه به جریان دلار می‌فروشد هر کشوری که قصد خرید نفت از ایران را دارد، باید طبق نظریه دوربرگردان در بازار خودش و بازار بین‌المللی، اگر نفت را به یورو خرید آن را تبدیل به دلار کند تا اجازه داشته باشد آن را مصرف کند. این اتفاق در آذر ۱۳۸۷ یعنی آخر دوران ریاست جمهوری بوش افتاد و زمانی علنی شد که اوباما به ریاست جمهوری رسید. ایده اصلی این استراتژی این است که یا ایران نفتی که می‌فروشد را خودش به دلار تبدیل کند و یا کشورهای دیگری که نفت را بدون دلار می‌خرند در صورت باید طبق فرآیندی به دلار تبدیل شود.

مرکز سیاست دوحزبی در اکتبر ۲۰۰۹ در گزارشی به آسیب‌شناسی تحریم‌های تصویب شده توسط کنگره علیه ایران پرداخته است. در این گزارش آمده است که: قانونی که کنگره به تصویب رسانده است اشاره دارد که شرکت‌هایی که به ایران بنزین بفروشند یا به ارتقاء ظرفیت تولید بنزین ایران به نحوی کمک کنند مورد تحریم و غضب ایالات متحده قرار می‌گیرند. این قانون چندان مؤثر نخواهد بود چون ایران با سرعت در حال پیشرفت در زمینه انرژی هسته‌ای است و این نشان از ناکارآمدی این دست از تحریم‌ها دارد؛ بنابراین لازم است ایالات متحده با دقت و بررسی‌های قبلی از طریق محاصره اقتصادی دریایی در بندرها ایران به صورت جدی‌تر از واردات بنزین از سوی ایران جلوگیری کند. همچنین به علت افزایش تولیدات نفت و کاهش قیمت آن، ایران در پوشش هزینه‌های عمومی خود موفق نخواهد بود و این مورد موجب کاهش توان ایران در یافتن جایگزینی برای جبران این خسارت می‌شود. با توجه به این شرایط در ادامه گزارش علاوه بر لزوم سخت کردن شرایط واردات بنزین از طریق افزایش قیمت بنزین، به فشار سیاسی داخلی بر تهران

منطقه گسیل امید و دیگر مواد جنگی در منطقه شامل سنگرهای دفاع موشکی بیشتری را به کارگرد و تأسیسات منطقه و ارتش‌های متحدین منطقه‌ای را به روزرسانی کرده و با کشورهای نظیر آذربایجان و گرجستان همکاری استراتژیک خود را گسترش دهد تا فشار عملیاتی از تمامی جهات علیه ایران اعمال شود. بعلاوه، دولت جدید باید همکاری دوجانبه با روسیه روی مسائل هسته‌ای را متوقف نموده تا روس‌ها را وادار به توقف ارائه همکاری به برنامه‌های تسلیحاتی، موشکی و هسته‌ای ایران نمایند؛ و اگر دولت جدید موافق برگزاری مذاکرات مستقیم با تهران بدون پیش شرط توقف فعالیت‌های غنی‌سازی بود، بایستی ضرب‌العجل از پیش تعیین کند و در صورتی که این ضرب‌العجل به پایان رسید، آماده به‌کارگیری اقدامات سخت‌گیرانه علیه تهران باشد، اقداماتی که ممکن است در نهایت منجر به حمله نظامی آمریکا شده که نه تنها زیرساخت‌های هسته‌ای ایران بلکه زیرساخت‌های نظامی متعارف ایران را هدف قرار می‌دهد تا از یک حمله ایرانی جلوگیری به عمل آورد.

۴ مرکز سیاست دوحزبی و جنگ اقتصادی علیه ایران

شکل زیر که برگرفته از استراتژی پارادایم دیم با توجه به شرایط فعلی ایران است، به خوبی برنامه جامع ایالات متحده و جایگاه تحریم و جنگ اقتصادی تحمیلی به جمهوری اسلامی و اهداف آن را نشان می‌دهد. طبق این استراتژی، به منظور دستیابی به توافق جامع هسته‌ای، ابتدا با گزینه دیپلماتیک شروع کرده و با استفاده از گفتگوهای مختلف بر توقف برنامه هسته‌ای حتی به صورت صلح‌آمیز تأکید می‌شود. در صورت عدم توافق، تحریم‌های اقتصادی همه‌جانبه‌ای برای ایران اعمال می‌شود. در صورتی که با فشارهای اقتصادی نیز ایران به توافق هسته‌ای روی خوش نشان ندهد، آخرین گزینه یعنی حمله گسترده نظامی آمریکا با استفاده از همه ظرفیت نظامی در منطقه و با کمک هم‌پیمانان در پیش‌گرفته می‌شود.

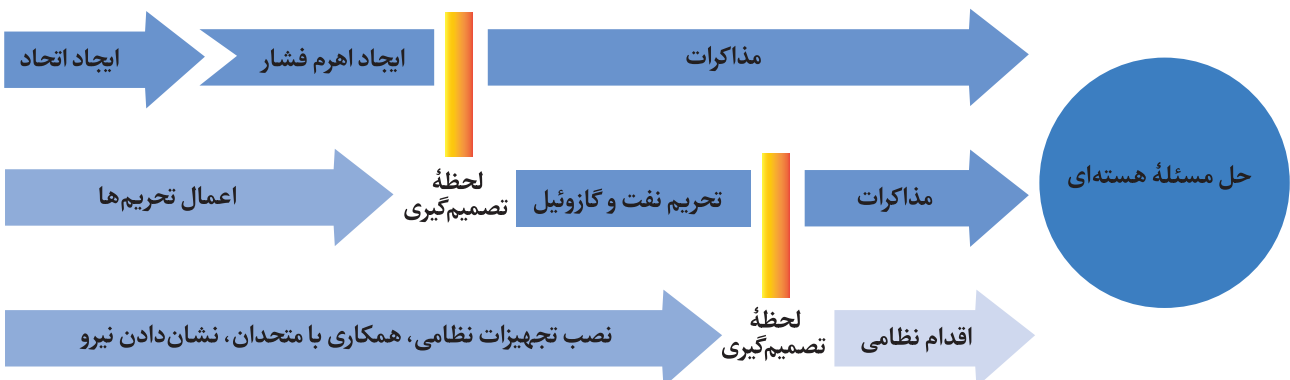
البته نکته درخور توجه این است که با وجود انجام مذاکرات هسته‌ای در سطوح مختلف، اقتصاد ایران همواره به خصوص از سال ۲۰۰۷ تاکنون با تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا مواجه بوده است؛ بنابراین هر زمان که بخشی از مذاکرات ناتمام بماند تحریم‌های جدیدی اعمال شده است. مرکز سیاست دوحزبی آمریکا در این راستا،

ایالات متحده باید تلاش نماید تا مانع دستیابی ایران به قابلیت ساخت بمب اتم شود. البته ماکوفسکی مشخص نکرد که آمریکا دقیقاً چگونه باید این کار را انجام دهد.

به‌هرحال، گزارش فوریه ۲۰۱۲ این مرکز، پیشنهاد اجرای طرحی با هدف اعتبار بخشیدن به تهدید اسرائیل و آمریکا علیه ایران را داد. گزارش «مقابله با چالش: توقف زمان»، از سری گزارش‌های مرکز عنوان می‌داشت که ایالات متحده بایستی حضور ناوگان نظامی دریایی خود را در خلیج فارس افزایش داده، میزان مانورهای نظامی را از نظر حجم و تعداد دفعات بیشتر کرده و توانایی حمله متحدان عرب خود در منطقه را افزایش دهد.

گزارش فوریه ۲۰۱۲ آخرین سری گزارش‌هایی است که در رابطه با اتخاذ رویکرد تهاجمی‌تر با ایران نگاشته شده است. برای نمونه در سال ۲۰۰۸، مرکز سیاست دوحزبی به رهبری ماکوفسکی گزارشی را با عنوان «مقابله با چالش: سیاست آمریکا در قبال توسعه هسته‌ای ایران» منتشر کرد که نویسنده اصلی آن مایکل رابین (Michael Rubin) از موسسه آمریکان اینترپرایز و حامی علنی سیاست‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه بود. گزارش عنوان می‌داشت که علی‌رغم تضمین‌های ایران، هدف از برنامه هسته‌ای این کشور توسعه تسلیحات اتمی است که این تهدیدی برای امنیت آمریکا و جهان و ثبات منطقه‌ای است. نتیجه‌گیری که با برآورد اطلاعات ملی سیا در نوامبر ۲۰۰۷ بیان می‌داشت ایران تلاش‌هایش را برای توسعه کلاهک هسته‌ای متوقف کرده، به‌شدت در تناقض است. گزارش عنوان می‌کند در حالی که رئیس‌جمهور جدید آماده می‌شود تا به کاخ سفید وارد شود، مخالفت ایران با تعهدات خود در چارچوبان پی‌تی و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، از جمله بزرگ‌ترین چالش‌های امنیت ملی و سیاست خارجی است که آمریکا را تهدید می‌کنند. در تضاد با بسیاری از ارزیابی‌های واقع‌گرایانه از وضعیت برنامه هسته‌ای ایران، گزارش ادعا کرد که بازدارندگی جنگ سرد به دلیل ایدئولوژی افراطی جمهوری اسلامی گزینه متقاعدکننده نیست؛ بنابراین حتی برنامه غنی‌سازی اورانیوم با اهداف صلح‌آمیز تمامی منطقه خاورمیانه را در هاله‌ای از ابهام و گنگی در کنار نیت و ظرفیت‌های مبهم ایران فرومی‌برد.

گزارش به رئیس‌جمهور جدید توصیه کرد که حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه را پررنگ نموده و نیروهای آمریکایی و ناوبرهای جنگی بیشتری را به



انتشارات مربوط به آسیب شناسی تحریم های اقتصادی اعمال شده علیه ایران

عنوان	تاریخ	قالب انتشار	پدیدآور
The Price of Inaction: An Analysis of Energy and Economic Effects of a Nuclear Iran	۱۰ اکتبر ۲۰۱۲	گزارش	Charles Robb, Charles Wald
Conditional Sanctions and Repeal Authority: A Mechanism for Legislative-Executive Cooperation on Negotiations with Iran	۸ نوامبر ۲۰۱۳	گزارش	Blaise Misztal
The Real Oil Shock	۸ ژانویه ۲۰۱۲	مقاله	Makovsky, Goldstein
House Bill Echoes BPC Recommendation for Assessing Sanctions Against Iran's Nuclear Program	۳ آوریل ۲۰۱۳	وبلاگ	PBC
Assessing the Effectiveness of Sanctions on Iran: A Call for Independent Review	۱۹ مارس ۲۰۱۲	پژوهش	Marissa McCauley, Jonathan Ruhe
Congressmen Forge Alliance to Ensure Effectiveness of Iran Sanctions	۱ اکتبر ۲۰۱۳	وبلاگ	Laura Hall
Iran Sanctions: Tool or Hindrance?	۳ سپتامبر ۲۰۱۳	رویداد	Dan Coats, Richard Blumenthal
Iran Oil Sanctions: What If They Fail?	۲۱ اکتبر ۲۰۱۲	اخبار ویدئویی	Dennis Ross
Over a Barrel: Why Congress's sanctions against Iran won't work	۲۹ می ۲۰۰۹	اخبار	Morse, Makovsky

تأکید شده است.

در ژانویه ۲۰۱۲، مقاله‌ای با موضوع شوک نفتی توسط ماکوفسکی و گلدشتاین ارائه شده و توسط مرکز به انتشار رسید. در این مقاله با پذیرش برخی خسارت‌های اقتصادی برای آمریکا در فرآیند تحریم

شده است. در این مقاله اشاره شده است که به علت عامل زمان که می‌تواند ایران را به دستیابی به بمب هسته‌ای برساند، بر ضرورت بررسی میزان اثربخشی و مطالعه دقیق این موضوع که واقعاً چه تحریمی برای کاهش سرعت و توقف دستیابی ایران

در صورتی که با فشارهای اقتصادی نیز ایران به توافق هسته‌ای روی خوش نشان ندهد، آخرین گزینه یعنی حمله گسترده نظامی آمریکا با استفاده از همه ظرفیت نظامی در منطقه و با کمک هم‌پیمانان در پیش گرفته می‌شود.



خداشه است. در میزگردی که در سپتامبر ۲۰۱۳ توسط مرکز سیاست دوحزبی برگزار شد، اشاره شده است که با توجه به روی کار آمدن دولت حسن روحانی، این امید وجود دارد که از طریق گفتگو و مذاکره و راه حل دیپلماتیک، مسئله هسته‌ای ایران حب و فصل شود. لذا به نظر می‌رسد که تقلیل و تلطیف تحریم‌ها برای فرصت دادن به ایران جهت تصمیم‌گیری بهتر ضروری است. از سویی نظر دیگری نیز وجود دارد که معتقد است ایران با این گفتگوها در حال خریدن زمان برای پیشبرد اهداف هسته‌ای خود است لذا نه تنها تحریم‌ها نباید کاهش یابند بلکه باید با ارزیابی اثربخشی تحریم‌ها در صورت لزوم تحریم‌های بیشتری بر ایران اعمال شود.

جمع بندی

با توجه به مطالب ذکر شده در این یادداشت، ضروری است دولتمردان و سیاست‌گذاران کشور، با بررسی دقیق فعالیت‌های این اتانق فکرها و پیش‌بینی اقدامات بعدی آن‌ها، مقاومت اقتصاد کشور را در شرایط جنگ اقتصادی افزایش دهد. از سوی دیگر ممکن است تحت شرایطی، مطالعه فعالیت‌های این اتانق فکرها دقیقاً به ضرر کشور نیز تمام شود. این در صورتی است که بدون بصیرت کافی و دشمن‌شناسی دقیق، حیل‌های اقتصادی که اتانق فکرها ایالات متحده برای ضربه زدن به کشور طرحی شده است مسئولان و مقامات کشور را دچار اشتباه در تصمیم‌گیری سازد. یک نمونه از این حیل‌ها دستاویز قراردادن برنامه هسته‌ای ایران برای ضربه زدن به اصل نظام جمهوری اسلامی ایران است. در واقع همان‌طور که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) فرمودند برنامه هسته‌ای صرفاً بهانه غرب برای فشار و ضربه زدن به کشور و اقتصاد کشور است و تا از آرمان‌های انقلاب دست نکشیم تحریم و جنگ اقتصادی نیز باقی خواهد ماند. ■

به پیشرفت‌های اقتصادی مناسب‌تر است تأکید شده است.

در اکتبر ۲۰۱۳ لورا هال (Laura Hall)، مقاله‌ای تحت عنوان متحدشدن کنگره برای ارزیابی اثربخشی تحریم‌ها، ضمن اشاره به قانونی که در سال ۲۰۱۳ برای تحریم‌های مالی و نفتی ایران تصویب شده است بر ضرورت اتحاد دو حزب دموکرات و جمهوری خواه برای کمک به اثربخشی تحریم‌ها، ارزیابی این اثربخشی و تدقیق در فرآیند پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرده است. در واقع صرف‌نظر از علاقه مقامات ایالات متحده اعمال تحریم‌های جدید و بهتر، اولویت سیاست‌ها و استراتژی‌های دولت آمریکا در مورد تحریم و جنگ اقتصادی علیه ایران، کمک به اثربخشی تحریم‌ها است. در واقع تا زمانی که مقامات آمریکا از عدم پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران و عدم حرکت جمهوری اسلامی به سمت تولید سلاح هسته‌ای اطمینان نیافته است و توافق جامع هسته‌ای صورت نپذیرفته، اثربخشی تحریم‌ها به شدت مورد

اشاره شده است که: همچنان که دولت اوپاما به درستی نگران تضعیف و عدم کارایی قانون تحریم بانک مرکزی ایران است، بررسی دقیق بازار نفت نشان می‌دهد، اگر ایران فرصت یابد تا برنامه هسته‌ای خود را گسترش دهد، قیمت نفت برای مدت طولانی‌تری بالا ننگه‌داشته خواهد شد. این وضعیت را باید هم‌زمان با بحران اقتصادی ایران در نظر گرفت. بحرانی که چگونگی روند آن چندان مشخص نیست. بهترین سناریو که در عین حال از احتمال وقوع اندکی برخوردار است این است که در طی این اتفاقات اقتصاد آمریکا به صورت کوتاه مدت با مشکلی مواجه نشود. در صورت رفع این بحران‌ها در عین وجود تحریم‌های اقتصادی یا فعالیت نظامی، خسارت اقتصادی قطعی است هرچند به نظر می‌رسد کوتاه مدت باشد. در حال علت این مشکلات برنامه هسته‌ای ایران عنوان شده است که باید هرچه سریع‌تر توافق هسته‌ای صورت گیرد. در مارس ۲۰۱۲ مقاله‌ای توسط مرکز، تحت عنوان ارزیابی اثربخشی تحریم‌ها بر ایران منتشر



آنچه بیش از همه در جنگها منجر به پیروزی و خنثی‌سازی حملات دشمن می‌گردد، داشتن اشراف اطلاعاتی بر تجهیزات دشمن، سابقه اقدامات دشمن و پیش‌بینی طرح‌های عملیاتی یا در سطح کلان، پیش‌بینی دکترین دشمن است.

از طرف دیگر، پیچیدگی جنگ اقتصادی به‌لحاظ اثرپذیری حلقه‌های تهدید از هم و مرتبط‌شدن حتی زیرساخت‌های غیراقتصادی در ایجاد یا افزایش فشار اقتصادی، لزوم شناخت بیش از پیش دشمن را در این عرصه روشن می‌سازد.

در این کتاب سعی شده است مهم‌ترین معماران تحریم جمهوری اسلامی ایران در دولت ایالات متحده و کنگره که نقش مهمی را در ساختار بندی و جهت‌گیری تحریم‌های یک‌جانبه یا ائتلافی ایفا می‌کنند معرفی شوند.

...{{ غیرت }}...

امروز دشمنان برای ملت ایران با تحریم مشکل درست کردند؛ حالا اگر آمدند شرط برداشتن تحریم را یک چیزی قرار دادند که شما غیرت نمیکنید که آن را انجام بدهی؛ چه کار میکنید؟ ... قطعاً قبول نمیکنید. ... معلوم است هیچ مسئولی موافق نیست که در مقابل دشمنان کوتاه بیاید و برای اینکه مثلاً تحریمها برداشته بشود یا کم بشود، از آرمانها دست بردارند؛ خیلی خوب،

حالا که اینجور است، پس شما بنیاید کاری کنید که کشور در مقابل تحریمها مصونیت پیدا کند؛ اقتصاد مقاومتی یعنی این.

۱۳۹۱/۱۷

KHAMENEI.IR

